

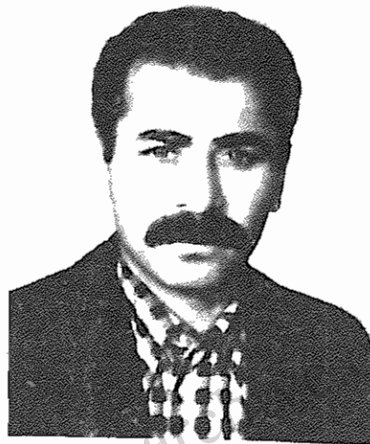
اخبار

دور دوم - سال پنجم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: ۵۰ ریال شماره ۹
اذر ۱۳۶۳

زندانیان سیاسی و ترفند جدید فقها

این روزها رژیم خمینی به منظور سریوش گذاشتن به جناب‌ات خود در مورد اعدای سیاسی و اعمال بی رحمانه - ترین نوع شکنجه در مورد هزاران زندانی سیاسی، حمله تازه‌ای را برای فرسودگان و زحمتکشان میهنمان و انحراف افکار عمومی مرفقی بین المللی سازمان داده است! فقهای حنا تکا ربا تعویض برخی از روسای زندانیان و انجام مباحثه‌ها و مباحث مکارانه خود، و بختنامه‌های نمایی به دادستانها منی بر رعایت "شرعی" حقوق زندانیان گرد و خاک راه انداخته و میکوشند چهره طلبد خود را از انظار بنیان کنند. و برای جاشنی زدن به این سیاست مردم - بقیه در صفحه ۲

فقها، در تقلای تعدیل بحران



رفیق یوسف آل یاری
همیشه وفادار به نیروهای زندگی

بدنبال فاصله‌گیری از سیاست "نه شرقی - نه غربی" و فعال نمودن دیپلماسی بین المللی، بنظر میرسد تغییرات محسوسی در نحوه پیشبرد سیاستهای داخلی رژیم جمهوری اسلامی حادث شده و این تغییرات، تاثیر قابل توجهی در برنامه حکومتی فقها نهاده است. بیگیری جنین برنامه‌ها را از زبان خامنه‌ای به گویا ترین شکلی میتوان دریافت: "ما احتیاج داریم که در داخل مرزهای خود، امنیت، آسایش و سلامت حکمفرما باشد تا بتوانیم در خانه خود به این اصولی که معتقدیم عینیت دهیم، جنیسن امنیتی در کشور امکان پذیر نیست مگر اینکه تا حائیکه ممکن است از تحریکات بقیه در صفحه ۷

آخر مبارزات کارگران و زحمتکشان

- اعتصاب کارگران کانا دا درای
- اعتصاب در جنرال صنعتی
- اعتراض کارگران کفش ملی
- مقاومت کارگران راه آهن
- در برابر اخراج همکارانشان
- پیروزی کارگران تولیدارو
- کارگران مدیرعامل را گروگان میگیرند!
- مقاومت کارکنان "شرکت ملی فولاد ایران"
- فشار مدیریت به زنان کارگر
- گزارشی از چیت سازی تهران
- اعتراض مردم فیروزکوه به اعدام یک جوان انقلابی
- راهپیمایی مردم بروجرد
- در اعتراض به پاسداران
- مبارزات زحمتکشان "شادشهر"

هبکدام از طرفین قادر به گتابش آن نیستند. تداوم فرسایشی جنگ بر سترخانائی های مختصر نظامی، هر دو رژیم را فرسوده کرده است. بر مبنای جنین جسم اندازی است که هر کدام از طرفین برای خروج از آن دست و پا میزنند عراق در وضعیتی است که خواهان آتش بس فوری و مذاکره برای خاتمه بقیه در صفحه ۴

رژیم در باقلاق جنگ

دیگر بر کسی پوشیده نیست که جنگ ایران و عراق همچون کلاف در هم ریخته‌ای به گره‌های کور رسیده و

رژیم جمهوری اسلامی ایران و مسئله مسکن



نقدی بر رینش آنارشیستی
"حزب کمونیست" کومه‌له
در صفحه ۹ (قسمت دوم)

اعلامیه کمیته کردستان
در صفحه ۲۹
اخباری از کردستان
در صفحه ۲۸

هدف حزب توده،
مشارکت با سرمایه داران
در صفحه ۵

رفیق یوسف آلیاری همیشه وفادار به نیروهای زندگی

ادامه داد و بعد در تهران در دانشگاه ملی، رشته حقوق خواند. او نزدیکترین دوست رفیق کرامت دانشیان بود. آندو در سالهای آخر دبیرستان، همکلاس و با هم دیگر آشنا شدند و با طرکرا با شبات سیاسی مشترک، دوستی شان بسرعت محکم شد. بعد از پایان دبیرستان، آنها یک محفل مارکسیستی بوجود آوردند و بمبارزه سازمان یافته علیه رژیم خودکامه پهلوی پرداختند. و در ارتباط با همین محفل بود که در سال ۴۹ هردو در یکی از روستاهای خوزستان، که کرامت در آنجا بعنوان سپاهی دانش خدمت میکرد، دستگیر شدند. دشمن نتوانست از آنها اطلاعات مهمی بدست آورد، در نتیجه یوسف فقط به شش ماه زندان محکوم شد و کرامت به یکسال، آنها بعد از آزادی، سلفاطله مبارزه شان را با بگیری بیستری از سر گرفتند. و ناردیگر در سال ۵۲ دستگیر شدند. راز داری رفیق کرامت در برابر دشمن،

ارنستوچه گوارا، به روایت یکی از دوستان نزدیکش، همیشه میگفته: "باید خشن با ریباً شیمی آنکه لطفتمان را از دست بدهیم". ما را آمدنی جنین، بسیار مشکل است و بدون خمیر ما به عشق به مردم و عشق به نیروهای زندگی، ناشدنی است یوسف یکی از نمونه های درخشان این آلیاژ گرانبها بود. عشق بی کراش به مردم و ایمان تردیدناپذیرش به حقانیت زندگی، در او کینه ای خاموش نشدنی نسبت به ستمگران و سپهره کشان و جهانخواران بوجود آورده بود. و همین عشق و کینه توامان بود که او را یکی از استوارترین انقلابیون کمونیست کشور ما تبدیل کرد. با خاک افتادن او، نیروهای زندگی، طبقه کارگر و محنتین سازمان ما گوهر گرانبهائی را از دست دادند.

رفیق یوسف آلیاری در سال ۱۳۲۴ در تبریز و در یک خانواده مرفه زاده شد، تحصیلاتش را تا پایان دبیرستان در تبریز

زندانیان سیاسی و ...

فریبانه به آزادی تعدادی توابع و پاره ای زندانیان سیاسی که محکومیت بسیاری از آنها مدت ها ست سپری شده، اقدام کرده اند!

اما همزمان با این نمایشها و در پشت این هیا هو موج جدیدی از دستگیری ها آغاز شده و کشتار زندانیان تشدید گشته است. تنها در دو ماه گذشته صدها انقلابی اسپیز در زندانهای تهران بویژه زندان اوین، و در اکثر شهرستانها مانند تبریز، رشت، شیراز و... به جوخه اعدام سیرده شده اند. بسیاری از اعدام شدگان اخیر، زندانیانی بودند که حتی قبل از سی خرداد با زداشت و در خود بیدادگاه رژیم فقها به زندانهای مختلف محکوم شده بودند!

هیا هو ای خیر ضمن اینکه سربویتی است برای جنایات تازه، سازمان دادن عمقی سرکوب و سیاست تمرکز تصمیم گیری در مورد اعدام ها و شکنجه های وحشیانه را در دستور دارد! با اینهمه علیرغم این همه جنایات، همینکه رژیم به صورت ظاهر هم کدشده ناچار گردیده تا عده ای را آزاد و دم از رعایت "سرعی" حقوق زندانیان بزند، خود به تریستن نشانه کارکرد افشاگری نیروهای انقلابی و خانواده های شهدا و اسرا و اعتراضات پنهان و آشکار توده های میهن ماست. و نیز نشانه به تنگنا افتادن اجتناب ناپذیر رژیم ددمنسی است که مزورانه میکوشد خود را در مقابل افکار عمومی مترقی جهانی، رژیم موجه جایزند!

رژیم سفاکی که تا کنون وجود هر نوع فشار و شکنجه را شایعه ضد انقلاب قلمداد کرده و اساساً به امر زندانیان اعتنائی ننموده که سهل است، رسماً برای کشیدن خون آنان قتل از اعدام بخشناه صادر کرده، با فشارهایی که از داخل و خارج بر او وارد شده، اینک در تنگنا گیر کرده و برای پوشاندن چهره کریه خود به تقلا افتاده است و نشان داده که در برابر دفاع از زندانیان سیاسی و افشای اعدام و شکنجه شدت آسیب پذیر است.

ما هم بطوریکه در شماره قبل نشریه خود طی رهنمودهایی تاکید کردیم، افشای جنایات رژیم در مورد هزاران زندانی سیاسی و دریدن نقاب از چهره



خانه، محل کار، خیابان، مدرسه، تاکسی، قهوه خانه و هر جا که ممکن است، فقها راه عقب نشینی و اداریم. همچون وظیفه ای میرم شعار زیر را همه جا گسترش داده و آن را توده گیر کنیم: اعداً یا شکنجه، ممنوع باید گردد. زندانی سیاسی، آزاد باید گردد.

بلید فقها را وظیفه عاجل انقلابیون میدانیم. با تمام توان این ترفند تازه رژیم را برای توده ها و برای افکار عمومی مترقی جهانی افشا کرده و هر چه بیشتر این جنایتکاران رسوا را رسواتر کنیم! و با سازمان دادن مبارزه حول دفاع از زندانیان سیاسی و نقل دهان به دهان فجایع رژیم در

رژیم در باتلاق ...

جنگ است. و ایران اگرچه فتح بنفاد را از دستور خارج کرده و از شرط غرامت دویست میلیاردری خود کوتاه آمده است، اما برقراری آتش بس را تنها و تنها مشروط به سرنگونی صدام کرده است! طرفین متخاصم در ماههای اخیر، برای به ثمر رساندن سیاستها - ایشان، تاکتیکهای جدید و پیچیده تری را در دستور کار قرار داده اند.

عراق با بین المللی کردن جنگ و رودررو قرار دادن دولتهای خلیج با ایران، کوشیده است جنگ را از زمین - که آسیب پذیرش کرده - به هوا و دریا منتقل کند. تا ضمن وار کردن خسارات اقتصادی به رژیم ایران، او را از نظر مالی و تدارکاتی که عمدتاً بوسیله فروش نفت تامین میشود، فلج کرده و از نظر سیاسی نیز هرچه بیشتر دردنیای بویژه در منطقه منزویش کند! هدف اساسی از اتخاذ چنین تاکتیکهایی، وارد آوردن فشار بین المللی و داخلی به رژیم جمهوری اسلامی بمنظور عقب نشینی از خواستهای و سذیرش آتشیس بمنابیه گام نخستین صلح بوده است. این تاکتیک عراق اگرچه موفقیت کاملی نداشته، اما توانسته است با جلب حمایت بخشی از همسایگان عرب که منافعی حیاتی در حفظ امنیت آبپسای خلیج دارند و از قدرت گیری رژیم بان اسلامیت ایران نبتند هراسانند، فقها را دچار نگرانی کرده و آنان را به احتیاط وادارد.

رژیم فقها در هراس از بین المللی شدن جنگ و در اجتناب از رودررو شدن با همسایگان عرب خود، کوشش تا با تغییر محل محدث جنگ از هوا و دریا به خشکی، بحران خلیج را از جنگ ایران و عراق جدا کند. و همچنان سیاست قلبی خود را که تصرف عراق و فزانسو در آوردن نظامی صدام است، تعقیب کند. اما عوامل حندی موجب ناتوانی فقها از پیشبرد چنین سیاستی سد که عمده ترین آنها را میتوان در جوه زیر خلاصه کرد. ۱) شکست نسبی عملیات والفجر پنجم و شش و خیبرونا - بودی بخش قابل توجهی از نیروی انسانی و تدارکاتی ایران (۲) ناکافی بودن ساز و برگ نظامی و ناتوانی در تامین

آن بخاطر انزوای سیاسی رژیم و تنگناهای ارزی و بحران اقتصادی. ۳) بائین آمدن چشمگیر توان بسیج نیروی انسانی بوسیله رژیم که ناشی از بیزاری مردم از این جنگ ویرانگر است. ۴) تقویت بنیه نظامی و تدارکاتی عراق با استفاده از حمایت های مالی و نظامی بین المللی. (ما جزئیات این روند را در مقاله "زننده بادمح وزنده با دناقلاب" مندرج در شماره شش نشریه خود، ارائه داده و به بررسی آن پرداخته ایم.)

رژیم فقها وقتی اجرای سیاست خود را مبنی بر سقوط صدام از طریق نظامی در بن بست دید، تاکتیک جدیدی در پیش گرفت: از یکسو در عرصه داخلی سیاست میدان دادن به بخش خصوصی و دادن تضمین به سرمایه داران برای سرمایه گذاری بمنظور مقابله با رکود اقتصادی را شتاب داد، و از سوی دیگر، با بائین آوردن قسمت نبت بمنظور جلب مشتریان خود که نگران محموله های نفتی بخاطر نباران های مکرر دریایی بوسیله عراق هستند، کوشید بحران اقتصادی رادسه زده و آرزو لازم را برای تهیه ساز و برگ نظامی تامین کند. همزمان با این اقدامات، رژیم با دو هدف مشخص به فعال کردن دیپلماسی خود پرداخت: الف) بمنظور منزوی کردن صدام، همزمان با تقویت روابط اقتصادی با غرب، مناسبات دیپلماتیک خود را نیز با آنان گسترش داد. و با دلجوئی کردن از رژیم های مطلقه کوشید تا اعتماد همه را نسبت به معقول بودن رژیم جمهوری اسلامی جلب کند. برای توسعه هرچه بیشتر این سیاست، سخن خمینی وارد میدان شده و گسترش و تعمیق روابط سیاسی با همه دول را حکم میکند. وی در سخنرانی شش آبان خود گفت: "... ما با بداهه های کشورها رابطه داشته باشیم... رابطه نداشتن یعنی منزوی شدن، کسی که منزوی است، زندگی نمیتواند کند..." ب) رژیم سرپرست چنین تلاشهایی خواهان قطع کمک به عراق و موافقت این کشورها با سقوط صدام شد. ملایسان کوشیدند هر طور شده ثابت کنند که با سقوط صدام نه فقط آب از آب تکسان نخورده و منافع هیچکس به خطر نخواهد افتاد، بلکه آرامش وثبات در منطقه

تضمین خواهد شد! و ایران به حسن همجواری با کشورهای همسایه واخوت برادرانه اسلامی نسبت به همسایگان خود پایبند است!

ملاقاتهای مکرر نمایندگان جمهوری اسلامی با دول غربی و کشورهای عربی - بویژه حکام خلیج فارس برای شمر رساندن این سیاست بود. رژیم این تاکتیک خود را با ماک فساد اسرائیلی و تحت عنوان تلاش برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل انجام میداد. مسافرتهای خامنه ای، نقطه اوج این دور تعرض دیپلماتیک بود. اما تلاشهای چند ماهه رژیم دست آوردی نداشت و این مرحله از تلاش دیپلماتیک رژیم شکست خورد. فقها نه فقط نتوانستند رضایت مخالفین صدام را به جز لیبی به نفع سیاست خود جلب کنند، بلکه حتی دوستانشان از جمله الجزایر و سوریه نیز حاضر نشدند با چنین خواستی موافقت کنند! هنگامی که دولتمردان رژیم خود را در اسن تعرض دیپلماتیک ناکام یافتند، تصمیم گرفتند با سازمان دادن یک تعرض نظامی ضمن آنکه توان رزمی خود را به نمایش بگذارند، در همان حال بیروزی حاصل از این تعرض نظامی را همچون یک برگ برنده، نشنوانه فاز بعدی تعرض دیپلماتیک خود کنند. برای این منابود که حمله مسک سازمان داده شد. رفتنحانی بدون برده بوسی همیسن سیاست را اعلام کرد: " حمله ما حنسه سیاسی دارد، نه نظامی " (ببست وهفتم مهر کنهان). به عبارت ساده، دیگر از آن شعارها و آن تبلیغات گذشته رژیم که خبر از سازماندهی یک حمله تعیین کننده و نهائی میداد که خود رفتنحانی بارها در نمازهای جمعه از آن دم میزد، خری نیست. آنحائی هم که ادعای بیروزی میتود برخلاف گذشته مضمونی دفاعی بخود میگردد. به این سخن خامنه ای توجه کنید: " عملیات استراتژیک میمک، تصور اینکه ایران توان حمله ندارد را، از بین بسرد." (سج آبان، اطلاعات) بیان این حمله ضمن اینکه مفهوم سیری شدن دوران خود بزرگ بسنی رژیم فقهاست که آنهمه بر طبل تسلینحائی آن میکوفتند، نمایش واقعی از مقدرات و امکانات بقیه در صفحه ۳۱

کنترل کارگری نه بطور سراسری و در سطح اقتصاد ملی، بلکه در کارخانه‌های منفرد و مجزا از یکدیگر برقرار شده بود، در ایجاد اختلال و تجزیه بعدی نهضت کنترل کارگری و سورا های کنترل نقش مهمی ایفا کرد.

آنچه حزب توده خائن "دستاورد" کارگران در مشارکت مینا مدر و واقع روند سعدی این مبارزات که در آن کارگران در قبال یورشهای مکرر رژیم، عقب رانده شدند، حزب توده روند

مبدهد، آمار نشان میدهد که در آنحساب که کنترل تولید بدست کارگران افتاد است، نه تنها تولید کاهش نیافته و هرج و مرج پیش نیامده، بلکه ربح تولید و انضباط کار به نحو موثری حفظ شده و گاه افزایش داشته است. این خراسکا ربهای بورژوازی و بویژه دولت ضد انقلابی در امر تهیه مواد اولیه لازم و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های تحت کنترل کارگران بود که باعث کاهش تولید، در دوره بعد، گردیدند.

حزب توده در سحنی بیرامون تانوی کار جمهوری اسلامی، در ساره نقش کارگران در اداره تولید نوشته است "حق مشارکت کارگران در اداره واحد - های تولیدی و خدماتی یکی از دستاوردهای بزرگی بود که طبقه کارگران ایران ضمن شرکت همه جانبه خود در انقلاب بهمن ماه و ایفای نقش انکارناپذیر در به ثمر رساندن آن بدست آورد و در اصل ۱۳۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی آن را

هدف حزب توده، مشارکت با سرمایه داران

انحلال کنترل کارگری و درهم کوبیده شدن آنها توسط دولت را "دستاورد" انقلاب نامیده است. اصل ۱۳۴ نیز که امتیاز فقها در مقابل فاش زنیرومند نهضت کنترل کارگری بود دقیقاً فرموله کننده این روند بود که در جهت منحرف کردن و نحت کنترل در آوردن حشش شورائی کارگری و تقلیل آن به جنبش همگانی ارتجاعی (کارگر، ماسا، مدبر و...) در سطح کارخانه بود. سمحض آن که، با تجزیه حشش شورائی، از فشار آن کاسته شد، حتی همین عقب نشینی و مشارکت این جنبی، روی کاغذ باقی ماند.

دوم آنکه حزب توده، متکی بر این تحریف تاریخ مبارزه کارگران، خواستار "مسارزه" برای بس گرفتن "دستاورد" فوق الذکر و رعایت حق مشارکت کارگران در اداره تولید شده است. آنان این را استراتژی خود قرار داده‌اند و شعار "برقراری شوراهای مشارکتی" طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی را شعار محوری خود کرده‌اند. اما مشارکت کارگران در اداره کارخانه به چه معناست؟ این سمعناست که کارگران و سرمایه داران در وضعیتی که تمامی شرایط عینی حاکم بر تولید سرمایه داری ثابت و بی تغییرانی مانده است، با یکدیگر در اداره تولید همکاری و مشارکت کنند. از آنجا که دست نخورده ماندن شرایط عینی تولید سمعناست باز تولید سلطه سرمایه بر کار است (و این راه را رکبست مستدی و اصولا هر آدم باهوشی میفهمد) این امر بخودی خود ادامه سلطه سرمایه داران بقیه در صفحه ۶

کنترل کارگران بر تولید، که عمدتاً از طریق شوراهای کارگری و کمیته‌های منتخب کارگران اعمال میسد مضمون دخالت کارگران در تولید بود. کارگران دفاتر کارخانه را ساز کردند، دخل و خرج را بازرسی کردند، اقدامات زائد و تشریفاتی را حذف کرده و با برقراری انضاط دا و وطنساره موفق به بشیرد امر تولید شدند. این عمل انقلابی مکتب پرورش کارخانه‌های شد که از میان طبقه کارگر به فراگیری فن گرداندن تولید، بدون سوزواری برخواستند. کارگران در این مبان از طریق عمل مستقل خود می‌آموختند که چگونه باید به سازماندهی نویسن تولید دست باز دید و اینکه نقش سرمایه دار و کارفرما در تولید چیزی جز مکیدن زالو و ارزش تولید شده توسط آنان نیست. دهها نمونه از کارگاهها و کارخانجاتی را که تولید بدست کارگران کنترل و هدایت میشد را میتوان ذکر کرد. در برخی موارد (نظیر کاشی سعدی در تهران) کارگران با اقدام انقلابی خود اسناد و استگی و حسابول کارخانه توسط امیرالبتها را منتشر کرده و کارخانه را ملی اعلام کردند. این تکامل کنترل کارگری به مدیریت کارگری بود. امری که البته عمومیت نداشت. باسخ سرمایه داران به اسن اعمال، کارکنی از طریق و استگسان خود و دولت در امر راه اندازی و گردش تولید بود. این اقدامات که بعلست نقش سلط طبقه بورژوازی در تولید ملی و سراسری از کارائی زیستمدادی برخوردار بود فشار طاقت بر سائی بر کارگران وارد ساخت و از آنجا که،

تشبیه کرد. "ضمیمه مردم شماره ۸۹، صفحه ۵) و در ادامه "دستاورد" کارگران یعنی اصل ۱۳۴ را بدین ترتیب ذکر کرده است "بمنظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و... شوراهای ترکیب از نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران... تشکیل میشود" (همانجا) و در بیان شعار داده که "شوراهای مشارکتی باید در قانون کار به رسمیت شناخته شوند" (همانجا) بنا بر این حزب توده دستاورد کارگران (در حیطه تولید) را "حقیق مشارکت" در امور مدیریت و برنامهریزی میدانند و بر اساس آن خواسته کارگران در تولید را اجرای اصل ۱۳۴ قانون اساسی (که در همانجا این قانون را "دستاورد انقلاب بهمن" مینامد) میدانند و برای آن دعوت به "مبارزه" میکنند. به این مطلب از دوزاویه میبایست توجه کرد. نخت آنکه این جمع بندی از تاریخی مبارزات طبقه کارگر در انقلاب بهمن تحریف واقعیت این مبارزه است. کارگران ایران در طول انقلاب بهمن، با فراری دادن سرمایه داران و مباشرین و نوکرانشان، در هر جا که تولید در شرف تعطیل شدن بود، با شها مت انقلابی به حریم "مقدس" نظم بورژوازی تعرض کردند و کنترل تولید کارگاهها را کارخانه را در دستان توانای خود متمرکز کردند. طبقه کارگر با این عمل خود نشان داد که، علیرغم عدم بلوغ سیاسی، قادر است در تولید جای خالی سرمایه داران را سر کرده و مانع از تعطیل تولید گردد. گامهایی که کارگران ایران در این جهت برداشتند، جوانه‌های سازماندهی نویسن تولید را در ایران فردانشان

هدف حزب توده ...

برکارگران را به همراه دارد. تولید و تحقق ارزش در نظام سرمایه‌داری، به همراه گسترش پایه تولید در هر سیکل تولیدی بمعنای بازتولید حاکمیت سرمایه بر کار نیز هست. در پایان هر سیکل، با ردیگر کارگران، به مثابه فرو - شندگان کالادریکسو سرمایه داران به مثابه صاحبان وسائل تولید و خریداران نیروی کار، در سوی دیگر، بازتولید میشوند. دریکسو فقر و در آن سو ثروت، متراکم میشود. در شرایط متغیظ، تا هنگامیکه در مکانیسم گردش تولید اختلالی ایجاد نشود، هیچ اقدامی از این بازتولید جلوگیری نمیکند. مشارکت کارگران در اداره تولید، حتی اگر به "سهم" مساوی صورت گیرد کوچکترین خللی در نظم گردش سرمایه ایجاد نمیکند و از این رو در روند بازتولید سلطه سرمایه بر کار کوچکترین خدشهای وارد نمیشود. مشارکت سازماندهی بورژوازی تولید را مختل نمیکند. و نتیجتاً کارگران را نه به مثابه همدست کارفرمایان در بحران ناگزیر تولید سرمایه دارانه، بعنوان یک شریک، مسئول معرفی خواهد کرد. تحت نظام سرمایه‌داری اگر نتیجه هر سیکل تولید تصاحب ارزش اضافی از جانب سرمایه‌دار است و این در شرایط مشارکت کارگران در اداره تولید نیز تغییری نخواهد کرد، در عوض کارگران در حشدن ثمرات بحران ناشی از آنارشی تولید، ستامی "سهم" و "شریک" خواهند بود. مشارکت آزادانه کارگران و سرمایه داران در اداره و برنامه ریزی تولید همانقدر "آزادانه" و مساوات‌گرایانه است که در جریان فروش نیروی کار از جانب کارگر و خرید آن از جانب سرمایه دار، ابتدا آزاد و برابر در مقاسل یکدیگر قرار میگیرند. یعنی آنکه این "آزادی" توسط شرایط اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری و براساس ادامه سلطه سرمایه بر کار مشروط شده و تسرار میگردد. طرح مشارکت همکاری آزادانه کارگران و سرمایه داران در امر تولید را بیش‌فرض دارد، چه مشارکت در اداره تولید بمعنای جزمکاری در گرداندن تولید ندارد. بنابراین طرح مشارکت در مقیاس عمومی، طرح همکاری طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار در امر گرداندن تولید است. این طرح میخواهد

این همکاری را دستاورد کارگران قلمداد کرده و آن را یک پیروزی بحساب آورد. اما روند تولید سرمایه‌داری نه تنها بازتولید سلطه سرمایه بر کار بلکه در همان حال بازتولید مبارزه کارگر بر علیه سرمایه نیز هست. روند تولید و مبادله نه فقط روند تولید و تحقق ارزش اضافی و تصاحب آن از جانب سرمایه داران بلکه روند مبارزه کارگران بر علیه استثمار و جیغاول ارزش اضافی حاصل از دسترنج آنان نیز میباشد. کمونیستها وظیفه دائمی سازماندهی این مبارزه در روند تولید و پیشبرد گام بگام و ارتقاء آن را به حد یک مبارزه سیاسی، پیشروی خود نهاده‌اند. سازماندهی تولید و مبارزه بر علیه سازمان اجتماعی بورژوازی کار یکی از حیطه‌های این مبارزه است. فرمیسیم با طرح مشارکت میخواهد بر این زمینه عینی مبارزه طبقاتی، بجای حدت بخشدن به آن، مبادی سازش طبقات گردد و تنهها در گونگی سازماندهی سلطه سرمایه بر کار با سرمایه داران همکاری کند. این بر پایه یک توهم خرده بورژوازیست نسبت به جامعه سرمایه‌داری قرار گرفته است. خرده بورژوازی بدنبال چگونه جامعه‌ای است؟ جامعه آرمانی او همان جامعه سرمایه‌داری است که راحت تر و قابل تحمل تر شده است. "زیاده خواهی" و "افراط گرایی" سرمایه بزرگ کنترل شده و به خرده سرمایه داران و کارکنان اجازه کسب و کار داده شود بی آنکه خطر بلعیده شدن توسط سرمایه بزرگ و به خاک سپاه نشستن، چونسان عزرائیل بر سرشان پرسه زند. جامعه‌ای که براساس همکاری همه طبقات (مثلاً از طریق تعاونی‌های تولید) بنا شده است. تشریک مساعی در انواع نهادهای مشترک و همگانی نوع تعاونی، آن کیمیایی است که خرده بورژوازی از طریق آن مبارزه طبقاتی را به آشتی طبقات "سوق" میدهد. این جامعه متضمن حق حیات بی دردسر و بی اصطکاک برای همه، کوچک و بزرگ است. این ایده آل خرده بورژوازی از آنرو توهم است که خبلی ساده از سرمایه میخواهد تا سرمایه نباشد. سرمایه میل به تمرکز و انباشت دائمی دارد.

سرمایه‌داری با حرکت از تولید هر چه بیشتر بمنظور افزایش سود، مشخص میشود. در این راه همواره کوچکترها. قربانی میشوند و بزرگترها بخشی از اشتهای سیری ناپذیر خود را با بلعیدن آنان بر آورده میسازند. هیچ قانون یا دعای خیری نیز نمیتواند مانع از تمرکز سرمایه و قطعی شدن هر چه بیشتر جامعه نگردد. اما خرده بورژوازی که میان دو سنگ آسیاب گیر کرده است ملتسمانه از بورژوازی تقاضا میکند تا "حق" او را به رسمیت بشناسد. او خواستار جمهوری دمکراتیک است تا یکمک حق رای خود دارای اکثریت شده و سرمایه بزرگ را از طریق دولت منتخب خود زیر کنترل بگیرد، از فشار مالیاتهای دولت کم کند و مالی آخر. این توهم خرده بورژوازی براساس امکان همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه طبقات متخاصم بنا شده است. این خواسته خرده بورژوازی جامعه بورژوازی را نقطه آغاز و پایان خود میگیرد. قانون مزدوری در این جسد حذنه ناندیر و تعرض ناکردنی باقی ممانند، اما آنچه خرده بورژوازی حرد مالک قادر به درک آن نیست اینست که در شرایط بقای کار دستمزدی، سرمایه داران جا قتر میشوند و طبقات مبانسی هر چه بیشتر به صفوف بیرولتاریا رانده میشوند. جمهوری دمکراتیک نیز مانع از این نبوده و برعکس، حق رای او مسیر راهموارتر میکند. طرح مشارکت کارگران نیز درست بهمین سیاق است. در شرایط بقای قانون کار دستمزدی و سلطه سرمایه، کارگران و سرمایه داران بایکدیگر همکاری میکنند تا با تصویب برخی مواد و تسمیره‌ها شرایط کار آسانتر شود، محیط کار قابل تحمل تر گردد و کارگر و کارفرما، هر یک بسدون "تحمیل اراده" بردگری، به سازماندهی تولید بپردازند. این غایت خواست مشارکت را تشکیل میدهد. طرح مشارکت حزب خیانت پیشه آنحاکمیت میشود که او دعوت میکند که این مشارکت با تشکیل "شورای مشترکی" از مدیر، کارگر و... و از مشارکت در تدوین قانون کار آغاز گردد. آیا این امر در محتسواوی قانون کار تغییری بوجود میآورد؟ آیا این امر به ای است که یک گام مبارزه

فتحا در تقلاى . . .

(خارجى) عليه خود بكا هم" (اطلاعات ۱- آبان ۶۳). لازم به توضيح نيست كه كاستن" از تحريكات خارجى عليه خود" نميتواند جز از طريق پيشگيرى سياسى منابر با سياست "نه شرقى - نه غربى" - اى كه در تبليغات و شعارهاى "ضد امپرياليستى" و نادیده گرفتن كلييه ضوابط و قوانين و منشور هـاى بين المللى خود را نشان ميدهسد ، متحقق گردد. سياستى كه "خروج از تزوا و جلوگيرى از شكست و مدفون شدن" را در عرصه بين المللى هدف قرار داده (نقل به معنى از سخنان خمينى - راديو جمهورى اسلامى ۶ آبان ۶۳) و در داخل كشور، برقرارى امنيت اقتصادى و سياسى و "آسايش" عمومى يعنى نظم دادن به سوركراسى دولتى حاكم و متحول ساختن كار كرد حنىشى و آنارشيك آن به سمت سانتراليزه كردن ابيـن دستگاه و قوام بخشدن به آن را در سال ميكنند. اما اگر در عرصه سياست خارجى امكان انعطاف و حتى مانور هاى از جانب فقها كه بيانگر تغيير موضع آسكار نيست به برخى دول اميرباليست است، وجود دارد و اين مانورها و انعطافها راهگشاي نزديكى جمهورى اسلامى به اين دولتهاست، در داخل حنين امكانى اگر براى بكدوره نستا طولانى ناممكن نشاد لاقبل در بسيارى حننه هاسادگى و صرفا سا اراده دولتمردان جمهورى اسلامى قابل حصول نيست. رژيم تلاتهاى زيادى سـراى فراهم ساختن امكانات و زمينه مساعد جهت متقاعد ساختن سرمايه داران به سرمايه گذارى در داخل كشور و مبدان دادن به بورژوازى براى راه اندازى چرخهاى اقتصاد ورشكسته و حران زده جامعه را سازمان داده است. دعوت از سرمايه داران و متخصصينى كه در كشورهاى اروپائى و آمريكا بسرميبرند، وگسيل هيئت هاى به اين كشورها بمنظور تماس با اين افراد و متقاعدا ساختن آنان به سازگشت به "وطن اسلامى" كه در كنار تعميق روابط دوستانه و "غير متعهدانه" با دول بزرگ سرمايه داراى جهان انجام ميگيرد، سـاز بيش از دو سال گرچه فقها را با موفقيت هاى در اين زمينه روبرو کرده اما هنوز گرهي از

مشكلات اساسى آنان را نگشوده و ابيـن تلاشها را به ثمر رسانده است. هنوز فقها نتوانسته اند در اين فضـاى اقتصادى - اجتماعى و سياسى ايران، اعتماد سرمايه داران را براى به گردش انداختن سرمايه هاى خود در داخل و معامله با دولت جمهورى اسلامى جلب نمايند. هنگامى كه ورشكستگى كنىونى اقتصاد ايران را نسبت به ده سال پيش در نظر آوريم، اسفانديزهاى رژيم فقها در جلب سرمايه داران و تا مبن امنيت براى سرمايه و ضرورت سرمايه گذارى در باعداى به مراتب وسيعتر از دوران تسلط سلطنت رحامه - جهت نظم بخشدن به توليد آشكار تر مسود. و اين درحالى است كه بانوحه سه خلتهاى ذاتى رژيم "ولابت فقهى" و واقعيات حامه مانمنئون امكان سرخوردارى سرمايه داران از حنن اعتمادى را امرى بالفعل سمار آورد. رژيم جمهورى اسلامى، دستگـاه ايدئولوژيك دولتى خود - ولايت فقه - را سازمان ميدهد و نسايران سا زندگى عربى به معيائى عام آن درك حامه سرمايه دارى همكوشه حونشاوسدى ندارد. رژيم "ولابت فقهى" اكـبر ميتواند توسط "ولى فقهى" تا حدودى از غلظت "غبر عقلانى" خود سكا هدا ما هرگز نميتواند موحوديت خود را نفى نمايد. فقها ناچارند با حفظ حنن حكومتى - و در واقع سفاظر حفظ حنن حكومتى - در ضوابط و قوايين مدنى و سياسى حامه انعطافهاى را متحمل شوند تا سلطه خود را براى مردم قابل تحمل نمايند و همچنين چهره حامه را "آرام" و "سالم" كه لازمه امنيت سرمايه است نشان دهند. و اين برنامـه كنىونى فقها را تشكيل داده است. رفسنحانسى در خننه سماز حمه ۷ مهر ماه زلسوزم اعتدال در نظارت و كنترول بر زندگى مردم سخن ميروند و ضرورت تنوع در برنامـه هاى راديو و تلويزيون را سا عطف توجه به مسائل فرهنگى حامه متذكر ميگردد. خامنه اى در توضيح سياستهاى داخلى رژيم در ۱۷ مهر ماه (اطلاعات) ميگويد: "در زمينه سياستهاى داخلى نيز به سرخوردارى همه مردم كشور از مواهب و بخشهاى الهى، از آزادى، از علم، از حق آموزش و تبليغات، از تعالى معنوى و از همه

خوشبها و شادبهاى زندگى (!!) معتقديم. رژيمى كه حتى شبندن موسيقى را معصيت كبيره و مفاير با قوانين اسلامى حاكم بر جامعه دانسته و در چهارجوب ابيـن قوانين حجاب را امرى واجب و تخطسى ناذير اعلام نموده و روزه خوارى را ناسخ شلاق ميدهد چگونه از اعتقاد به خوشى ها و شادبهاى زندگى ميگويد؟ رژيمى كه "تقوا" را اصل دانسته و در قانوس آن "خوشى ها و شادبهاى زندگى" مذموم و برابر با فراموش كردن الله و روز محتراست؛ و رژيمى كه از هنگام بقدرت رسيدنش، دسمى خود را با هرجه نشان از علم و هنر دارديه اشات رساسده است، اكسون ناگزير دست به تلاشهاى ميزند تا در حدممكن خود را سا واقعات حامه و نمايلات عمومى مردم انطابق دهد. اين تلاشها كه از سرخورد اوباس كمبته جى و گشته اى... الله با مردم در كوحه و خياسان گرفته تا آزاد گذاشتن انشمار سرخى از كنب "فاله" و ممنوعه ديروز، و تسهيل در امر ملاقاتهاى زندانباان ساسى در برخى سطوح كه هماهنگ با تحولاتى در سيستم و ضوابط نوزيع كالاها و "عنايت" به بخش خصوصى در اين راسته، خود را مينمايانند، تلوورتنگناى حكومتى فقها و حكومتى حفظ و تحكيم آن رحامه مساتد. سطور خلاصه مستوان گفت كه فقها از دست زدن به اين اقدامات و تبليغات وسيع حول آن نمنا به برنامه حكومتى كنىونى خود حند هدف اساسى ذيل را دنبال ميكنند:

۱ - تا مبن فضاى مطمئن براى سرمايه داران و جلب آنان به سرمايه گذارى در حوزه هاى مختلف اقتصاد جهت تحفيس حران اقتصادى حامه، رفسنحانسى سياست دولت را در اين زمينه حنن سمازگو ميكنند: "سياست دولت از مديتها بشراين است كه بخش خصوصى را هرچه بيستر فعالتر بكنند كه در ميدان باشند. در همن ۵ ساله ۱۷ هزار موافقت اصولى نده با اينكه بخش خصوصى كارخانه و كارهاى توليدى داشته باشد... خوب، ۱۷ هزار در مقابل تعداد بسيار كمى كه در پنج سال آخر رژيم شاه بودند ن مبهدهكه ما قويتر از گذشته بطرف بخش خصوصى مبرويم منتهى سالم" (از خننه سماز حمه ۷ مهر ماه).

بقيه در صفحه ۸

فقه در تقاضای ...

۲ - جلوگیری از کارکرد آثار سبک رنگانهای اجرائی و از بین بردن حشد مرکزی در آنها از طریق سازماندهی و تمرکز آنها در دست دولت و بطور کلی هسته اصلی روحانیت حاکم، ایجاد وزارت سپاه پاسداران جهت پیشبرد سیاستها و عملکردهای آن در چهار رحوب تصمیمات مستقیم دولت تا ثبت " امام " و هسته اصلی روحانیت حاکم، از جمله اقدامات فقها در این زمینه است.

۳ - جلوگیری از گسترش و تعمیق جنبش اعتراضی توده ها که در تومبیه های مکرر فقها و صدور احکامی از جانب آنان به ارگانهای سرکوب، در ضرورت اجتناب از " تندروی " و کارگجبری انعطاف و نرمش در زمینه های مختلف خود را نشان میدهد. تومبیه ها و احکامی که البته نه سیاست حاکم و نه فقه شبعه را متحمل خسارات جدی نمیکند، تذکرات منتظری به دادستان و اعضاء دادستانی انقلاب اسلامی (مندرج در اطلاعات ۱۰ مهرماه) مبنی بر برهیز از " سختگیریهای بیجا در قبایل مردم " و حکومتی برخورد با مسافری در فرودگاهها و اجتناب از " زندانی کردن بدون دلیل " (۱) و... در این رابطه حائز اهمیت است.

بی گیری این اهداف قبل از هر چیز نشانگر آن است که فقها چون سابق قادر به حکومت نیستند و سلطه دیکتاتوری مذهبی بر کلیه شؤون اجتماعی و سیاسی جامعه، عصیان توده ها را که بلحاظ وجود تورم سنگین و بحران بیسابقه اقتصادی به حد انفجار رساری نزدیک میشود، مضعف نموده و رژیم " ولایت فقیه " را در تحکیم پایه های خود دچار تنگنای جدی نموده است.

آیا این اقدامات به حلال بحرانهای رژیم کمک میکند و منجر به تحکیم پایه های آن میگردد؟

با توجه به خصوصیات ذاتی نظام " ولایت فقیه " و سطح موجود ناراضی عمومی علیه این نظام، سعید بنظر میرسد که این اقدامات نتوانند بدون رخدادی از پائین تا نتیجه حداقل مطلوبی برای فقها، ادامه یابد. زسرا علاوه بر اینکه ایجاد " فضای باز سیاسی " و حتی اعمال حداقل دمکراسی از جانب

حنین رژیمی خصلتا ناممکن است، خود فقها بخوبی میدانند که گشایش روزنه ای برای مردم جهت انعکاس آزادانه اعتراضاتشان علیه حکومت و با حتی پاسخ دادن به بخشی از تمایلات عمومی آنان که بطور بیواسطه در مقابل تمایلات عمومی فقها قرار دارد، ظرفیت گسترش سریع به تمامی وجوه زندگی اجتماعی و سیاسی آنان را داشته و حکومتیان را در خطری به مراتب جدی تر از پیش و رویارویا " زیاده خواهی " توده ها قرار میدهد. رژیمی که هرگز قادر به ارائه آزادیهای مدنی یک جامعه بورژوازی به مردم نیست و به بیان دیگر حتی استدائی ترین اصول دمکراسی بورژوازی در تضاد با سسهای با موجودیت آن قرار دارد چگونه میتواند دست به اقداماتی رندکسلطه خود را برای مردم تحمل نذیر سازد ؟ درست به همین دلیل بود که سس از اعتراض منتظری به نحوه گزینش دانشجو در دانشگاه ها و تحدید نظر در این امر، جوانان واحد شرايط (بلحاظ مدارک تحصیلی) از آن استقبال نکرده و هسگونه تغییر بنسب در این هسجیک از افسار و طنقات جامعه در این زمینه بروز نکرد. مردم بدرستی که این دست و بازدهیهای ملایان بدریده مسخره مینگردند و حتی آنها را ترفندی تازه برای تشدید فضای حفقان و سرکوب بشمار مآوردند.

حکومت فقه اساسا با آزادی های مدنی مباحثت دارد. و این در حالست که " برخورداری همه مردم از همه خوشیها و شادیهای زندگی " نمیتواند بدون بی توجهی و رعایت نکردن لاقبل برخی از دستورات شرع توسط همین مردم تحقق پذیرد. امری که با روح توانستن حاکم بر جامعه مامناست. این حنسه ای است از تناقض ذاتی نظام " ولایت فقیه " در یک جامعه سرمایه دار که هرچه میگذرد بحر انزائی درونی خود را آشکارتر میکند و گلوئی فقیهای حکومتگر را سخت تر از پیش میفشرد. انجام " اصلاحاتی " در زمینه سیاستهای خارجی و انعطافهای در بحره جاری ساختن قوانین حکومتی، در حقیقت تلاشی است در سرپوش گذاشتن برای تناقض و تخفیف فشار عوامل بحرانزائی نظام " ولایت فقیه ". این اقدامات و تبلیغات وسیع

حول آن از جانب دولتمردان جمهوری اسلامی، موجب احیای مجدد تومبیهات لیبرالی امکان استحاله رژیم از درون آن، گشته است. سنی صدر آن را نتیجه تسلط " جناح میانه روها " و شکست " جناح افراطی " در هسبنت حاکمه میدانند و احمد مدنی در طی نامه های متعدد خود به خمینی و رفسنحانی هشدار میدهد که این گامها باستی " حالا و تحت رهبری های حنا عالی " برداشته شود. چرا که " بعد از جنا عالی " با از دست رفتن " فرصتهای مناسب سازندگی " " هرج و مرج و جنگ داخلی آنها هم خانمان برانداز و دشمن تادکن بر محیط ایران سایه خواهد افکند " (از نامه مدنی به حمنی ۱۹ آذر ۶۲ - نقل از نشریه محاهد شماره ۲۱۶). این تومبیهات لیبرالی اگر در طی دوران ترور و جنگ داخلی آشکار رژیم علییه نیروهای انقلابی سس از ۳۰ خرداد موقتا ذوب شد، اکنون با بین سست رژیم در ادامه جنگ با عراق در شرایط کسری سوخته و تورم سنگین و آو هسگری ناراضی عمومی توده ها که موجب نوسل فقها به برخی مانور ها و اعطایهایی در بحوه بسپرد سسهای حکومتی خود شده است، دوباره احیاء گردیده است. این تومب لیبرالی به تنها بدان جهت که به هرگونه " فرمی " از جانب فقها در مقابل انقلاب دلخوش میکند، حاصلتی فرمستی دارد بلکه مهمتر از آن بدلیل ایجاد ائتلاف با ارتجاع حاکم علیه " هرج و مرج " و " خطر جنگ داخلی " دارای خصلتی آشکارا صد انقلابی و ارتجاعی است. در حقیقت در این تومبیهات، انزجار لیبرال ها از انقلاب و قهر و خشونت توده های بی سروا " با ناتوانی آنان در مقاسل رژیم فقها بهم گره حورده است. تلاش برای حفظ " وفای همگانی "، اعمال فشار بر رژیم جهت تامین امنیت برای سرمایه و ایجاد جبهه مشترک با ارتجاع حاکم در مقابل انقلاب، محور سیاست استحاله دادن به رژیم جمهوری اسلامی است. اما همچنانکه اشاره شد این تنها یک تومب در قبایل سسهای برنامهای کنونی رژیم فقهاست زیرا اولا در تشخیص ماهیت مانورها و " فرم " های جزئی روحانیت حاکم برای تحکیم رژیم " ولایت فقیه " ناتوان است و آن

در مقاله پیشین، اظهار داشتیم که یکی از وجوه عمده پوپولیسم آنارشیستی پس از انقلاب بهمن در زمینه تشکلهای غیر حزبی طبقه، قراردادن تجربه شوراهای در مقابل فعالیت اتحادیه‌های است. رنگ آنارشیستی ایدئولوژیهای گوناگون سوسیالیسم خلقی در کشور ما، موجب تحریف عمیقی در تجربه شوراهای شده

نقدی بر پینش آنارشیستی "حزب کمونیست" گومده درباره تشکلهای غیر حزبی طبقه کارگر

است. بدون افشای تحریفات آنارشیستی درباره تجربه شورائی انقلاب بهمن، نمیتوان طبقه کارگر را برای تکرار این تجربه در مقیاسی وسیعتر و عمیقتر آماده کرد. این نه تنها، معنای تشخیص شرایط عمومی سدابش شوراهای نقش و عملکرد آنان است، بلکه همچنین به معنای نقد نقاط ضعف و محدودیت این شوراهای نیز میباشد. ما یوبولسزم آنارشیستی، چنانکه نشان خواهیم داد، حتی قادر به تشخیص شرایط عمومی سدابش شوراهای نشده است، تا حد رسیده اینکه محدودیتهای این شوراهای را در - باشد. در زیر این موضوعات را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف) شوراهای کنترل یا کمیته‌های کارخانه

شوراهای کنترل که در دوره انقلاب در کشور ما شکل گرفتند معادل آن چیزی هستند که در تاریخ جنبش کارگری معمولاً کمیته‌های کارخانه نامیده میشوند.

کمیته‌های کارخانه نخستین بار بر اثر ترابط ناشی از جنگ جهانی اول در روسیه و بکسرشته کشورهای دیگر پدید آمد، یعنی در شرایطی که مبارزه اقتصادی پرولتاریا برای افزایش دستمزد و بهبودهای عمومی در سطح زندگی بوده کارگران و کاهش ساعات کار روزانه بطور دائم التزایدی تاثیر خود را از دست میداد. پرولتاریا ناگزیر به مبارزه بر سر شرایط عمومی تولید و نجات حیات اقتصادی سوق

می یافت. از اینجا، ضرورت روزمره مبارزه کارگران برای کسوف آوردن کنترل تولید نشأت میگرفت. کمیته‌های کارخانه تحت شرایط تکوین یک قدرت دوگانه در واحدهای منفرد تولید وجود آمدند. آنان مبین یک وضعیت انتقالی از رژیم سرمایه‌داری به رژیم سوسیالیستی اقتصاد در واحدهای منفرد تولیدی بودند و سببشان بر وجود یک

قدرت دوگانه (سلطه اقتصادی) رسیت مشخصند. هدف فوری مبارزه کمیته‌ها کارخانه علیه سرمایه‌داری، استقرار کنترل کارگران بر تولید بود. کمیته‌های کارخانه بصورت جداگانه در واحدهای تولیدی پدید آمده، و وسعت رسیده، توده کارگران را در خود متکامل میکردند. در عین حال کمیته‌های کارخانه با اتحادیه‌ها نیز تفاوت دارند. زیرا اولاً اتحادیه‌ها تحت نظام سرمایه‌داری کارگران را بعنوان فروشندهگان نیروی کار، جهت مبارزه بر سر دستمزدها و ساعات کار متحد میکنند، حال آنکه کمیته‌های کارخانه کارگران را بعنوان تولیدکننده جهت اعمال کنترل تولید متحد میکنند. علاوه بر اتحادیه‌ها تشکلهای با بدار طبقه محسوب میشوند، حال آنکه کمیته‌های کارخانه مبین یک وضعیت انتقالی، یک قدرت دوگانه در واحد تولید هستند و تنگلی با بدار محسوب نمیشوند. تا با اتحادیه‌ها کارگران را در سطح اقتصاد ملی متحد میکنند حال آنکه کمیته‌های کارخانه کارگران را در سطح واحد تولید متکامل میکنند. البته این امر محدودیت کمیته‌های کارخانه محسوب میشود. کمیته‌های کارخانه تنها در طی مبارزه میتوانند از سطح واحدهای منفرد تولید فراتر رفته، کارگران را بر پایه مقیاس کل صنعت متحد نمایند و در نتیجه رهبری برای مبارزه کل طبقه فراهم آورند. اما لازمه این امر انتقال از قدرت دوگانه (اقتصادی) در واحدهای تولید به قدرت دوگانه در سطح ملی یا

مبارزه برای بکف آوردن قدرت سیاسی میباشد. بدین منظور کمیته‌های کارخانه باید به سطح شوراهای نمایندگی کارگری در مقیاس ملی ارتقاء یابند. ثالثاً کمیته‌های کارخانه توده سراتب وسیعتری را نسبت به اتحادیه‌ها در واحد تولید متکامل میکنند زیرا آنان محصول مستقیم اقدام توده‌ای برای کنترل تولید هستند. خلاصه آنکه، بنا به جمعندی کاملاً صحیح کمینترن: "این عملکردهای متفاوت کمیته‌های کارخانه و اتحادیه‌ها تکامل تاریخی انقلاب اجتماعی را منعکس مینمایند. اتحادیه‌ها توده‌های کارگر را در مقیاس ملی برای مبارزه حول تقاضای از بداد دستمزد و ساعات کار کوتاه‌تر متکامل مینمایند. کمیته‌های کارخانه، مبارزه برای غلبه بر حران اقتصادی و استقرار کنترل کارگران بر تولید را متکامل مینمایند. نامی کارگران در یک واحد تولید در آن متارکت مینمایند، اما مبارزه‌شان بتدریج خلقتی ملی کسب مینمایند. کمونیستها تنها هنگامی میتوانند اقدام تبدیل کمیته‌های کارخانه به سلولهای کارخانه اتحادیه سرگراشات ضد انقلابی سوروگراسیانشان غلبه نمایند و به واحدهای انقلابی آگاه بدل شوند." (قطعاً ما کنگره دوم کمینترن "جنبش اتحادیه‌های، کمیته‌های کارخانه و انترناسیونال سوم")، بنا بر اساس کمیته‌های کارخانه در تجربه تاریخی جنبش کارگری بطور کلی مترادف با ارگانه‌های توده‌ای طبقه کارگر نیست. اعمال کنترل کارگری در واحدهای تولید است. و اما آیا در تجربه جنبش کارگری مبین ما، این ارگان پدید آمده است؟ آری، این ارگان مقدماتی شکل کمیته‌های اعتماد و سس تحت عنوان شوراهای پدید آمد. در حقیقت آنچه تحت عنوان "شوراهای کارخانه" در کشور ما پدید آمد، همانا کمیته‌های کارخانه بود و از همین امر نیز باید محدودیت عمده "شوراهای کارخانه" ما را مورد نقیسه قرار داد. "شوراهای کارخانه" در انقلاب ما، همانا ارگانهای کنترل کارگری در واحدهای تولید بودند و نه شوراهای نمایندگی سراسری. کمیته‌های کارخانه، مقدماتی در حداره واحدهای تولیدی

نقدی بر بینهش ...

جداگانه محصور شدند و راه تحول سه اتحاد سراسری شوراهای نمایندگی را نسیموندند.

مبارزه توده‌ای برای برقراری کنترل کارگری در واحدهای تولیدی باید به اتحاد شورائی سراسری کارگران جهت اعمال کنترل بر کل صنعت ارتقاء مییافت و یا باید عقب نشینی میکرد، چاره‌ای سحر این دو مسیر در مقابل وضعیت انتقالی نبود. و با عقب نشینی دوبله داشت. بلکه اول عقب نشینی عبارت بود از تبدیل مبارزه کارگران برای کنترل تولید به مشارکت کارگران در مدیریت تولید، و انجمنی کمیته‌های کارخانه بسویله سندیکاها، زمینه مادی این عقب نشینی عبارت بود از پراکندگی طبقه کارگر در واحدهای منفرد تولید، بورژوازی بسا قراردادن شرایط عمومی تولید در مقابل اقدامات پراکنده کارگری در واحدهای تولیدی که فراتر از "شرایط عمومی تولید" میرفت، این اقدامات را مورد حمله قرار میداد. تمرکز بخش عمده‌ای از صنایع در دست دولت، در دوران حکومت موقت بازرگان این امر را تسهیل میکرد. روشن است که این تمرکز در صورت ارتقای مبارزه شورائی کارگران به سطح ملی میتواند زمینه‌ای جهت انتقال سریعتر به رژیم شورائی گردد اما این تمرکز اقتصادی همراه با تمرکز قدرت در دست روحانیت حاکم تنها وسیله‌ای جهت درهم شکستن اقدام کارگران برای کنترل تولید بود. بلکه دوم عقب نشینی عبارت بود از تبدیل مبارزه کارگران برای کنترل تولید به حق مشورت آنان در مدیریت کارخانه، و انجمنی کمیته‌های کارخانه بسویله شوراهای اسلامی. زمینه این عقب نشینی را با دیدن وضعیت مشخص مبارزه طبقاتی، در تسلط ارتجاع سنا بر تبستی مذهبی بر جنبش انقلابی توده‌ای و گرایش بسویولیزم سمت این ارتجاع جستجو کرد. "حق مشورت" و "سوراهای اسلامی" نسبت به "حقوق مشارکت" و "سندیکا" عقب نشینی جدی - تری محسوب میشود. واضح است که مرکز ثقل "سوراهای اسلامی" ضدیت بسا کنترل کارگری بود، ولی این ضدیت شیوه‌ای متمایز از مدیران سازمان

مییافت، بدین معنا که این ضدیت با اتکاء به حرج و مرج تولید (و سه نظام) و انقلاب اسلامی و به نام تابع کردن مبارزه اقتصادی کارگران نسبت به مبارزه ایدئولوژیک ضد طاغوتی تحقق پیدا میکند. سین ارتجاع سنا بر تبستی مذهبی و سوسیالیزم خلقی فرقه‌های ایدئولوژیک در برخورد به مسئله "شورا" قراست نیاید و وجود دارد. هر دو "شوراها" رانه بمناصب ارگان توده‌ای جهت اعمال کنترل تولید بلکه ارگان متشکل کننده لایه معینی از طبقه (لایه ممتازی که بسا تعلق ایدئولوژیکش مشخص میشود) در مقابل مجموعه تشکلهای با مدار طبقه (از جمله اتحادیه‌ها) در نظر میگیرند. علاوه بر دو مبارزه اقتصادی طبقه را به بهانه مبارزه ایدئولوژیک و ساسی نفی میکنند. این قراست نیز چندان عجیب نیست. سوسالیستها تا کنون بارها وجه اشتراک فرقه گرائی در جنبش کارگری با فرقه گرائی مذهبی و سوسیالیزم خلقی را با سنا بر تبستم خاطر نشان کرده‌اند. در بررسی سدکاه حزب کمونیست کومله درباره "شوراها"، ما اسن حقیقت را بهتر درک خواهیم کرد. نا انجا در با نسیم که کمیته‌های کارخانه، سنکل حزبی محسوب نمیسوند و اسنکه کمیته‌های کارخانه در نحر سه حسن کارگری میهن ما، همان چیزی هستند که سورانا مده شده‌اند.

ب) شرایط عمومی پیدایش شوراهای

آقای تقوائی میسوسد: "حرا با وجود سداس و کسرس وسع حسن شورائی در دوران تمام و اولسن سالهای بعد از آن، و با وجود آنکه خواست تشکیل سوراهای سه یکی از مطالبات اساسی توده‌های کارگری از مسائل اصلی مبارزه میان طبقه کارگر و بورژوازی ایران تبدیل شده است، با این همه کمونیستها باید برای تشکیل سدکاهها مبارزه کنند؟" (نسریسه کمونیست شماره ۱۵) در این عبارات جوهر بینهش آنارسیستی درباره سوراهای و تشکل‌های غیر حزبی طبقه به صراحت فرموله شده است. نویسنده کمی در باره این نکته نیندینیده است که چرا شوراهای "در دوران قیام و اولسن

سالهای سدا زان " بدید آمدند، گویا این امر تصادفی بوده است. حقیقت اینست که این "حزب کومله‌ای - اتحاد مبارزانی" نمنا سه رحمدار انترناسیونال نوین چندان واقعی به تحارب کمینترن درباره جنبش شورائی نمی‌نهند، چنانکه میدانیم، انترناسیونال کمونیستی در کنگره دوم، خود قطعنامه‌ای درباره تحارب جنبش شورائی تحت عنوان "سه هنگامی و نحت سه شرایطی شوراهای نمایندگان کارگران مبتوانند تشکیل شوند" صادر نمود. این قطعنامه ناظر بر کلیه تحارب جنبش بین المللی کارگری از جمله تجربه سه انقلاب روسیه بود. در این قطعنامه شرایط سه گانه تکوین شوراهای نمایندگی چنین جمعسندی میتود: "الف) وسعتترین اقشار کارگران مرد و زن، سرازان و مردم کارگری بطور کلی در اعتلای انقلابی توده‌ای شرکت کرده باشند، ب) بحران انضامی و سیاسی بحران سطحی رسیده باشد که قدرت از دستان حکومت شروع به لغزیدن کرده باشد، ج) نسیم قاطعی بسویله اقشار قابل ملاحظه‌ای از کارگران و بالاتر از همه، بسویله اعضای حزب کمونیست برای شروع یک مبارزه سنماتیک، هماهنگ و قاطع برای قدرت گرفته شده باشد.

قطعنامه همچنین تحارب کلیه انقلابات را مننی بر افول حسن شورائی و مسخ آن در شرایط انت جنبش انقلابی سوده‌ای خاطر نشان میشود و علیه اقدام گروههای منفرد کمونیستی در فرانسه، ایتالیا، آمریکا و برستانیا برای بوجود آوردن سوراهای علیرغم فقدان شرایط تصرف فوری قدرت، حسن هدا میدهد: "کوششهای گروههای منفرد کمونیستی در فرانسه، ایتالیا، آمریکا و برستانیا برای ایجاد شوراهای علیرغم این واقعیت که توده‌های وسیع کارگر درگیر آن نیستند، و اسنکه مبارزه مستقیم برای قدرت خارج از دستور است، تنها سه تدارک واقعی انقلاب شورائی لطمه میزند. "شوراهای" "سرها هوئی" مصنوعی در بهترین حالت به مجامع کوچکی که اسده آل‌های قدرت شورائی را تقلید میکنند، انحطاط مساسند و در بدترین حالت سه "شوراهای" بوجی که تنها قادرند این اسده آل‌ها را در

مسئله مسکن و رژیم جمهوری اسلامی ایران

مسکن در شرایط حاضر تبدیل به یکی از حادثترین مطالبات کارگزاران و زحمتکشان شده است. بحران مسکن در جامعه ما با زتاب بحران ساختن اقتصادی و ناموزونی هائی است که نظام سرمایه‌داری در روند تحول خود بسدان دچار آمده است. پس از اصلاحات ارضی سال ۴۱ و غلبه مناسبات سرمایه‌داری در مجموعه ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران، شهرنشینی با ابعاد وسیعی رو به رشد نهاد. اقتصاد متکی بر نفت شهرها رابه کانون بوروکراسی متورم و خدمات ترشاخ و سرگ تبدیل ساخت که البته میتوانست در متن وبا جنب خود مشاغل بایدار با نابایدار با درآمدهای غیر قابل رقابت در مقام مقایسه با اقتصاد خرد زوال با سنده دهقانی برای توده‌های فلاکت زده روستاها فراهم سازد. میا حرت شتاب با بنده خرده تولید کنندگان دیروز و ورشکستگان امروز به شهرها، و متورم شدن تهرهای بزرگ سه بدیده‌ای رایج بدل گشت. هجسوم جمعیت روستائی به شهرها، شکل بابی طبقه کارگر و خرده بورژوازی جدید که محصول رشد مناسبات سرمایه‌داری بودند و بویژه رشد و گسترش اقشار مرفه و بورژوا و تقلید آنها از الگوی زندگی بورژواشی غرب، رشد جهش آسای تقاضا برای مسکن در ابعاد بسیار وسیع و عمومی را موجب شد. این عوامل زمینه را برای پیدایش بحران مسکن مهیا ساخت. بخش مهمی از سرمایه‌ها حسد بورس بازی بر روی زمین و ساختمان شدند. مالکان اراضی شهری، بورس - بازان زمین و ساختمان، شرکتیهای بزرگ معاملات زمین و مسکن، شرکتیهای ساختمانی و ساز و بفروش‌ها بر بستر بحران و کمبود مسکن یولهای هنگفتی بارو کردند و بنوبه خود بر بحران مسکن دامن زدند. بخش عمده خانه سازی معطوف به ساختن ساختمانهای مجلل، قصرهای مدرن و ویلاهای اشرافی برای بورژواها در مناطق مرفه تشین شهرهای بزرگ گشت در حالیکه مناطق فقر زده و حاسیه این شهرها از خانه‌های کوچک و نامناسب با جمعیت زیاد، گوده‌ها،

آلونکها، حلبی آبادها و حمیرآبادها انباشته شد. در حکومت فقها نیز ساتشدید بحران اقتصادی و بین بستهای آنها در بازسازی اقتصاد سرمایه‌داری، سرمایه‌ها به فعلیت خود در بخش‌های غیرمولد و از جمله بورس بازی بر روی زمین و ساختمان ادامه میدهند. در نتیجه قیمت زمین، ساختمان، اجاره و مصالح ساختمانی بسرعت افزایش یافته است. شرکتیهای بزرگ معاملات مسکن که از سازمان دهندگان اصلی بورس بازی و افزایش قیمت زمین و اجاره‌ها هستند و دسه را بعنوان تک تحمل کمرنگن به مستاجرین و خوش خدمتی بی شائسه به مالکان، وسیعا اشاعه داده‌اند. کمبود مسکن و اجاره سنگین بویژه بر کارگران، کارمندان جزء و متوسط فشار خرد کننده‌ای وارد ساخته و در اغلب موارد بیش از نیمی از حقوق آنها را می‌بلعد. توده‌های حاشه تولید نسز از سات مسئله مسکن در معرض خن نرسن نیوه‌های سرکوب قرار دارند. جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سل مهاجرت و اسکان در حاسه تهرهای بزرگ سه فقط آنها را از خدمات شهری محروم میسازد بلکه به تخریب خانه‌ها بشان پرداخته و با سه محدودستیاثی همچون مسروط ساختن استفاده از دفترچه‌ها رزاق عمومی به حداقل ۱۵ سال سکونت در شهرهای بزرگ دست می‌یازد. بحران مسکن از همبشرو سه یکی از نیرومندان ترین محرکهای کارگران، کارمندان و بویژه تهیدستان حاشه تولید در مبارز بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

مسئله مسکن چگونه حل خواهد شد؟

اگرچه طبقه کارگر و ساقشار زحمتکشان و تهیدستان میتوانند در رتوسا رزات خود بیامون مسئله مسکن سه دستاورد های چشمگیری ناثل آیند و این دستاورد

را سه دولت‌های خودکامه حافظ سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری تحمیل کنند اما حل قطعی، نهائی و رسته‌ای مسئله مسکن بطور تنگاتنگی با مسئله قدرت سیاسی و انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر بیوند بافته است. تجربه تاریخی نشان میدهد که تنها در جوامع سوسالستی است که مسئله مسکن در مسیر حل اساسی قرار گرفته است و بالعکس در پیشرفته ترین جوامع سرمایه‌داری علیرغم همه امتیازات مهمی که کارگران و زحمتکشان در مسازات طولانی خود سه کف آورده‌اند مسئله مسکن سهگاه سنفع آنها حل نشده است. اما مسئله مسکن میتواند بایک سلسله اقدامات ضرستی و سسا برنامهریزیهای میان مدت و دراز مدت سنفع کارگران و زحمتکشان حل شود رثوسا این اقدامات و برنامها را میتوان سرح زیر برنمرد.

۱) ملی کردن اراضی شهری؛ ملی کردن زمینهای شهری با با بان بخشیدن سه بدیده بورس بازی زمین میتواند نقش مهمی در کاهش قیمت‌های ساختمان و اجاره‌ها ایفا نماید. مالکان بزرگ اراضی شهری از طریق تملک خود بر این اراضی و بر بستر بحران و کمبود مسکن سخن مهمی از ارزش نیروی کار کارگران را بلعبده و بدین ترتیب دراستعمار کارگران با بورس بازی سهم میگردند. ملی شدن اراضی شهری از طریق درهم شکستن زمینه بورس بازی و کاهش اجاره‌ها که نتیجه مستقیم از بسن رفتن مالکیت بزرگ اراضی شهری است نقش قابل توجهی در کاهش فشار بر دستمزدهای کارگران و درآمد حتمسوق بگیران جزء و متوسط و بسمود سطح زندگی آنها خواهد داشت. صرف نظر از مالکیت‌های بزرگ بر اراضی شهری، ملی شدن معنی حذف حق خرید و فروش زمینها شهری بوده و در حکم سلب حق بهره برداری مالکین کوچک از زمینها و ساختمانهای خود نخواهد بود. آنها میتوانند از مابملک خود بهره برداری کرده اما در هاسحال با حذف حق خرید و

بقیه در صفحه ۱۲

مسئله مسکن و ...

فروش زمینها قادر نخواهند بود از افزایش جهش آسای قیمت زمین در جهت چپا و کارگران و زحمتکشان بهره - برداری نمایند.

۲) کاهش و کنترل اجاره بها: اجاره بها باید طوری تنظیم شود که تنها سهم محدودی از دستمزد کارگران و درآمد زحمتکشان را بخود اختصاص دهد. اجاره ها باید براساس میزان درآمد مستاجر، مساحت خانه، تجهیزات و نوع ساختمان تحت اجاره تعیین شود. به همراه ملی شدن اراضی شهری کاهش موثر اجاره ها باید مهمترین نقش را در افت فشار اجاره های سنگین - دستمزد کارگران و درآمد حقوق بگیران جزء و متوسط و بهبود سطح زندگی آنها داشته باشد. در مواردی که خانه های تحت اجاره متعلق به افراد تهیدست و از کار افتاده ای است که زندگی آنها عمدتاً از طریق اجاره اطاقها و بنا خانه ها تامین میگردد باید مابین التفاوت عادلانه ای به آنها پرداخت شود.

۳) موارد و واحدهای بزرگ مسکونی، خانه های خالی و مستغلات سرمایه داران و زمینداران بزرگ توسط دولت انقلابی و واگذاری آنها به تهیدستان سی - خانمان و بی پناه از طریق نظارت شوراها، مسلم است که اقدام صادره به تنهایی قادر به پاسخگویی به کمبود مسکن نخواهد بود زیرا - جمعیت در شهرهای بزرگ بگونه ای است که اکثریت کارگران و زحمتکشان علیرغم ماده های یاد شده قادر نخواهند شد از حداقل مسکن مناسب برخوردار شوند. اما این اقدام تا آنجا که میتواند برای بخشهای معینی از توده ها که بی سرپناه بوده و در بدترین موقعیت به لحاظ مسکن قرار دارند حارس ساز باشد باید بعنوان یک اقدام ضربتی بکار بسته شود.

۴) تعمیر و نوسازی خانه های قابل استفاده قدیمی و واگذاری آن به ساکنین سابق و با متقاضیان جدید. از آنجا که تامین مسکن مناسب برای همه کارگران و زحمتکشان با توجه به اولویت بندیها مستلزم زمان و آنهم زمان طولانی است لذا باید ساختنهای قدیمی و یا ساختنهای که بلحاظ

بنانا مناسب بوده اما قابل تعمیراند نوسازی و تجهیز شوند.

۵) ارائه امکانات و وام به تعاونیهای داوطلبانه ای که برای تامین مسکن توسط اهالی ایجاد میشوند. در این زمینه باید دولت امکانات لازم را در اختیار این تعاونیها قرار دهد تا آنها با تجهیز همه اعضاء خود اقدام به احداث ساختمانهای جدید نمایند.

۶) ساختن مجتمعهای بزرگ مسکونی از طریق بنیان گذاری صنعت مدرن ساختمان و شهرسازی بعنوان محور اصلی حل مسئله مسکن. مسلم است که پیشبرد این برنامه در مقیاس توده ای و وسیع مستلزم برنامه ریزیهای دراز مدت است. از آنجا که در حکومت انقلابی حق مسکن مناسب مانند حق کارگری از حقوق مسلم شهروندان است بنابراین برنامه احداث مجتمعها و شهرهای جدید برای تامین مسکن مناسب برای همه اهالی باید ادامه یابد. آثار تمانهای جدید باید با احاره های نازل و ساتوحه

به اولویت ها در اختیار کارگران، زحمتکشان و کلیه نیازمندان قرار داده شود.

۷) جلوگیری از رشد بی رویه جمعیت شهرهای بزرگ از طریق الف: احیاء کشتار و رزی توسط نظام تعاونیها و اعمال حمایت قاطع دولتی از آنها و در نتیجه کاهش مهاجرت اجباری دهقانان و ورشکسته به شهرها. ب: اجرای سیاست عدم تمرکز در روند صنعتی شدن کشور، توسعه مناطق صنعتی جدید و ایجاد انگیزه برای جذب اضافه جمعیت شهرهای بزرگ. قطبهای صنعتی جدید باید همزمان با جذب نیروی کار از شهرهای بزرگ امکانات مناسب اسکان را در اختیار جمعیت این مناطق قرار داده و بدین ترتیب فشار جمعیت سرشهرهای بزرگ را کاهش دهند.

موارد بالا در کلیت خود تنها میتوانند برنامه بیک دولت انقلابی شورائی برای پاسخگویی به نیاز کارگران و زحمتکشان در ارتباط با بقیه در صفحه ۲۱

مبارزات زحمتکشان "شاد شهر"

از سنگری به سنگر دیگر

د هند مردم همانجا با اعتراض کرد و میگویند: "ما سالها زجر کشیدیم تا آب لوله هایمان کمی زیاد تر شده است و حال باید چوب دزدی دیگران را بخوریم." و زحمتکشان اعلام می کنند که آماده مقابله با ماوران شهرداری هستیم. او اواسط هفته سوم مرداد ماه ماوران شهرداری به همراه تعداد زیادی پاسدار سه راه "باغ نرده" ریخته و شروع به کندن زمین می کنند. مردم "باغ نرده" از مساله باخبر میشوند. زنان جلودار حرکت شده و به پاسداران اعتراض می کنند. پاسداران با توسل به اسلحه و خشونت جلوی زنان را سد می کنند و زنان مبارز بعد از حدود ۲ ساعت مقابله با پاسداران، عقب نشسته و شروع به سنگ - پرانی به سوی پاسداران می کنند. مقاومت و مبارزه دلیرانه زنان شاد شهر (محل باغ نرده) باعث می شود پاسداران از کندن بیشتر زمین منصرف شده، مناطق کنده شده را پر کرده و عقب نشینی نمایند. این موفقیت در روحیه زنان و مردان زحمتکش نشین شاد شهر اثرات بسیار مثبتی داشت. اکثراً میگویند: "فکر می کنند می توانند با ما در بیفتند. روی یک مشت کارگر و زحمتکش اسلحه می کشند. خجالت هم نمی کشند." (به مقل از: "اتحاد کارگران" (۴) مهر ۶۳ نشریه محلی جنوب غرب تهران - وابسته به سازمان)

"شاد شهر" یک شهرک کارگر نشین در ۲۰ کیلومتری جاده ساوه می باشد که طی یکسال گذشته مبارزات بسیاری در محله های مختلف آن صورت گرفته است. آب یکی از مسائل مهم ساکنان این شهرک و محور اکثر مبارزات آنان می باشد. در محله "باغ نرده" شاد شهر، مدت است که با همت و مبارزات انقلابی مردم، فشار آب کمی بیشتر شده است. بعد از ماه رمضان در محل شاد شهر که رژیم قصد دارد از آب این منطقه به محله مجاور که آنهم محله ای از شاد شهر است لوله کشی نماید. بعد از پیگیری مساله از طرف مردم محله "باغ نرده" معلوم میشود که شهرداری مدت ها پیش مقصدار زیاد پول از مردم محله مجاور گرفته و قول لوله کشی اب را داده است. اما طی این مدت پول مردم را به جیب زده و چون با اعتراض زحمتکشان روبرو شده است تصمیم گرفته از "باغ نرده" برای انجا آب بکشد. مردم چون از این موضوع آگاه میشوند از طریق نمایندگانی محلی به شهرداری اعتراض کرده و میگویند: "ما نمی گذاریم اب ما را بجای دیگری ببرید. از آنها پول گرفته - اید برایشان چاه بزنید." بعد از مدت ها درگیری در مرداد ماه اما م جماعت در بالای منبر به مردم "باغ نرده" اطلاع مید هد که تا چند روز دیگر ماوران برای لوله کشی آب به محله مجاور خواهند آمد و متذکر میشود که مردم "صبر اسلامی" را از خود نشان

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

اعتصاب کارگران "کانادا درای" مقاومت قهرمانانه، جدالی نابرابر

در شماره ۶ نشریه "راه کارگر" خبر اعتصاب قهرمانانه کارگران کانادا درای درج گردید. پس از آن با دریافت نشریات منطقه ای سازمان و دیگر گزارشات خبری زوایا و نکته های مهمی از حرکت انقلابی کارگران بطور کامل انعکاس داده شده است. ما بدلیل اهمیت این اعتصاب و قهرمانیهای کارگران در شرایط سرکوب فاشیستی کنونی حاکم بر میهنمان، با استفاده از عمدتاً نشریات "اتحاد کارگران" شماره ۴ و "اتحاد سرخ" شماره ۱ گزارش خبری زیر را تنظیم کردیم:

شرکت ساسان تولیدکننده نوشابه های "کانادا درای، کوکا کولا، سون اپ و جرجه" با داشتن نزدیک به چهار هزار نفر کارگر در سه شیفت یکی از کارخانجات بزرگ جاده قدیم کرج و در جوار کارخانه شیشه و گاز می باشد. کارگران این کارخانه نیز مانند سایر کارخانجات از کمبودها و خفقان حاکم بدست مدیریتان وابسته به "بنیاد مستضعفان" رنج می برند. مدیریت این کارخانه در مقاطع مختلف به بهانه های جنگ و کاهش تولید از پرداخت پاداش افزایش تولید خودداری می نماید. امسال نیز مدیریت اعلام می کند بدلیل کاهش تولید در چهار ماهه اول سال، پاداش پرداخت نخواهد شد، و این در حالی بود که کارگران بدلیل گرم بودن هوا تولید را افزایش داده بودند. آنان که مشاهده کرده بودند که کارگران کارخانه شیشه و گاز در سایه مبارزاتشان از حقوق و مزایای بیشتری نسبت به خودشان برخوردارند، تصمیم می گیرند از مبارزات آنها سرمشق گرفته و در مقابل ندان پاداش اعتراض نمایند. در ابتدا اعتراضات بصورت فردی و پراکنده صورت می گیرد. در تاریخ ۲۶ تیر ماه، یکی از کارگران پیشرو و مبارز بالای میز ناها رخوری رفته و با صدای بلند می گوید: "کارگران شما همگی مرا می شناسید. من حدود ۱۴-۱۵ سال است که در اینجا کار می کنم، نه ضد انقلاب هستم و نه چیز دیگری الان میدانم که ما چقدر تولید داریم و میدانم که سال گذشته حدود چند بیلیون تومان سود داشته ایم. اما مدیریت حق ما را می خورد و پاداش افزایش تولید نمی پردازد." کارگران پس از شنیدن حرفهای او به جنب و جوش آمده با تصدیق گفته های کارگر مبارز، اعلام می کنند مدیریت باید پاداش پرداخت کند. انجمن اسلامی کارخانه که از شور و آگاهی آنان بوحشت افتاده بود به ناها رخوری آمده و خطاب به کارگران

می گوید: "ما این کارگر را می شناسیم و مدتی است او را تحت نظر داریم، او فردی ضد انقلاب، منافق و کمونیست، حرف او را گوش نکنید، او می خواهد اخلال و آشوب کند." کارگران گول حرفهای انجمن اسلامی را نخوردند، بعد از نهار دسته جمعی با دادن شعار مرگ بر سه مفسدین (اسم سه تن از روسای کارخانه) به قسمتها بر میگردند و بقصد گرفتن پاداش دست از کار کشیده، اعتصاب مینمایند. کارگران شیفت ۲ نیز از عمل انقلابی کارگران شیفت دفاع کرده و بقصد گرفتن پاداش افزایش تولید و دیگر خواسته های دست از کار کشیده و به اعتصاب می پیوندند، کارگران از خروج کامیونهای فروش از کارخانه جلوگیری بعمل می آورند. فردای آنروز ۳ نفر از دادستانی به همراه تعداد زیادی پاسدار به کارخانه می ریزند و کارگر مبارزی که جرعه اعتراضی همگانی رازده بود و سر کارگر مبارز دیگر را دستگیر می نمایند و با ایجاد جو رعب و وحشت سعی می کنند کارگران را به سر کار برگردانند، اما کارگران که خشم یک عمر ستدیدی و حقارت را در دل داشتند به سر نمایندگان دادستانی ریخته و آنها را گروگان میگیرند و اعلام می کنند در صورتی آنها را آزاد می کنیم که ۴ کارگر مبارز را آزاد کنید. پاسداران سرمایه از این جو بهم ریخته استفاده کرده و بداخل سالنها هجوم می آورند و با تیراندازی بطرف کارگران نمایندگان دادستانی را آزاد می نمایند. به گفته شاهدان ۲ کارگر شهید و عده ای مجروح می گردند. کارگران با بطریهای شکسته نوشابه به جنگ پاسداران سرا پا مسلح می روند و کارخانه یکپارچه صحنه مقاومت و نبرد آنان با پاسداران می گردد. پاسداران که مبارزه و سر سختی همگانی کارگران را مشاهده می کنند، عقب نشینی می نمایند. کارگران بعد از تعطیلی سه شبه و جمعه در روز شنبه همراه با زن و بچه های دستگیرشدگان و زخمیها به کارخانه آمده و همچنان اعتصاب را ادامه می دهند. روز سه شنبه ۲ مرداد ماه "صانعی" دادستان انقلاب به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی می نماید و می گوید: "ما حامی مستضعفین هستیم اما الان جنگ است و باید سختیها را تحمل کرد." یکی از کارگران از وسط سالن بلند شده و فریاد میزند این "صانعی" اصلاً ایرانی نیست او پدر و مادرش مغول هستند و خودش خونخوار و آدمکش است. پاسداران "صانعی" برای دستگیری این کارگر

بمیان کارگران حمله ور میشوند، اما با مقاومت کارگران روبرو شده و کارخانه بار دیگر صحنه درگیری میشود. کارگران مجدداً پاسدار "صانعی" را دستگیر کرده و سالن را تحت کنترل خود می گیرند. "صانعی" که موفق به فرار میشود از مرکز تقاضای کمک می کند و در زمانی کوتاه ۵۰۰ پاسدار مسلح بداخل کارخانه ریخته و شروع به تیراندازی می کنند و بار دیگر تعدادی شهید و مجروح میشوند، حدود ۳۰۰ کارگر نیز دستگیر میشوند. از فردای همانروز کارخانه شروع تعطیلات تابستانی را اعلام میکند، اما کارگران به همراه خانواده های مجروحین و دستگیرشدگان در روزهای ۵ شبه و جمعه ۴ و ۵ مرداد ماه مجدداً بکارخانه می آیند لکن در همانجا از طرف پاسداران سریعاً متفرق میشوند. بعد از تعطیلات تابستانی، دادستانی در داخل کارخانه شعبه ای دایر میکند و هر روز تعدادی از کارگران مبارز را به دفتر فرامی خوانند که در آنجا پاسداران و یک نفر بعنوان بازجو منتظر کارگران مبارز بودند. بهنگامیکه کارگران فراخوانده شده وارد اتاق می شدند، بازجو سؤال میکرد، که چرا اعتصاب کرده بودید؟ پاسخ کارگران این بود که ما اعتصاب نکردیم بلکه با مدیریت اختلاف داشته ایم که حق ما را نعداده و ما سعی در گرفتن حق خودمان داشته ایم. بازجو سؤال میکرد که چرا به خمینی فحش داده اید که کارگران منکر فحش دادن بودند و زمانیکه بازجویی به اینجا میرسید پاسداران به کارگر حمله کرده و شدیداً او را مورد ضرب و شتم قرار میدادند و سپس کارگر خون آلود را به کمیته برده و دوباره مورد آزار و شکنجه قرار میدادند، شکنجه کارگران از شلاق خوردن تا گذاشتن تفنگ روی شقیقه و مجبور کردن آنها به نوشتن وصیتنامه و فحش های رکیک ادامه می یافتند و سرانجام آنها را مجبور به امضاء تعهدنامه ای میکردند که حق نزدیک شدن به کارخانه را نداشته و آنها را از کارخانه نیز اخراج مینمایند. گرچه تعدادی از کارگران آزاد شدند، اما تاکنون تعدادی از کارگران در زندان بسر میبرند.

خبر اعتصاب کارگران مبارز کارخانه "کانادا درای" سریعاً در سطح جامعه پخش گردید. در کارخانه دیگرها پخش خبر اعتصاب، کارگران احساس غرور و شادی میکردند. به دیوارها و دستشوییهای اکثر کارخانه ها شعارهایی مبنی بر پشتیبانی و درود بر کارگران اعتصابی شرکت ساسان نوشته شد. کارگران دیگر کارخانه ها در جمعهای هرچند کوچک خود و در سرویسها خبر اعتصاب را نقل نموده و می گفتند باید از آنها پشتیبانی کرد.

اعتصاب در کارخانه جنرال صنعتی

مقاومت کارگران راه آهن در برابر اخراج همکارانشان

پیروزی کارگران تولیدارو

کارخانه جنرال صنعتی حدود ۱۲۰۰ کارگر دارد و سازنده انواع آب سرد کن، آب گرمکن و بخاری میباشد. این کارخانه روبروی کارخانه جنرال استیل قرار دارد. کارگران این کارخانه در تاریخ ۶۳/۴/۳۰ بمنظور دریافت حقوق و پاداش افزایش تولید به حسابداری مراجعه می کنند، ولی مشاهده می نمایند که هیچگونه پولی بعنوان پاداش که سالانه در سه نوبت پرداخت می شود، دریافت تعیین نشده است. بمرور پخش این خبر در سراسر کارخانه، کارگران دسته دسته به دفتر مدیریت مراجعه کرده و خواهان توضیح در مورد عدم پرداخت حق افزایش تولید میشوند. مدیر کارخانه مهندس زرگر می گوید که سود چهارماهه اول کارخانه را برای تامین بخشی از تسلیحات جنگی و هزینه های جنگ بجهت ها ارسال کرده ایم، کارگران در پاسخ به وضعیت فلاکت بار زندگی خود اشاره کرده و به این تصمیم ضد کارگری شدیداً اعتراض می کنند، بمرور که کارگران بخشهای مختلف کارخانه از این اقدام مدیریت مطلع میشوند و به سبب پافشاری کارگران در دریافت حق افزایش تولید که بخشی از حقوقشان می باشد و اصرار مدیر بر تصمیم خود، کارگران را خشمگین ساخته و منجر به توقف تولید از طرف کارگران میشود. اعتصاب بعد از ۳ روز یعنی تا روز ۳ شنبه ۲ مرداد ماه ادامه یافته و کارگران روز سه شنبه به اعتصاب خود پایان داده و تولید از سر گرفته میشود.

(به نقل از: "اتحاد کارگران" (۴) مهر ماه ۶۳ نشریه محلی جنوب غرب تهران - وابسته به سازمان)

در روز جمعه هفته اخیر ماه رمضان (روز قدس) ادو لگوموتیو در راه آهن تهران بر اثر یک سانحه بهمد یگر برخورد می کنند و خسارات قابل توجهی ببار می آید. مسئولین راه آهن چند نفر کارشناس را برای ارزیابی میزان خسارت و علت وقوع حادثه به محل می فرستند. آنها گزارش می دهند که این تصادف بطور عمدی صورت گرفته است و مسئولین برای تهدید کارگران از فرصت سوءاستفاده کرده و می گویند: چون روز قدس بوده، رانندگان لگوموتیو می خواستند با استفاده از این تصادف ساختگی دست به خرابکاری بزنند و بر اساس این گزارش (کارشناسها) پرونده های بر علیه رانندگان لگوموتیو تشکیل داده و هر دو را بلافاصله اخراج می کنند. کارگران دیگر که این خبر را می شنوند و بعضی از آنها نیز شاهد تصادف بودند، یقین داشتند این حادثه عمدی نبوده است و بشدت خشمگین شده و همگی دست با اعتصاب می زنند و اعلام می کنند تا رفقای اخراجی ما به سرکار برگردانده نشوند، ما قطارها را حرکت نخواهیم داد و حداکثر تا پنج کیلومتر به خارج تهران خواهیم برد. مقامات مسئول سعی می کنند با تهدید اخراج و ایجاد رعب و وحشت رانندگان راه آهن را به سرکارها - نشان برگردانند ولی این توطئه در برابر اتحاد کارگران راه آهن که بطور یکپارچه دست به اعتصاب زده بودند، شکست خورده و مجبور به عقب نشینی میشوند و سرانجام کارگران اخراجی به سرکار برگردانند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۵) - مرداد ماه ۶۳ - وابسته به سازمان)

حدوداً اواخر تیرماه کارگران یک قسمت از کارخانه در برابر اخراج یکی از کارگران که با سرپرست قسمت درگیر شده بود، تهدید به اعتصاب می کنند، که مسئولین کارخانه با وحشت از وحدت کارگران از اخراج کارگر مزبور صرف نظر می کنند. کارگران طبق معمول، زمانی که بوی بد ناشی از سوختگی مواد تولید شده بوجود می آید و برای جلوگیری از اثرات سوء آن بر سلامتی کارگران، دست از کار می کشند و محل کار را ترک می کنند، تا بعد از ناپدید شدن بو دوباره مشغول بکار شوند. سرپرست قسمت که عامل مزور مسئولین کارخانه است برای خود شیرینی، بدین اقدام کارگران اعتراض می کند و بعنوان تهدید کارگران، کارت کارگری را ضبط می نماید و بوی وهمه کارگران توهین می کند. کارگر مزبور با سرپرست درگیر میشود و کارگران قسمت فوق نیز برای حمایت از همکارشان دست به اعتراض می زنند و می گویند: "این مساله مربوط بیک یا ۲ نفر نیست و مربوط بهمه کارگران است و در این مواقع همه دست از کار می کشیم و اکنون نیز تا موقعی که همکارمان به سرکار برنگردد، ما همگی کار نخواهیم کرد." سرپرست به کارگر مزبور می گوید: "حالا من کارت را ضبط می کنم و نمی گذارم ساعت بزنی تا تکلیف مشخص شود." بعد از یک ساعت کارگر مزبور را بد فتر احضار می کنند. همه کارگران از کارگر مزبور حمایت می کنند و مسئولین کارخانه از ترس کارگران وی را به سرکار برمی گردانند. بعد از یکی دو روز جلسه ای توسط مقامات مسئول کارخانه برای بررسی مسئله تشکیل می شود و در نتیجه بعد از قدرانی از اصطلاح زحمت سرپرست، از نحوه برخورد و صحبتش با کارگران انتقاد می شود و کارت کارگر مزبور به او پس داده می شود و هم چنین بخاطر توهینی که به کارگران شده بود عذرخواهی می نماید و به کارگر مزبور می گویند، "اصلاً سرپرست حق ندارد که کارت شما را ضبط کند و این در حیطه اختیارات سرپرست نیست".

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۵) - مرداد ماه ۶۳ - وابسته به سازمان)

گرفته و در انبار کارخانه زندانی می نمایند. مدیر عامل به دست و پا افتاده و بعد از تقریباً چند ساعت با کلیه خواستهای کارگران موافقت می کند و کارگران نیز او را آزاد می کنند.

در کارخانه "ترانزیستور سازی" رشست نیز کارگران، مدیر عامل کارخانه را "گروگان" میگیرند.

(به نقل از: "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان گیلان)

کارگران مدیرعامل را گروگان میگیرند!

کارخانه "ابریان" در شهر صنعتی رشت واقع شده و کمتر از ۵۰ کارگر دارد. تولیدات این کارخانه انواع تشکهای ابری و تولیداتی از این قبیل می باشد که مواد اولیه آن از آلمان غربی تامین می گردد. این کارخانه خصوصی است و از جانب صاحبان شخصی بعنوان مدیرعامل، کارخانه را اداره می کند. مدیر عامل کارخانه بعد از مدتی میزانی از درآمد کارخانه را بالای می کشد و برای آنکه اعتراض کارگران را بخواباند، تسهیلاتی از قبیل کانتینر غذای گرم و نیز بشکهای خالی مخصوص مواد اولیه را که به قیمت حدود ۱۰۰۰ تومان در بازار آزاد خرید و فروش می شود، در اختیار کارگران قرار می دهد. بعد از مدتی دست مدیر عامل رو می شود و فرار می کند. صاحب کارخانه نیز نصف سهام کارخانه را بشخصی

مقاومت کارکنان

"شرکت ملی فولاد ایران"

"شرکت ملی فولاد ایران" یکی از ادارات مرکزی صنایع فولاد است که بدنیال سیاست عدم تمرکز اداری رژیم فقها، از تهران به اصفهان انتقال یافته است. این اداره بیشتر به امور مالی و اداری شرکت های (ذوب آهن، مجتمع فولاد مبارکه، نورد اهواز مستقر در مجتمع فولاد مبارکه) را بعهده دارد. پرسنل این اداره مرکزی از ذوب آهن و از تهران انتقال یافته اند. اخیراً وزیر صنایع "نبلی" طی بخشنامه ای خواهان انحلال این اداره مرکزی شده و انتقال آنرا به تهران مطرح مینماید و از کلیه پرسنل آن می خواهد که به جاهای قبلی خود بروند. کلیه کارکنان این اداره که ۱۵۰ نفر می باشند با این طرح مخالفت نموده و اعتنای به بخشنامه مربوطه نمی کنند. در بخشنامه بعدی از کارکنان خواسته میشود که اگر به میل خودشان اداره را ترک نکنند به زور متوسل خواهند شد. کارکنان بنا به وضعیت شغلی که با مشکلاتی از لحاظ اشتغال مجدد و یا انتقال بهتران گریبان گیرشان خواهد شد، مقاومت نموده و برای جلوگیری از اینکه ممکن است شبانه به اداره حمله کنند و مسائل را بهتران ببرند، ازین خنود نگهبانانی انتخاب می نمایند. بدنیال این جریانات در تاریخ ۵ شنبه ۲۲ شهریور ماه در ساعت ۶ صبح حدود ۵۰ نفر حزب اللهی به همراه پاسداران به جلوی درب ورودی ساختمان آمده و خواهان رفتن به داخل ساختمان می شوند تا اذیت و وسایل ساختمان را جمع آوری نمایند. این اقدام مزدوران با مقاومت نگهبانان روبرو شده و درگیری شروع می شود. کارکنان اداره که بسرکار می آیند و از بردن وسایل توسط مزدوران جلوگیری می کنند. عده ای از کارکنان به شهر بانی رفته و از پلیس می خواهند که مزدوران حزب اللهی و پاسداران را متفرق نمایند، اما شهر بانی اعلام بی طرفی می نماید. سرانجام افسر کشیک شهر بانی به اداره آمده و از مزدوران می خواهد که پراکنده شوند و برای متفرق کردن آنها شروع به تیراندازی هوایی می نماید. با افزایش پرسنل و تجمع مردم، درگیری شدت زیادی پیدا می کند، بطوریکه با سنگ کلیه شیشه های این اداره شکسته شده و در اثر تیراندازی عده ای از طرفین زخمی و روانه بیمارستان می شوند. این درگیری تا ساعت ۱۱ صبح همان روز ادامه می یابد تا سرانجام با ورود سپاه و شهر بانی اداره مزبور تحت کنترل آنها در می آید. طبق آخرین خبر بلیکه کارکنان اداره تا ۱۵ روز مهلت داده شده که بسر کارهای قبلی شان برگردند و الا اخراج خواهند شد.

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

اعتراض مردم فیروزکوه

به اعدام یک جوان انقلابی

اواخر مرداد ماه در فیروزکوه، یک جوان انقلابی که هوادار یکی از جریانات سیاسی بوده، دستگیر و بعد از سه روز حکم اعدام صادر می شود، و بلافاصله او را اعدام می کنند. مردم فیروزکوه بسیاری تشییع جنازه جوان انقلابی گرد می آیند و این مراسم به تظاهرات علیه رژیم تبدیل میشود. در این تظاهرات شعارهای مرگ بر پاسدار، مرگ بر خمینی داده میشود. پاسداران در حالت کرده و سعی می کنند با تیراندازی هوایی مردم را متفرق کنند، ولی مردم عصبانی شده و به پاسداران هجوم می آورند و چند نفر از آنان را زیر مشت و لگ خود زخمی می سازند.

پاسداران اقدام به تیراندازی بطرف مردم

کرده و در نتیجه سه زن و مرد کشته و حدود ۲۰-۱۵ نفر زخمی شده و حدود ۱۵۰ نفر از مردم دستگیر می شوند. بعد از این واقعه روحیه اعتراضی مردم اوج میگیرد و در جمعهای گوناگون بر علیه رژیم علناً صحبت می کنند. روز جمعه بعد از واقعه بعثت عدم استقبال مردم از نماز جمعه رژیم دست به تبلیغات گسترده ای میزند و بالای یک وانت بلندگویی کرده و در کوچه پس کوچه ها شعار میداد و از مردم با عنوان "مردم شهید پرور"، "مردم همیشه در صحنه"، برای شرکت در نماز جمعه دعوت بعمل می آورد. ولی هیچکس به تبلیغات رژیم گوش نداد و نماز جمعه را تحریم می کنند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

اعتراض کارگران کارخانه "پارس ایران" رشت

اوایل شهریور ماه، مدییر عامل کارخانه دستور جدیدی در مورد ساعت تحویل کارخانه به شیفت بعد و نحوه نقل و انتقال کارگران و سرویس کارخانه بخشنامه می کند. این بخشنامه باعث بروز درگیری و اغتشاش درون کارخانه میگردد. جریان با اینصورت بود که کارفرما در دستور جدید مطرح میکند که هر ساعت بعد از ظهر کارگران می باید دست از کار بکشند و تا تحویل شیفت بعد، حق بیرون رفتن از کارخانه ندارند و سرویس هم نباید منتظر هیچ کاری باشد و فقط در ایستگاه بمسدت ۱۰ دقیقه توقف کرده و سپس سرعت خود را به کارخانه برسانند. درحالیکه قبلاً کارگران یک ساعت جلوتر دست از کار کشیده و حمام و شستشو میکردند و دستگها را در این یکساعت تا رسیدن شیفت بعد خاموش می نمودند. پس از دستور جدید مدییرت در رابطه

با سرویس تعداد زیادی از کارگران یا جا می ماندند و یا اینکه با وسائل نقلیه دیگری خودشان را به کارخانه می رسانند که این امر باعث یکسری اختلال در روند تولید کارخانه شده بود. این اختلالات و اعتراضات سرانجام باعث درگیری شدیدی میان سرپرست شیفت با کارگران می گردد و کارگران در مورد شیفت و دیگرکد چند دقیقه ای سرپرست را کتک می زنند. در پی این جریان سپاه در حالت کده و یک نفر از کارگران را دستگیر می کند، ولی اغتشاش و ناراضی همچنان در این کارخانه در مورد بخشنامه جدید مدییر عامل ادامه دارد و کارگران متحداً خواستار لغو بخشنامه هستند.

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

فشار مدیریت

به زنان کارگر

ایران پولین : هم اکنون رژیم فقها و عمالشان در کارخانه برای اخراج زنان از کارخانه دست به حیلله های گوناگون می زنند. در کارخانه ایران پولین، کارگران زن را مجبور با انجام اضافه کاری بمدت ۱۲ ساعت می نمایند و در صورت عدم پذیرش آن و حتی کوچکترین اعتراض به آن، کارگران زن را اخراج میکنند. باشدت گیری اعتراضات، مدییرت کارخانه بعد از تقریباً ۲ هفته از اجرای طرح ضد کارگری فوق بمنظور جلوگیری از اعتراض دسته جمعی کارگران موقتاً اضافه کاری ۱۲ ساعته را لغو و بجای آن تعطیلی روزهای پنجشنبه را به بهانه جبران تعطیلات تابستانی ملغی کرده است.

یارلون : در کارخانه یارلون در طی ۶-۵ ماه گذشته حدود ۲۰ کارگر زن بدلیل سخت بودن شرایط کار، اقدام به استعفاء نمودند. مدییرت کارخانه برای اینکه از پرداخت حداقل مبلغ بازخرید خلاص شود از قبول استعفاء کارگران امتناع می ورزد تا کارگران مجبور شوند بدون دریافت بازخرید از کارخانه بروند. اکنون سیاست فشار بر زنان کارگر تا بدان حد رسیده که در این کارخانه زنان را از شیفت روز به شیفت شب منتقل می کنند که با مخالفت سرپرستها و هم چنین کارگران روبرو شده است. به دنبال این مقاومتها، مدییرت از سرپرستها خواهان آن شده است که کارگران زن را از یک قسمت به قسمت دیگر کارخانه که کارش مشکلتر است منتقل نمایند که باز هم با مخالفت سرپرستها مواجه شده است.

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

گزارشی از کارخانه "ایران تایر"

۳۰ تومان از کارگران و ۷۵ تومان از حقوق کارمندان کسر می‌کنند. در دوره قبل از انقلاب غذای کارمندان بمراتب بهتر از حالا بود. ژتون کارمندی ۳۵ ریال و کارگری ۱۵ ریال بود، حالا کیفیت غذا تنزل پیدا کرده، غذای کارمندی و کارگری یکسایان است. کارخانه دارای سرویس رفت و آمد کارمندی و کارگری در اکثر نقاط تهران می‌باشد. دارای حمام، بهداشتی، کلاس آکایر لباس و کفش و کفش‌ایمی نیز کارگران تعلق می‌گیرد.

مسائل ایمنی: نوعی از دستگاه پخت تایر (پرس لدیگی) وجود دارد که هر از چند گاه لاستیک داخل آن می‌ترکد و بخار آب و آب جوش داخل آن بیرون می‌زند، که یکبار یکی از کارگران که نزدیک پرس ایستاده بود در آن واحد مجال شده و می‌سوزد، ولی هم چنان از این دستگاه استفاده می‌شود. در قسمت بنیادی بعلت استفاده از زرد و ماده شیمیایی چهره کارگران زرد است. از کارگران تایرسازی (تایرری) ۶ نفر تا بحال فوت کرده‌اند. مرگ آنها ناشی از سختی و شرایط بد کار بوده که بتدریج مریض و ضعیف شده و فوت کرده‌اند.

تشکلهای موجود:

- ۱- صندوق قرض الحسنه؛ بعد از انقلاب تاسیس شده و سرمایه اش گویا به ۳ میلیون تومان می‌رسد و قبلاً تا ۱۰ هزار تومان وام میداد. حالا جزو معدود کارخانه‌هایی است که تا ۲۰ هزار تومان نیز وام به کارگران می‌دهد. این صندوق در کارخانه دارای دفتری است که مدیرعامل آن از اعضاء انجمن اسلامی است.
- ۲- تعاونی مصرف؛ در سال ۵۲ تاسیس شده است. حق عضویت در آن ۳۵۰ تومان می‌باشد که بتدریج تا ۱۰۰۰ تومان از حقوق کسر می‌شود. کارگران اجناس کوپنی مثل قند و شکر و روغن و ... را برای جلوگیری از اتلاف وقت خود و خانواده‌هایشان از تعاونی تهیه می‌کنند. تعاونی قند، شکر، روغن، کره، دقتر و مدام، بقیه در صفحه ۱۷

● در کارخانه شیشه قزوین، کارگران به منظور دریافت پاداش افزایش تولید از چند ماه قبل با مدیریت بمذاکره می‌پردازند و چون نتیجه‌ای نمی‌گیرند در شهریور ماه دست به کم کاری وسیع می‌زنند. با شیوه کم کاری تولید از ۳۰۰ تن در روز به ۱۵۰ تن می‌رسد. مهندس کارخانه هر چه تلاش می‌کند، نمی‌تواند علت کاهش تولید را بفهمد، چرا که ظاهراً کارگران بطور عادی کار می‌کردند. مهندس سرگیجه گرفته، سرانجام به دست و پا افتاده و قول میدهد که به خواست کارگران رسیدگی نماید. پس از این قول بود که تولید مجدداً به روال عادی باز میگردد، بدون آنکه معمای آن برای جناب مهندس حل شده باشد.

این کارخانه توسط آمریکائیان در سال ۱۳۴۴ ساخته شد که ۵۱٪ سهم ایرانیان و ۴۹٪ سهم آمریکائیان بود. سهامداران ایرانی "ثابت" و "اسفند یاری" (داماد شاه گورگور شده) و غیره بودند. بعد از انقلاب کارخانه مصادره شد و حدود ۴۰٪ سهمش در دست بنیاد مستضعفان است و سازمان گسترش صنایع ایران نیز در آن سهم دارد. سهام آمریکائیان خریداری شده، جدیداً نیز ۲۰٪ سهامشان خریده شده که هنوز مشخص نیست در اختیار کدام ارگان قرار گرفته است. چند کارخانه دیگر مشابه این کارخانه وجود دارد مثل: آب اف، گودریچ (کیان تایر)، پارس تایر و غیره. این کارخانه تایر سواری، باری، تراکتور و تیوپ و ... تولید می‌کند. تولید کارخانه دارای افت و خیز بوده و بطور متوسط روزی ۲۰۰۰ تایر تولید می‌کنند. کارخانه دارای ۱۳۰۰ پرسنل می‌باشد که کارگران در سه شیفت کار می‌کنند. قسمتهای مختلف کارخانه شامل بنیادی (قسمتی که مواد را با هم مخلوط می‌کند)، ویپ یونیت (قسمتی که نخها را عمل می‌آورد)، گلندر (قسمتی که لایه نازکی از لاستیک در طرف نخ می‌چسباند)، تیوب سازی - بند سازی - بید سازی (قسمت تولید طوقه سیمی) - برش - دیلکس - تایرسازی (تایرخام را می‌سازد) - قسمت پخت و ... و خط تولید مواد اولیه کارخانه که شامل لاستیک مصنوعی، لاستیک طبیعی، نخ، مواد شیمیایی میباشند. تا زمانیکه مواد وارد میشود و گویا فقط در داخل تا مین می‌شود. بطور کلی از نظر مواد اولیه و ماشین آلات متکی بخارج می‌باشد. نخ‌ها را از کره شمالی و هلند وارد می‌کنند. جدیداً افرادی از ژاپن به کارخانه آمدند و در ماه گذشته دستگاه اسکا پور (برش ترد یعنی برش قسمت گوشته تایر) از ژاپن خریداری شده که بعد از یکماه نتوانستند خوب تنظیمش کنند و بالاخره از ژاپن متخصص برای تنظیمش آوردند. اما گات زفاهی: کارخانه دارای سلف سرویس کارگری و کارمندی است که ماهی

اخبار کوتاه

● در شهریورماه از طرف مدیریت کارخانه قتل سازی (قزوین) اطلاعیه‌ای در مورد بالا رفتن استاندارد میزان تولید (که همانا افزایش تولید و فشار بیشتر بر کارگران می‌باشد) بر تابلو زده می‌شود. کارگری بطور انفرادی در اعتراض به این اطلاعیه انرا پاره می‌کند و چند تن دیگر از کارگران نیز خشمگین شده و با پرتاب قفل، شیشه‌های قسمت اداری را خرد می‌کنند و استعفاء میدهند. در مجموع ۶۵ نفر از کارگران استعفاء میدهند.

● در کارخانه مهرا (قزوین) که تولید کننده سس و محصولات غذایی مشابه بوده و حدود ۱۰۰ کارگر و کارمند دارد، مدیریت بتازگی سرپرست قسمت انبار را احضار کرده و با او می‌گوید: "تو کم کاری میکنی و دیگران را نیز باین کار تشویق میکنی. برای خودت در فکر اشتغال در جای دیگری باش". سرپرست قسمت انبار می‌گوید: "من ۱۲ سال برای تان کار کرده‌ام حالا باین سادگی بروم". کارگران وقتی از این مساله مطلع می‌گردند از آنجا که کینه شدیدی از مدیریت ضد کارگری دارند، دست به تهیه طوماری زده که حدود ۷۰ نفر از کارگران زن و مرد آنرا امضاء میکنند. کارگران در این طومار ضمن مخالفت با اخراج سرپرست قسمت انبار، خواهان اخراج مدیریت می‌گردند. آنها در طومار مینویسند که مدیریت کارگران را "عقله صدامی زند و بدون خبر و ناگهانی به رختکن زنان می‌رود تا اینکه اداره کار که برای رسیدگی آمده بود نظری نداد، اما بهر حال اخراج سرپرست تا اینجا منتهی شده است."

● مراسم هفته جنگ در کارخانه جم: در این کارخانه که حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر دارد و تحت پوشش کفش بلا می‌باشد، در روز سوم هفته جنگ "روز نبرد اقتصادی" اعلام می‌کنند که کارگران برای کمک به جبهه در روز ۲ ساعت اضافه کاری نمایند. عده زیادی از کارگران به بهانه‌های مختلف اجازه گرفته و به خانه‌های خود رفتند و عده دیگری هم بجای ۲ ساعت اضافه کاری فقط حدود نیم ساعت اضافه کار کردند. عدم استقبال کارگران توأم با غرزدن به این اضافه کاری اجباری بود. در هفته جنگ مراسم سخنرانی توسط سلامتی معاون وزیر کار در کارخانه انجام گرفت و برای برگزاری این مراسم کارخانجات بهپوش، بلا، کفش جم را در یکجا جمع نمودند که اکثریت کارگران با هم صحبت کرده و توجهی به سخنرانی نداشتند. کارگران این کارخانه اکثراً موضع ضد جنگ دارند و رژیم را مسبب ادامه جنگ می‌دانند.

● کارخانه فخرایران (نازی):

● از شهریورماه بهرور زمان قسمتهای مختلف کارخانه شروع بکار نمودند و طبیعتاً سخنرانی که در اوایل مهر توسط "ناجی" مدیرعامل بعمل آمد، قرار بر این میشود که ۱۸ روز از یکماه تعطیلی کارخانه را که قبلاً بدون حقوق اعلام کرده بودند، حقوقش را بکارگران بپردازند. کارگران خواهان حقوق ۱۲ روز بقیه نیز شدند و چون ناجی به آنها جواب منفی میدهد شروع با اعتراض نموده و شعار "مرگ بر ناجی" میدهند. ناجی از ترس فرار کرده و استعفاء خود را به "بالا" رد می‌کند که مورد قبول واقع نمیشود و مجدداً به سر کار بر میگردد. بعد از بازگشت عده‌ای از کارگران پیمانی را بدلیل عدم نیاز بکار آنها اخراج می‌کند.

گزارشی از ...

خمیرندان، صابون، حبوبات، پارچه و غیره را در اختیار کارگران و کارمندان قرار می‌دهد، واجناس دیگر مثل یخچال، کولر، تلویزیون و ۰۰۰ با قرعه کشی بین کارگران تقسیم می‌شود. تعاونی دارای ۵ نماینده و ۲ نفر علی‌البدل و ۲ بازرس می‌باشد که مدیرعامل تعاونی تمام وقت برای تعاونی‌گاری می‌کند و از طرف کارخانه چند کارگر در اختیار تعاونی مصرف قرار داده شده‌اند. در انتخابات جدید برای هیات مدیره و بازرسان تعاونی نفر اول ۴۲۰ رای آورد و نفر اول بازرسان ۸۴ رای و انتخابات فقط در شیفت اول ۱۲ انجام گرفت.

۳- صندوق اعتبار کارمندی؛ این صندوق نیز قدیم‌التاسیس است و سرمایه‌اش در حدود ۳ میلیون تومان است و تا ۵۰ هزار تومان وام می‌دهد.

۴- تعاونی مسکن؛ که در محوطه پشت کارخانه برای ۴۰ نفر زمین تهیه کرد (برای هر نفر ۱۷۰ متر) و اقدام دیگری نکرد. تعاونی مسکن نیز قدیم‌التاسیس است.

سرنوشت سهم کارگران از کارخانه: در دوره رژیم منگور شاه، مقداری از سهام کارخانه را به کارگران فروختند و هر سهم حدود ۱۸۰ تومان که هر کارگر لااقل ۱۰ سهم خریداری کرده و حتی بعضی‌ها تا ۴۰ هزار تومان سهم خریده بودند که با فروش فرش یا ماشین یا لوازم خانه پول این سهام را تهیه کرده بودند. فقط یکبار سود سهام را بین کارگران (در رژیم شاه) تقسیم کردند. بعد از انقلاب همراه با مصادره کارخانه در واقع سهام کارگران نیز مصادره شد. کارگران و کارمندان طی نوشتهای خواستار روشن شدن وضع سهام خود شدند. نه تنها سود سهام را بکارگران ندادند، بلکه فعلا کسی جرات مطرح کردن این مطلب را ندارد که حداقل خود سهام را پس بدهند، چرا که بعنوان ضدانقلاب معرفی خواهند شد!

(به نقل از گزارشات ارسالی: نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" - وابسته به سازمان)

اعتراض کارگران روزمزد کفش ملی

در این کارخانه بجز کارگران استخدامی، حدود ۶۰-۷۰ کارگر روزمزد نیز استخدام شده‌اند که بکارهای سخت و موقت و در شرایط نامناسب و آوار می‌شوند. این عمل (موقتی بودن) به این خاطر است که هر موقع مقامات کارخانه دلشان بخواهد آنها را اخراج کنند و حق بیمه و سرویس نیز به آنها پرداخت نکنند و بتوانند بدلیل نیاز کارگران بکار، آنها را در شرایط غیر انسانی بکارهای طاقت‌فرسا و مشکل بکشند. بکارگران روزمزد بعلت سختی و مشقت کار و شرایط بد و غیر بهداشتی کار روزانه ۱۳۰ تا ۱۵۰ تومان پرداخت می‌شود. آنها در انبارهای پوست، چرم و مواد و کارهای ساختمانی مشغول بکار هستند و بدلیل شرایط غیربهداشتی محیط کار و فضای ناسالم و بوی بد، سلامتی آنها در خطر است و در حقیقت آنها پول به خطر افتادن سلامتی شان را میگیرند نه حقوق کار خود را، ولی همین حقوق نیز کفاف زندگی آنها را نمیکنند. در تاریخ ۲۷/۵/۶۳ حدود ۲۰ نفر از کارگران روزمزد، موقع ظهر بقصد صرف ناهار بطرف یکی از قسمتها برآه می‌افتند تا با این ترتیب بتوانند از حقوق استفاده از سرویس ناهار بهره‌مند شوند. نگهبانان قسمت از وارد شدن کارگران به قسمت جلوگیری می‌کنند. بعد از آن کارگران روزمزد ریگی ازخیا یا نهی کارخانه با صف منظم برآه افتادند و شعار "ناهار ناهار" سر می‌دهند. این راهپیمایی اعتراضی ۱۰ دقیقه بطول می‌انجامد. مقامات کارخانه برای جلوگیری از گسترش اعتراض و از ترس اینکه حمایت کارگران استخدامی قسمتها به اعتراض کارگران مزبور جلب نشود مجبور بعقب نشینی شده و اجازه صرف ناهار و حق استفاده از سرویس را بکارگران روزمزد در کارخانه می‌دهند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

بهباد نبوی: حکم اخراج ۹ نفر کارگر را میخواهم

"هیکو" یکی از کارخانه‌های بزرگ وابسته به وزارت صنایع سنگین می‌باشد که در کنار ماشین‌سازی اراک قرار دارد. این کارخانه نزدیک به ۲۰۰۰ نفر پرسنل دارد و عمده تولید آن که امروزه بصورت مجزا جهت مونتاژ از خارج وارد میشود لودرهای جاده صاف‌کن و غلطک می‌باشد.

روز ۲شنبه ۶۳/۷/۲ به‌همراه موسوی نخست‌وزیر، بهزاد نبوی نیز به اراک رفته و به بازدید از کارخانجات اراک می‌پردازند. بهزاد نبوی ضمن بازدید از کارخانه "هیکو" با ۹ نفر از کارگران برخورد می‌نماید که در ساعت کار کارخانه، برای خوردن چای دست‌از کار کشیده بودند. نبوی جنایتکار به کارگران می‌گوید که چرا در این ساعت بیگارید؟ کارگران جواب می‌دهند که برای خوردن چای دست‌از کار کشیده‌اند. نبوی اعتراض کرده و یکی از کارگران می‌گوید: "مگر خود شما بین روز چای نمی‌خورید؟" نبوی از این جواب به خشم آمده و باو احت شروع به فحش دادن به کارگران کرده و می‌گوید: "من از این کارخانه خارج نمی‌شوم مگر اینکه حکم اخراج این ۹ نفر را بگیرم!" مدبریت کارخانه حکم اخراج ۹ نفر را صادر کرده و هر ۹ نفرشان اخراج میشوند. در بین اخراج شدگان کارگری با ۱۲ سال سابقه کار وجود داشت.

(به نقل از گزارشات ارسالی از اراک)

اعتراض کارگران طرح توسعه ماشین‌سازی اراک

روز یکشنبه ۸ مهرماه کارگران در پی اعتراض خود به زورکوبی و بی‌عدالتی‌هایی که از طرف کارفرما بر آنان اعمال میشود، در ساعت ۱۰/۵ صبح دست‌از کار کشیده و با تعطیل کار و جمع شدن در سالن اداری طرح توسعه، خواسته‌های خود را عنوان مینمایند. کارگران اعتراض میکردند که سرپرستها در کابل کشی آنان را بکارهای سخت و امیدارند و حتی اجازه استراحت یک لحظه ای را با آنها نمیدهند و رفتارشان نسبت به کارگران زننده و ناشایست میباشد و ۰۰۰ سرانجام وقتی که کارگران خواهان اعلام خواسته‌هایشان به رئیس کارگزینی می‌شوند، رئیس کارگزینی که از قبل از قضیه مطلع شده بود، در اطاق را بسته و بیرون نمی‌آید. در این میان درگیری لفظی بین چند تن از کارگران با یکی از سرپرستان بنام "میرزائی" رخ می‌دهد که سرپرست مزبور کارگران را تهدید به اخراج می‌کند. سرانجام کارگران بعد از ۳ ساعت درگیری با سرپرستان و با پافشاری توانستند خواسته‌های خودشان را به آنان تحمیل نمایند و در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر مجدداً بسر کار برگردند.

(به نقل از گزارشات ارسالی از اراک)

گزارشی از کارخانه چیت‌سازی تهران (با فکار)

چند تن نخ بوده که بعد از انقلاب این میزان به حدود ۶۰۰۰ متر پارچه تقلیل یافته است. البته بعد از راه‌اندازی سالن شماره ۲ بافندگی که قرار است تا اواخر سال ۶۴ شروع بکار کند، میزان تولید تا مرز ۷۰۰۰ متر افزایش خواهد یافت.

وضعیت کار و دستمزد کارگران: رشته بافندگی یکی از سخت‌ترین رشته‌های تولیدی می‌باشد، شرایط سخت کار محصول مگنیم خاص تولید، میزان رطوبت و گرد و غبار و همچنین سرو صدای وحشتناک دستگاه‌ها می‌باشد. در این کارخانه هم

بقیه در صفحه ۲۹

کارخانه چیت‌سازی تهران یکی از اولین کارخانجات تولیدی بزرگ در ایران است که در سال ۱۳۲۰ یا سرمایه دولتی و تحت نظارت مستشاران آمریکایی تاسیس شد. تولید کارخانه انواع منسوجات پارچه‌ای و نخ می‌باشد که بعد از انقلاب تولید نخ بعلت کاهش تولید حذف شده است.

تعداد کارگران کارخانه قبل از انقلاب ۲۵۰۰ نفر بود که اکنون به ۲۷۵۰ نفر رسیده است. کارخانه از دو قسمت اصلی بافندگی و ریسمندگی تشکیل شده است که از هم جدا می‌باشند. میزان تولید کارخانه قبل از انقلاب حدود ۶۵۰۰۰ متر پارچه اضافه

— اخباری از کردستان قهرمان —

پیکار قهرمانانه

پیشمرگان کردستان ایران

طبق اخبار واصله عملیات نظامی پیشمرگان قهرمان احزاب و سازمناهای کرد و دیگر سازمناهای رزمنده در کردستان ایران اوج نویی می‌یابد. در پایان ماه عملیات حماسه آفرین پیشمرگان قهرمان ضربات شدیدتری بر پیکر زخم خورده رژیم جمهوری اسلامی وارد کرده‌اند. این عملیات بویژه پاسخ محکمی بر یاوه‌سرانیهای موسوی نخست‌وزیر و دیگر سردمداران جنایتکار رژیم اسلامی است که دم از پاک‌سازی کامل کردستان می‌زنند.

★ ★ ★

پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران، در همین ماه پیکارهای قهرمانانه‌ای را در شمال کردستان، پیرانشهر، مهاباد، سردشت، بوکان، سقز، افشار، یانه، دیوان‌دره و اورامانات و دیگر مناطق بعمل آوردند. نبرد قهرمانانه پیشمرگان حزب دموکرات در روستای "شلم جاران" که بیش از ۱۲ ساعت بطول انجامید و چهار حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را با شکست مواجه نمود، در صدر این عملیات قرار گرفت.

★ ★ ★

در پایان ماه پیشمرگان سازمان "گوموله" به عملیات نظامی متعددی در مناطق کردستان دست زدند که صرف‌گام‌گام پایگاه بزرگ برده زرد از جمله مهمترین این عملیات بوده است. دنبال تصرف پایگاه‌های داش‌اغل و قلندراین سومین پایگاه‌ها است که اخیراً توسط پیشمرگان گوموله در اطراف بوکان به تصرف درمی‌آید.

گزارش تظاهرات ۲۷ اکتبر ۸۴

آلمان (هانور)

برعلیه "کوچ اجباری"

به دعوت کمیته همبستگی با جنبش مقاومت خلق کرد در ایران - هانور روز شنبه ۲۷ اکتبر ۸۴ تظاهراتی در اعتراض به سیاست "کوچ اجباری" و باتشکلیدن و بمباران روستاها و قتل عام روستائیان بی دفاع، و همچنین در دفاع از مقاومت خونین خلق رزمنده کرد بر علیه این سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت بیش از ۱۵۰ نفر از ایرانیان مبارز مقیم هانور و دهها نفر از عناصر مترقی آلمانی، ترک و ... که از این حرکت پشتیبانی کرده بودند، برگزار شد. واحد هانور کمیته خارج از کشور سازمان با دادن اعلامیه و شرکت فعال از این حرکت حمایت نمود.

در تاریخ ۱۵ مهرماه جاشهای پاسداران مزدور روستای "چوبی" را محاصره می‌کنند. مزدوران مردم را جمع کرده و فرماندهان آنان برای مرگ سخنرانی کرده و از روستائیان می‌خواهد که به تسلیح اجباری تن دهند. مردم یک صد اعتراض کرده و می‌گویند که حاضر نیستند برای رژیم اسلحه در دست گیرند. مزدوران همه زحمتکشان روستا را به شهر "نگاب" می‌برند ولی مردم بر مقاومت خود چنان ادامه می‌دهند تا سرانجام مزدوران ناچار می‌شوند آنان را آزاد نمایند.



در تاریخ ۱۵ مهر، رژیم جنایتکار در ساعات اولیه صبح روستای "بیوران" پائین را محاصره کرده و بهیرکس از پیر و جوان و زن و مرد که میرسید، آنها را دستگیر و در ماشینهای کمپرسی و گاز ارتشی سوار می‌کند تا بدین وسیله توطئه شوم خود را برای تخلیه روستاها عملی سازد. عده‌ای از جوانان قبل از اینکه مزدوران سر برسند از روستا خارج شده و فرار می‌نمایند. در این یورش، مزدوران رژیم بمردم امکان و فرصت جمع کردن وسایل زندگیشان را ندادند و روستا را خالی از سکنه مینمایند. مردم "بیوران" به محض وارد شدن بشهر "سردشت" با شعار "مرگ بر خمینی مرگ بر جمهوری اسلامی"، صدای اعتراض خود را بگوش مردم سردشت میرسانند. مردم سردشت در محلهای مختلف تجمع کرده و از وضع اهالی "بیوران" پائین خبر می‌گیرند. مزدوران رژیم وحشت کرده و شروع به تیراندازی می‌نمایند. عده‌ای از جوانان خود را از خود روهایی دولتی به بیرون پرتاب کرده و فرار مینمایند. نزدیک ظهر مزدوران اهالی "بیوران" را به شهر "رابط" برده و بدین ترتیب مردم را آواره و سرگردان در "سردشت" و "رابط" رها می‌سازد. رژیم بالاخره بعد از چند روز بر اثر اعتراض مردم مجبور می‌شود آنها را دوباره به روستاهایشان بازگرداند ولی برای آنها و هم چنین اهالی "بیوران بالا" مهلت ده روزه‌ای تعیین می‌کند که طی این مدت روستاها را تخلیه نمایند. هم چنین رژیم اهالی روستای "بنوخلف" را نیز تهدید کرده که پایاید کوچ کنند و یا چهار خواسته زیر را عملی سازند:

- ۱- به رژیم اسلحه بدهند.
- ۲- کسانیکه را که به سن سربازی رسیدند تا تحویل مزدوران بدهند.
- ۳- خانواده‌های پیشمرگان از فرزندان نشان بخواهند که خود را تحویل رژیم دهند.
- ۴- تمام مردم باید برای رژیم اسلحه بردارند و بسیجی شوند.

مردم روستای "یازی بلاغی" که به زور مسلح شده بودند اسلحه‌های خود را پس میدهند و ۲ ماه است که روستای خود را ترک کرده و احشام خود را به قیمت ارزان فروخته و به دهات دیگری پناه برده‌اند، و به مزدوران رژیم گفته‌اند که حاضر نیستیم برای شما اسلحه در دست گیریم.



"ملاحدر محمد آقا" فرمانده جاشهای مزدور منطقه سردشت، فشار زیادی بر مردم روستای "گورانگ" وارد می‌آورد تا به تسلیح اجباری تن دهند لکن مردم مخالفت کرده و ۱۵ روز است که مردم این روستا به آبادیهای دیگر و یابه کوهها پناه برده‌اند.



در تاریخ ۱۸ مهرماه، بزور مسلح شده‌های روستای "شریف آباد" سلاحهای رژیم را پس دادند و در برابرین سیاست رژیم به مقاومت برخاستند. رژیم برای وا داشتن مردم به تسلیح اجباری ۳ نفر از اهالی را زندانی می‌کند. اما مردم هم چنان بمقاومت خود ادامه میدهند و هم اکنون فقط ۲ نفر از افراد این روستا مسلح هستند.



فرمانده پایگاه "تشلوق" واقع در منطقه "خورخوره" مدتی به آبادی تشلاق می‌رود و از مردم تقاضای مواد غذایی میکند. مردم اعتراض کرده و شروع به راهپیمایی به سمت شهر سقز مینمایند. فرمانده مزدور به دنبال مردم رفته و از آنها درخواست می‌کند و مردم نیز از رفتن به شهر سقز خودداری میکنند.



در تاریخ ۱۳ شهریورماه مزدوران رژیم به روستای "یازی بلاغی" رفته و با آزار و اذیت اهالی از آنها می‌خواهد که به تسلیح اجباری تن دهند. عده زیادی از مردم این روستا به روستای دیگری میروند. مزدوران رژیم تعدادی اسلحه بی‌خشاب و فشنگ به زور به زنان و بچه‌های روستا میدهند.



اهالی روستای "ناخکند" که آنان نیز به زور مسلح شده‌اند، اعتراض کرده و میخواهند اسلحه‌های خود را تحویل بدهند. مزدوران رژیم به ده ریخته و ۱۰ نفر از مردم را به شهر برده‌اند.

دواعلامیه از کمیته کردستان

عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در منطقه بانه

تعرض پیشمرگان به پایگاه برده بوک

عصر روز ۲۹ شهریور گروهی از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) خود را به نزدیکی پایگاه برده بوک در مسیر جاده گاکر-زرزا واقع در منطقه بانه رسانده و در دو سته در اطراف آن مستقر شدند. در ساعت ۷/۵ تعرض پیشمرگان با شلیک موشک آرپی جی آغاز شده و همزمان با آن پایگاه را بزیراشن مسلسلهای خود قرار دادند. مزدوران پایگاه سراسیمه شده و برای مقابله با پیشمرگان مراکز استقرار و اطراف آنها را بزیراشن خمپاره و انواع سلاحهای خود گرفتند. پیشمرگان از دو سو هم چنان مزدوران را در زیراشن خود قرار داده و مراکشان را با گلوله نارنجک اندازی می-کوبیدند.

پس از پایان عملیات پیشمرگان با دستور فرمانده عملیات عقب نشینی کرده و خود را به یکی از روستاهای نزدیک پایگاه رساندند و در آنجا مورد استقبال گرم اهالی قرار گرفتند. از تعداد تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست و

پیشمرگان همگی سلامت باز گشتند. حمله به پایگاه گویزلی در مسیر جاده بانه - سردشت

در عصر روز ۲۳/۷/۵ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در سه دسته بطرف پایگاه گویزلی در مسیر جاده بانه - سردشت حرکت کردند و بعد از استقرار پیشمرگان در اطراف پایگاه در ساعت ۸ عملیات خود را با شلیک آرپی جی آغاز کردند و همزمان با آن دیگر پیشمرگان با سلاحهای متفاوت پایگاه را زیراشن شدید خود قرار دادند. در مقابل پایگاه با خمپاره و سلاحهای دیگر اقدام مقابل نمود و در این حین پیشمرگان آتش خود را بطور موضعی قطع کردند.

پیشمرگان پس از آرام شدن آتش پایگاه یکباره با شمار مرگ پر خمینی سنگرها و محوطه پایگاه را زیراشن مجدد قرار دادند. در این حمله که نیم ساعت بطول انجامید، پایگاه مذکور با خمپاره و سلاحهای دیگر و یکی از پایگاههای مجاور بارگبار

مداوم پدافتد به مدت یک ساعت بعد از عملیات محل استقرار پیشمرگان و اطراف پایگاه را می کوبیدند. بعد از این حمله پیشمرگان سالم و منظم به مناطق از قبل تعیین شده بازگشتند.

انفجار مین

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در جاده گرده رش - گاکر دست به یک سلسله مین گذاری زدند که در تاریخ ۲۸/۶/۶۳ یکی از مینهای جاده گرده رش - گاکر بر روی یکی از مینهای کار گذاشته شده رفته و در مهلاکت رسید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران! برقرار باد جمهوری د مکر تیک توده ای! پیروز باد مبارزات عادلانه خلق کرد! سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته کردستان ۱۷/۷/۶۳

عملیات مشترک پیشمرگان راه کارگر و حزب دمکرات

درجاده پایگاه سربرد - رزه پیر

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و پیشمرگان حزب دمکرات طی یک طرح مشترک در شب ۲۳/۷/۶۳ در جاده پایگاه سربرد - رزه پیر (از توابع بانه) تعدادی مین ضد خود رو تله ای را همراه تعداد زیادی مین ضد نفر در مسیر جاده و در سنگرهای متعدد "تامین" های تپه اطراف جاده کار گذاشتند. پیشمرگان از صبح زود با استفاده از موقعیت جنگلی منطقه در دو سته اصلی، دسته اول در فاصله نزدیک به پایگاه و دسته دوم در مسیر جاده و اطراف سنگرهای "تامین" به کمین دشمن نشستند. در ساعت ۸/۱۰ صبح مزدورانی که برای کنترل جاده از پایگاه خارج شده بودند به نزدیکی سنگرها رسیدند که از چند جهت زیراشن شدند پیشمرگان قرار گرفتند در لحظات اول دو تن از مزدوران بهلاکت رسیدند و بقیه آنها برای مقابله با پیشمرگان بطرف سنگرها میگریختند که یکی پس از دیگری بر روی مینهایی که شب قبل کار گذاشته شده بود میرفتند و بهلاکت میرسیدند. مزدوران در اثر انفجار مینها و رگبار مداوم پیشمرگان سراسیمه شده و بسوی پایگاه پناهنده فرار

میگذاشتند. پیشمرگان نیز به آنها مهلت نداده و در زیراشن بی امان سلاحهای خود قرارشان میدادند. با آغاز عملیات دسته دیگر پیشمرگان که در نزدیکیهای پایگاه مستقر شده بودند حمله خود را به پایگاه شروع کردند و آنرا با موشک آرپی جی و سلاحهای دیگر میکوبیدند. در نتیجه اصابت موشک آرپی جی ۷ یکی از سنگرهای اجتماعی پایگاه منهدم و افراد مستقر در آن تماما کشته و زخمی شدند. پایگاه مذکور و یکی از پایگاههای مجاور برای رها مینهای مزدوران از آتش پیشمرگان، محوطه درگیری و روستاهای اطراف را بطور دیوانه واری به زیراشن خمپاره و آرپی جی و سلاحهای دیگر گرفته بودند که در نتیجه آن یک دختر بچه ۸ ساله زخمی و دو خانه در روستای سربرد آسیب دیدند. پیشمرگان برای جلوگیری از تلفات خود و مردم منطقه بطور منظم عقب نشینی کرده و خود را به اولین روستا رساندند. پس از آرام شدن منطقه در ساعت ۱۰/۵ یک آمبولانس برای حمل زخمیها وارد پایگاه شده بود. هنگام بازگشت بر روی یک مین قوی ضد خود رو که در مسیر جاده کار گذاشته شده بود، رفته و یکی منهدم شده

و سرنشینانش اکثر بهلاکت رسیدند. هم چنین در ساعت ۱۲ ظهر یکی دیگر از مینهای در زیرپای مزدوران "تامین" جاده که وارد سنگرهای خود شده بود منفجر گردید و یکی دیگر از آنها را بهلاکت رساند. در این عملیات بیش از ده تن از مزدوران بهلاکت رسیده و تعداد بیشتری از آنها زخمی شدند. پیشمرگان پس از پایان عملیات به روستاهای اطراف رفته و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند و تیم امداد پیشمرگان در روستای سربرد دختر بچه ای را که در اثر اصابت ترکش خمپاره مجروح شده بود مداوا نمودند. در این عملیات هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران! برقرار باد جمهوری د مکر تیک توده ای! هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان ۱۷/۷/۶۳

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست!

جنبش پارچه‌بانی

اعتصاب خونین در ترانسوال

بعد از تجدید نظر در قانون اساسی که به سیاه پوستان و رنگین پوستان اجازه میدهد (که در قدرت سهیم شوند) شورش و اعتصاب سرتاسر آفریقای جنوبی معادن و مدارس را فرا گرفته است. در مدت چهار ماه بیش از ۲۰۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شده‌اند. در اکتبر پلیس برای ورود به شهر کپا ناگزیر بود از ارتش نیز کمک بخواهد. نیروهای مخالف اپارتاید که در رأس آنها اکنون سازمانهای سیاسی و سندیکا‌های کارگری قرار دارند تنها خواسته‌های بیواسطه خود را افزون تر ساخته‌اند بلکه مواضع سیاسی خود را نیز سرسخت تر کرده‌اند. درخواست اعتصاب همگانی ۲ روزه در ترانسوال مورد حمایت جمعیت سیاه بویزه در شهر کپا قرار گرفته است. در نخستین روز اعتصاب همگانی ۹ کشته و دهها زخمی بجای ماند. ۹۰٪ کارگران در اعتصاب همگانی شرکت جستند و ساختنهای پلیس بوسیله کوکتل مولوتف به آتش کشیده شد. اعتصابیون از تانک‌تیک "در خانه بمان" استفاده کردند.

شیلی :

جنبش مقاومت به پیش می‌رود

سیام اکتبر، شیلی شاهد تظاهرات سراسری گسترده‌ای تحت عنوان "روز اعتراض ملی" علیه دیکتاتوری پینوشه بود. در همایش کشته و زخمی بیلان این تظاهرات بود که در محلات کارگری و زحمتکش نشین به سنگر بندی و جنگ تن به تن با مژده‌وران سرمایه تبدیل شده بود. اما اگر تظاهرات خیابانی، دست‌انگیزان کشیدن و زد و خورد در این روز، بیانگر شایهت و تداوم اشکال اعتراضی تانگونی بود، ابعاد وسیع شرکت توده‌های کارگر و زحمتکش، بکارگیری قهر توده‌های و حضور فعال و نسبتاً آشکار نیروهای چپ مشکل در "اتحاد مکرانیک" توده‌های "در این تظاهرات بیانگر فانونی بود که مبارزه ضد دیکتاتوری مردم شیلی بایدان گذارده است. یوبلا درها (حاشیه نشینان)، کارگران صنعتی و دانشجویان انقلابی دوشادوش یکدیگر راه را بر ما موران پلیس بستند، ماشینهای آنان را به آتش کشیدند و خشم انقلابی مشترک خویش را نسبت به سیاستهای ضد مردمی و خانمانسور رژیم دیکتاتوری پینوشه بیان داشتند. خون کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی در خیابانهای سانتیاگو، والپارائیسو و دیگر شهرهای شیلی، در متن جنبش - مقاومت ضد دیکتاتوری، درهم آمیخت.

پاسخ پینوشه جلا و زتنالهای هم پالک‌اش به این اوج نوین مبارزاتی، اعلام مجدد برقراری حکومت نظامی وید نیال آن دستگیری وسیع مبارزین، فعالین سندیکاها و شخصیت‌های سرشناس اپوزیسیون بود تا امروز بیش از سیصد تن دستگیر شده‌اند اما تظاهرات همچنان ادامه یافته است.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

بدخواست اتحادیه کارگران شوروی دولت شوروی، بمنظور افزایش فشار بر دولت انگلیس که تمامی تلاش خود را برای جبران کمبود زغال سنگ ناشی از اعتصاب از طریق واردات بکار میرود، صدور هر نوع مواد سوختی بمقصد انگلستان را متوقف کرده است. این حرکت اخیر، علاوه بر کمپانی است که تاکنون کارگران شوروی در جهت یاری رساندن به معدنچیان اعتصابی برای آنان فرستاده‌اند اتحادیه‌های کارگری مجارستان و چکسلواکی با جمع آوری کمک مالی و مواد مورد نیاز بیاری معدنچیان برخاسته‌اند.

کارگران فرانسوی مشکل در سندیکای (CGT) / کنفدراسیون عمومی کارگران) با ارسال ۲۵ تریلی حامل ۴۰۰ تن غذا، پوشاک، دارو و سایر مواد ضروری زندگی بهمراه یک چک ۷۰۰ هزار فرانکی برای معدنچیان اعتصابی و خانواده‌ها - ایشان به مقابله با سیاست فشارمادی تساهل سرحد گرسنگی دادن که از جانب دولت تاجر و سرمایه‌داران انگلیس دنبال میشوند برخاسته‌اند.

جمع آوری و کمک و جلب پشتیبانی افکار عمومی در حمایت از معدنچیان اعتصابی، امروز بصورت سمبل همبستگی بین المللی کارگران درآمده است. سندیکای کارگران و مهندسان صنایع فلزی آلمان ۱۰۰ هزار پوند (معادل ۱/۲ میلیون تومان) به معدنچیان کمک نقدی نمود. کارگران زلاند نو هزاران کیلو گوشت گاو و گوسفند ارسال داشته‌اند و کنگره کارگری کانادا ۱۰ هزار پوند (معادل ۱۲۰ هزار تومان) به معدنچیان کمک مالی نمود.

ترکیه :

دیکتاتور خون می‌ریزد

نظامیان کودتاجی، در ادامه سیاست "نظم و ثبات" برای سرمایه‌داران، تاکنون دهها تن از انقلابیون در بند رابه چوبه‌های دار سیر شده‌اند. ماه پیش رفیق حیدر اصلان رزمنده برجسته ترک از رهبران سازمان "راه انقلاب" (دوبول)، در پیشگاه سرمایه و امپریالیسم قربانی شد. شهادت او که از رهبران سرشناس جنبش چپ ترکیه بشمار میرود، موجی از انزجار را در میان افکار عمومی جهان دامن زد. ما ست فریاد اعتراض خود را علیه جلاان یونیفورم پوش حاکم بر ترکیه رسالت سازمان ما منع از ادامه کشتار انقلابیون اسیر کردیم.

نیکاراگوئه : ارتش خلق حافظ انتخابات

در تاریخ ۴ نوامبر (۱۳ آبان) اولین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان در نیکاراگوئه بعد از انقلاب، برگزار شد. امپریالیسم آمریکا و وابستگانش در این کشور، با تحریم انتخابات و حمله شدید ضد انقلابیون مسلح همزمان با این انتخابات سعی در برهم زدن نظم آن از سوئی و بی اعتبار کردن آن از جانب دیگر داشتند. آنها امید داشتند که تحت تاثیر بایکوت محافظه کاران، انتخابات با اقبال توده‌های روبرونگردد. زهی خیال باطل! اکثریت عظیم صاحبان حق رای در این انتخابات، با نظم و ترتیب انقلابی، شرکت کردند و با این حرکت خود نشان دادند که ساند نیسم برآستی نماینده توده مردم است. رفیق دانیل ارتگا، گاندیدای جبهه ساند نیست با کسب نزدیک به ۷۰٪ آراء به مقام ریاست جمهوری نیکاراگوئی انقلابی انتخاب شد. بزرگترین حزب اپوزیسیون (نیروهای دمکرات و ملی) نتوانست بیش از ۱۳/۵ درصد آراء را کسب نماید. ناظرین بین المللی که بر انجام این انتخابات نظارت می‌کردند، حتی یک نمونه از تخلف را گزارش نکردند (لوموند ۶ نوامبر). برگزاری این انتخابات و پیروزی ساند - نیستها در آن راکه مشت محکمی بر پوزه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلابیون سازماندهی شده است، به دولت و مردم انقلابی نیکاراگوئه تبریک می‌گوئیم.

شهادت کمال ازگول

کارگر مبارز ترک

کمال ازگول کارگر مبارز ترک و عضو (CGT) (فدراسیون عمومی کارگران فرانسه) که همراه سایر رفقای کارگرش برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق قصد اشغال کارخانه را داشتند با گلوله‌های محافظان مسلح کارفرمای جنایتکار مواجه شده و در نتیجه کمال ازگول به شهادت رسید. سه تن دیگر از کارگران مجروح شدند. در اعتراض باین جنایت سرمایه‌داران، به دعوت (CGT) و سایر سازمانهای مترقی فرانسوی و خارجی یک راهپیمایی وسیع در پاریس برگزار گردید که بیش از ۱۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند. شعارها عبارت بودند از: فاشیست، نژاد پرست، کارفرمای قاتل، زنده باد همبستگی کارگران، کارگر فرانسوی، کارگر خارجی، کارفرمای واحد، مبارزه واحد.

واحد پاریس کمیته خارج سازمان ما با شرکت و پخش تراکت از این حرکت حمایت نمود.

مسئله مسکن و ...

مسئله مسکن باشد. بدون قدرت شورائی به رهبری طبقه کارگر راه‌حلی‌ای اتخاذ شده برای حل مسئله در بهترین شکل خود تنها بیک رشته رفرم محسوسدود خواهد ماند.

همانگونه که در قبیل اشاره رفت کارگران و زحمتکشان باید در مبارزات روزمره خود برای مسکن بعنوان یک درخواست بیواسطه اهمیت لازم را قائل شوند مجموعه این مبارزات نه فقط با توجه به تعادل قوای انقلاب و ضدانقلاب قادر خواهد بود دولت ارتجاعی فقها را به درجات معینی از عقب‌نشینی وادارد، بلکه در همان حال تشککل و آگاهی بدست آمده در این مسازرات شتوانه و راهگشای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

مسکن و

پیکار طبقاتی جاری

مسئله مسکن در شرایط حاضر یکی از حادثترین مشکلات کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. بحران مسکن در مسان توده‌های حاشیه تولید خلعت انفجاری دارد. از همینرو لازم است کسه سازمانگران جنبش انقلابی توجه ویژه‌ای به این درخواست بیواسطه توده‌های تهیدست مددول نموده و در رهبری اعتراضات آنها بطور فعال شرکت جویند، مسئله مسکن در کنار خود نیاز به خدمات شهری از قبیل آب و برق، خیابان کشی و اسفالت خیابانها، تامین و توزیع ارزاق... را مبادریند که حاشیه شهرها از آنها محروم‌نشد. مجموعه این مسائل بصورت مطالبات بیواسطه، حاد و عاجل توده‌های حاشیه شهرها عمل میکند که در سازماندهی اعتراضات باید حول آنها متمرکز شد و به قدرت بالای برانگیزاننده آنها واقف بود. حرکات پی در پی ای (اگرچه برآکنده و کوتاه مدت) که در حاشیه شهرها بوقوع میبویند شاد خومی سر این مدعاست. در میان مجموعه مطالبات بیواسطه حول دوفقره از آنها باید بیشتر متمرکز شد که عبارتند از: (۱) عدم تخریب خانه‌ها توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم و مالغای ماده ۱۰۰ سابق شهر - داری که تا ظر بر تخلصه و تخریب خانه‌هاست

(۲) تامین خدمات شهری از قبیل آب، برق، خیابان کشی و اسفالت خیابانها. توده‌های تهیدست حاشیه شهرها - کرات در برابر هجوم مزدوران جمهوری اسلامی برای تخریب خانه‌ها مقاومت‌های درختانی نموده‌اند و به دفعات مهاجمین را وادار به عقب‌نشینی ساخته‌اند. در مورد خدمات شهری نیز نمونه‌هایی از قبیل افسریه بوقوع پیوسته کسه موجب تائید و تحسین همه کارگران و زحمتکشان گشته است. برای تقویت و گسترش این نوع اعتراضات باید

مقاومت زحمتکشان در مقابل ما مورین تخریب

— که با شنیدن صدای الله اکبر، مردم از خانه‌ها بیرون ریخته و با چوب بسه پاسداران حمله می‌کنند. مزدوران رژیم وحشت کرده پا بفرار می‌گذارند. سپس از ساعتی، در همان شب پاسداران مزدور دوباره بمنطقه برگشته و مردم را بمسجد دعوت می‌کنند. مردم بمسجد رفتند و پاسداران به آنان می‌گویند: "ما برای حمایت از شما آمده بودیم و نه برای سرکوب شما!" مردم که می‌بینند، پاسداران عقب نشینی کرده‌اند، می‌گویند: "خیلی خوب، ما را با شما کاری نیست و شما بروید." با رفتن پاسداران مردم شبانه و با سرعت تمام به ساختن خانه‌ها ادامه میدهند. (از اخبار رسالی نشریه "پیک کارگران" وابسته به سازمان)

در جاده نظامی واقع در جاده ورامین که یک منطقه زحمتکش نشین می‌باشند، از مدت‌ها پیش زحمتکشان برای خود سر پناهی ساخته و میسازند. در اوایل آبان ماه ۶۳، ما موران شهرداری بمنظور تخریب خانه‌ها بمنطقه می‌آیند که در اثر مقاومت زحمتکشان و با درگیری بین ما موران شهر - داری با مردم، ما موران شهرداری مجبور بفرار میشوند. شب حادثه همان روز، پاسداران بمنطقه وارد میشوند. لازم به توضیح است که زحمتکشان از قبیل ورود شبانه پاسداران را پیش‌بینی نموده و بنا خود قرار می‌گذارند. وقتی شب پاسداران آمدند، یک نفر الله اکبر گفته و بقیه با شنیدن صدای الله اکبر از خانه‌ها بیرون بیایند

تشکلهای توده‌ای در محلات زحمتکش نشین را سازمان داد و در هر محله‌ای منطبق با شرایط ویژه‌اش بشروطترین کارگران و زحمتکشان را متشکل ساخت. اتکال کوناگون مسازرات جاری در محلات ما بندگو مارنوسی بر علیه تخریب خانه‌ها و استرداد و واگذاری زمینها به مالکین سابق، تجمع و تحنن در محله به تصداعمال فشار، مقاومت عمومی‌هایی در برابر تخریب خانه‌ها، ضرب و تهم مزدوران که برای تخریب مساکن هجوم می‌آورند... و نکال مثاله اعتراضات برای آب، برق، خیابان کشی و بد توسط سازمانگران و تشکلهای توده‌ای بر علیه ارگانهای رنگارنگ رژیم فقها و اسنمثارگران سازمان داده نمود.

در مقاومت‌های زحمتکشان بر علیه تخریب خانه‌ها و دستیابی به خدمات شهری زنان زحمتکش نقش بسیار سرچشمه‌ای دارند. تشکلهای توده‌ای محلات باید با توجه به این حقیقت تلاش لازم را برای جلب سازماندهی زنان کارگر و زحمتکش بعمل آورند.

کنندگان و رسکسته روستاها که از سی تا مین نان بخور و نمیر خود آواره شهرها شده‌اند و با رژیم فقها؟ همانگونه که در آغاز این مقاله اشاره رفت بحران مسکن محصول بحران ساختی نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران است و رژیم جمهوری اسلامی بمثابه رژیم بحران و رژیم استعمار و تعمیق بحران اقتصادی - اجتماعی موجود در جامعه بنظرسور تصاعدی و رشکستگی بخش کشاورزی را تشدید ساخته و خرده تولید کنندگان روستایی را بیش از پیش به خاک سیاه نشانده است. بنابراین رژیم جمهوری مسب همه ممانع و فلاکت عظیمی است که زحمتکشان درمانده راه شهرها فرار میدهد. زحمتکشان حاشیه شهرها باید طالب امنیت منازل خود و بهره‌مندی از خدمات شهری باشند. کاهش جمعیت شهرهای بزرگ باید از طریق ایجاد کار و مسکن مناسب برای زحمتکشان در سایر مناطق صورت بپذیرد نه از طریق تخریب

مسئله مسکن و ...

خانه‌ها و به رگبار بستن تهیدستان . فعالین و سازمانگران باید از طریق تبلیغ و ترویج ایده "جهکسی مسئول بحران مسکن و مهاجرت زحمتکشسان از روستاها به شهرهاست؟" همدردی و همدلی کارگران و زحمتکشان در حمایت از مبارزات تهیدستان حاشیه شهرها را برعلیه رژیم فقها جلب کنند .

در شرایط برآمد موج انقلاب و تبدیل وضعیت تدافعی جنبش توده‌ای به وضعیت تعرضی، شورشها و عصیانهای توده‌های حاشیه تولید رشد یافته و یکی از آماج‌های آن مسئله مسکن خواهد بود . در چنین شرایطی برای ارتقاء ظرفیت جنبش انقلابی باید اهداف روشنی را فراروی این طبقات نهاد . معادله انقلابی مستعلات و خانه‌های سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، بخشی از ساختارهای بزرگ منطبق به دولت و سپاه‌های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و خانه‌های خالی میتواند در نما را بین هدفها باشد . عمل معادله باید سه اتکاء جنبش مستقیم توده‌ای و گسترش استکرات انقلابی توده‌ها در جریبان گسترش توان تعرضی

جنبش باشد . در شرایط تعرضی — موج انقلاب طرح اقدام معادله انقلابی سه اتکاء عمل مستقیم توده‌ها ، لایه‌های حاشیه تولید رابه صف آراشی و رویارویی قاطع با رژیم جمهوری اسلامی کشاننده و عبار انقلابی این جنبش را تقویت خواهد نمود . در جریان سازماندهی معادله انقلابی رژیم فقها خواهد کوشید با عنوان نمودن این برحسب که " شورشیان طالب لغو مالکیت خانه‌ها در همه سطوح هستند " و احتمالاً با اتکاء به هرج و مرجهای موجود در جنبش انقلابی اقشار متوسط شهری را دچار هراس نموده و آنها را در برابر توده‌های حاشیه تولید قرار دهد . برای فائق آمدن بر این هراس و برای جلوگیری از انزوای اردوی انقلاب و غلبه بر هرگونه تمايلات احتمالی هرج و مرج طلبانه ضروری است . از همسر و با سده ننگات زیر توجه شود : اولاً معادله انقلابی باید توسط ارگانهای توده‌ای مانند کمیته‌های توده‌ای و پانوراهای محلات سازمان داده شود . مساکن معادله شده باید در اختیار زحمتکشان بی سرپناه نهاده شود و ارگانهای که باید بر حسن انجام امور نظارت کنند

همان کمیته‌ها و پانوراهای محلات خواهند بود . ثانیاً معادله باید متوجه سرمایه‌داران ، زمینداران و پانوراهای دولت حامی آنها با تدوین اقشار متوسط شهری . این تفکیک خطر تقابل دویخشان از زحمتکشان را از میان برده آنها را در برابر طبقات استثماری و دولت ارتجاعی فقها متحد خواهد نمود .

در شرایط حاضر هزینه مسکن یکی از عمده‌ترین هزینه‌های است که در آمد کارگران را سددت کاهش میدهد . همانگونه که اشاره رفت اجاره خانه سختی از درآمد کارگران است که زمینداران ، صاحبان مستغلات و بورس بازان صرفاً به علت مالکیت بر زمین و ساختمان از آن خود سازند . کارگران که در شرایط حاضر برای افزایش دستمزدها می‌کنند باید نکوشند تا با این بخش از بهره‌کشی نیز مبارزه کنند . مبارزه برای کاهش اجاره شکلی از مبارزه برای افزایش دستمزد بوده و هر دو تجلی مبارزه واحدی برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران است . از آنجا که کارگران فاقد ساز و موثر و مستقیم برای فشار بر زمینداران و بورس بازان

بقیه در صفحه ۲۹

درگیری اعضای شرکت تعاونی مسکن دانشگاه با موریان شهرداری

پس از گذشت سه سال از تأسیس شرکت تعاونی مسکن دانشگاه ملی ، اعضای شرکت تعاونی برای پیگیری مساله زمین تهیه مسکن ، هیئت مدیره جدیدی را انتخاب می‌نمایند . هیئت مدیره جدید ، نقشه زمین را (زمینهای ولنجک واقع در پشت دانشگاه) تهیه و در اختیار پرسنل قرار میدهد و با اقدامات قانونی و مذاکره با مقامات دولتی خواستار تحویل زمینها میشود . پرسنل چندی هیئت مدیره تعاونی متوجه میشود که زمینهای فوق به دهها شرکت تعاونی دیگر نیز فروخته شده است و از اینرو تنها راه پس گرفتن زمین را توسل به اقدام مستقیم و دسته جمعی پرسنل می‌دانند . در یکی از روزهای اوایل تیرماه ۶۳ ساعت ۹ صبح از دانشگاه و بیمارستانهای وابسته بان پرسنل عضو تعاونی دسته دسته بیابا سرویسها به سر زمینهای که بخاطر آن سه سال است شرکت تعاونی مسکن تشکیل داده اند و پول آنها نیز پرداخته اند حرکت کرده و شروع به خط کشی و قطعیه بندی زمینها می‌نمایند . چون تعداد آنها بسیار و زنان زیادی نیز از اعضای شرکت آمده بودند ، قرار می‌گذازند که فردا مجدداً بازگردند . هیئت مدیره با توجه به امکان دخالت موریان دولتی برای جلوگیری از تقسیم زمینها ، به همه پرسنل اطلاع میدهد

که با هیچکس درگیر نشده و موریان دولتی را به هیئت مدیره ارجاع دهند . فردای آنروز ، هیئت مدیره با توافق قبلی با اعضای چهل گامیون اجر در سر زمینها تخلیه کرده و اعضای شرکت تعاونی را به دسته های مختلف تقسیم و مشغول کار میشوند . از همان اول صبح سر و کله جاسوسان و خیرچینان کمیته پیدا شده و دیری نمی‌گذرد که شهرداری شمیران با اسباب و تجهیزات کافی ، بولدوزرها گامیون و دهها ماشین کمیته "ضربت" برای حل مساله از طریق سرکوب فوری و تخریب حاضر میشوند . موریان شهرداری و کمیته شروع به پرخاش نسبت به پرسنل تعاونی نموده و کار آنها را ضد انقلابی و غیر قانونی می شمارند . اعضای تعاونی با گفتن اینکه : قانون از سرمایه دارها و تجار حمایت کرده و اینکه هر اقدام "مستضعفان" را که برای تهیه سرپناهی صورت می‌گیرد ضد انقلابی و غیر قانونی قلمداد میگرد ، به پرخاشهای موریان شهرداری و کمیته پاسخ دادند . شهردار که وضع را این چنین می‌بیند به راننده بولدوزر دستور میدهد اجرها را به گامیون ریخته و شروع به دادن فحشهای رکیک به زنانی که مشغول کار شده بودند می‌نماید . این اقدام شهردار با عکس العمل شدید پرسنل روبرو شده و درگیری شدت

شروع میشود . کمیته چیها پرسنل را که از استادان دانشگاه ، مدیر ، پزشک ، تکنسین ، پرستار ، کارکنان و کارگران و اعضای انجمن اسلامی بیمارستانهای جرجانی ، لقمان الدوله ، طالقانی ، هشتم شهریور و ... بودند دسته جمعی اعتراض کرده و بیان میکنند "ما اخلاکگر نیستیم ، فقط زمین می‌خواهیم" دستگیر و مصلحتاً کتک میزدند . تعداد دستگیر شدگان به ۲۹ نفر میرسد . اعضای هیئت مدیره نیز جزو کتک خورده‌ها و دستگیر شدگان بودند که آنها را مجدداً در کمیته سعدآباد به سختی کتک میزنند . در پی اعتصاب پرسنل دانشگاه و بیمارستانهای نامبرده شده ، روز بعد همه دستگیر شدگان را به دادسرا میبرند و همه را آزاد میکنند که در جلوی دادسرا با استقبال گرم کارکنان دانشگاه مواجه میشوند . بدنبال این حوادث ، شهردار اخراج و کمیته چیها معذرت خواهی می‌کنند و مقامات دولتی قول میدهند که بزودی مساله زمین و مسکن آنها را حل نمایند . (به نقل از "نظم نوین" ۳ - مهرماه ۶۳ - نشریه محلی شرق تهران - وابسته سازمان)

تقدی بر پینش . . .

مقابل انتظار اکثریت مردم به سازش بگشایند، مدل میگردند... شوراها بدون یک انقلاب غیر ممکن اند. بدون یک انقلاب پرولتری، آنان ناگزیر به کاریکاتور شوراها واقعی میگردند. (مجموعه قطعاتی چهار کنگره اول کمترین، متن انگلیسی صفحه ۱۲۹). تجربه کلیه انقلابات و منجمله جنبش انقلابی در کشور ما ثابت میکند که شوراها مشابه با بهای قدرت توده‌ای تنها در شرایط اعتدالی انقلابی توده‌ای و حیران عمیق در "بالائیها" میتواند پدید آید و با افول جنبش انقلابی توده‌ای، شوراها ضرورت وجودی خود را از دست میدهند و به انحلال و انحطاط میگردند. از اینرو بود که وقتی خروستالیف نخستین رهبر شورای نمایندگی کارگران سنت پترزبورگ در تاستان ۱۹۰۶، پس از آنکه موج انقلابی فروکش کرده بود، بسطیاد ایجاد شوراهای نمایندگی کارگران را داد، لنین با این بسننها مخالفت کرد. مجموعه ابن نحارت (و بسننله تحریک انقلاب بیمن) مؤداسن حقیقت هستند که بسدانش شوراهادر "دوران نسام و اولسن سالیای سعداز آن" سپسوحوسه نسادفی نبوده بلکه نسبنا نحت نسسن سراطی، بسدانش شوراهامسکن است. آقای تقوائی قادر به درک اسنن حقیقت نسست، از اسنرو در سراطی که موقعیت انقلابی در کشور ما وجود دارد و سارزات کارگران عمدتا حصلتی تدافعی، اقتصادی و سراکنده دارند، وی سعار نسکیل شوراهارابش مسکد، ساسسد، آقای تقوائی ایجاد شوراهاسنن نمایندگی کارگران رامد نظرنسدادرد بلکه کمسسه‌های کارخانه راکه در حنس کمونسستی ماه شوراهامصلح شده‌اند، مورد توجه دارد. در آن صورت، ساسسد ضمن تذکر محدد در ساره ابسکسسه کمسسه‌های کارخانه نسکیل حزبی نسستند، بسکوشم که کمسسه‌های کارخانه نسسز محمول وجود وضعیت قدرت دوگانه در واحد تولسد مباسسد و وظفسه بلاواسطه سار اعمال کنسزل تولسد توسط کارگران است. آیا سارزات طسقه کارگر، امروزه در موضع سسرضی قرار دارد و اعمال کنسزل تولسد در مرکز سارزات کارگری است؟ ساسخ، حنانکه واقعیات سروسننسان

میدهند (و این البسه به میکروسکوبهای قوی نیاز ندارد) منفی است. بسنا برای بس ایجاد شوراهادر لحظه حاضر، به چه چیزی بسز "شوراهای" مصنوعی "پرسهاهو" کسدر بسترین حالت به مجامع کوچکی که ابده‌آلهای قدرت شورائی را تقلبسد میکنند و در بسترین حالت به "شوراهای" بسچی که نسنا قادرند این ابده‌آلهارادر مقابل انتظار اکثریت مردم به سازش بسکنند، بسدل میگردند؟ بعلاوه سنا سیکه آقای تقوائی مسگوید "خواست تشکیل شوراهای" امروزه به بکی از مطالعات اساسی توده‌ها "تسدیل شده است، ساسسد معنای ابن "مطالسه" را سسربح نسماسد، آیا سارزه کارگران در لحظه حاضر عمدتا حصلت تدافعی، سراکنده و اقتصادی دارند یا نه؟ آقای تقوائی به اسسن سسش ساسخ مسشت مسبدهد، سنا سیکه مسنوسد: "در سراط حاضر سارزات کارگران دارای حصلتی تدافعی بوده و به خواستهای منفی و فابربکی محدود مانده است" (سرسه کمونسستی سماره ۱۱) بسنن آیا در لحظه حاضر کارگران، شوراهامطالسه میکنند تا در واحدهای تولسد کنسزل خود را اعمال نمایند و قدرت دولتی نسین را بسوجود آورند؟ بسسوحه! بسنن مطالسه سورااز جاسب کارگران به چه معناسست؟ ابن نسنا بسدن معناسست که سردمداران جمهوری اسلامی و سسرخي از روحانیون صاحب نفوذ نظیر آست‌الله طالقانسسی نوانسسته‌اند مفهوم شوراهارادر ذهن کارگران مسخ نمایند و به شوراسننا به ساسه قدرت دولتی کارگران وزحمتکشان و ارگان اعمال کنسزل کارگری، اختبارات و وظابف دیگری رانسست دهند (نظیر شوراسننا به ارگان مسورت کارگران با مسدیریت یا ارگان اسراز مسنکل خواستهای منفی ورفاهی). در حال حاضر، ساسسوحه به سی اعتباری رژیسم جمهوری اسلامی در سزد و سسعبسربسین توده‌های کارگر، شوراهای اسلامی کارخانجات (که علاوه بر انجمنهای اسلامی نسنا ارگانی است که از لحاظ قانونی بسسست سناخته شده) در اکثریت قریب به اتفاق واحدهای تولسد، مسدل به ارگانهای انصناسی سسکوبسگر سده‌اند. در سساری از کارخانجات، کارگران انتخابات ابن "شوراهای" فرماسشی را سسربم کرده‌اند و در آن

مواردی که کارگران در انتخابات "شوراهای" اسلامی شرکت کرده‌اند نسنا کوشیده‌اند از ابزارهای قانونی نسز برای مبارزه علیه سرمایه‌داران و دولت استفاده نمایند. مطالبه تشکیل "شوراهای" در لحظه حاضر (یعنی در وضعیت تدافعی جنبش کارگری) نسنا بیان محکومیت "شوراهای" انتصابی سسکوبگر از جانب کارگران و سسلاش آنان برای استفاده از پوششهای قانونی جهت بسگیری در مبارزه اقتصادی ورفاهی علیه سرمایه‌داران و دولت است. دققا بسلیل ابسکه رژیسم جمهوری اسلامی برای اعمال سسادت خود در کارخانه‌ها "شوراهای" اسلامی استفاده میکنند، کمونسستها موظفند تا ذهن کارگران رادرباره شوراهاسننسان یا به‌های قدرت دولتی وارگان اعمال کنسزل بس تولید روشن کنند و نگذارند استفاده از ابن پوشش قانونی برای کارگران ابن توهم را بسوجود آورد که گویا شورا ارگان مبارزه بسسرای افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار روزانه و بسببب وضعیت رفاهی کارگران است، و اما آقای تقوائی، با مسخ مفهوم شوراهای ابن توهم را در میان کارگران دامن میزند و سسعار "شوراهای" را بسوسله‌ای برای بسسازش بسدن ابده‌آلهای قدرت شورائی در مقابل انتظار اکثریت کارگران بسدل میکنند. سراسنام آنکه آقای تقوائی، بسلیل عدم درک نسش شوراهای، بسنن ارگان رادرمقابل سسندبکا قرار مسبدهد و مبنوسد: "چرا بسا وجود بسدایش وگسش وسبع جنبش شورائی در دوران قسام و اولین سالیهای بعد از آن، و بسا وجود آنکه خواست تشکیل شوراهای بسکی از مطالبات اساسی توده‌های کارگر... تسدیل شده است، با ابن همه کمونسستها ساسسد برای تشکیل سسندبکاها مسسارزه کنند؟" عسارات مذکور نشان میدهد که بسنسنده نسبفهمد که اولا شوراهادر سراط موقعیت انقلابی بسدید می‌آیند و وظبفه آن اعمال کنسزل بسرتولسد و ایجاد بسببب‌های قدرت دولتی بسسسن مباسسد، حال آنکه سسندبکاسنا، ارگانهای پایدار طسقه برای مبارزه حول افزایش دستمزد، ساعات کوتا سستر کار و بسببببب وضع رفاهی کارگرانند. بقیه در صفسه ۲۴

نقدی بر پینش ...

ثانیا مبارزه برای تشکیل سندیکاها بهیچوجه با مبارزه برای شوراها منافات ندارد، همانطوریکه اعتلای انقلابی توده‌ای نه تنها موجبات نفسی مبارزه اقتصادی طبقه رافراهم نمی‌آورد بلکه سبب توسعه این مبارزه و تلفیق موثر و توده‌ای آن با مبارزه سیاسی میشوند. در صورت یک اعتلای انقلابی توده‌ای، تنها این حقیقت را باید حساب آورد که سندیکاها ارگمان مناسب و موثر برای اعمال کنترل بر تولید نیستند و از اینرو وظیفه سازمان‌دادن شوراهای نمایندگی و کمیته‌های کارخانه به محور فعالیت کمونیستها جهت سازمان‌دادن توده کارگران مبدل میشود. و اما ببنیم احتجاجات "متخص" نویسنده درباره مطالبه اساسی کارگران سنی برای جاد سوراها کدامند.

ج (احتجاجات آنا رشیستی

درباره تشکیل شوراها

در لحظه کنونی

احتجاجات آقای تقوایی را درباره ضرورت تشکیل شوراها در لحظه کنونی، میتوان در سه مولفه جمع بندی کرد: اول وجود ایده سوراها و خواست اعمال اراده شورایی در ذهن کارگران. دوم انگیزه و دلایل مبارزه کارگران که بدلیل حطت انفجاری خود میتوانند سرعت حطت تعرضی پیدا کنند، سوراها میتوانند کارگران را بوضعیت تعرض سوق دهند. سوم برای ایجاد ارگانهای توده‌ای بمثابه ابزار قیام و ارگان جمهوری منبعث از قیام، سازداز هم اکنون سوراها راپایه گذاری کرد. یکایک این اصطلاح "استدلالات" را مورد مطالعه قرار دهیم، اما مستتر خوبست این عبارت لنین را بخاطر آوریم: " نادرستی احتجاجات آنا رشیستها در کجا نهفته است؟ این نادرستی در این واقعیت نهفته است که بدلیل عقاید اساسا نادرست ایشان درباره مسیر تکامل اجتماعی، آنان از بحساب آوردن ویژگیهای وضعیت سیاسی (واقتصادی) در کشورهای متفاوت کسه اهمیت ویژه این با آن وسیله مبارزه را برای یکدوران معین زمانی تعیین میکنند، ناتوانند." (کلیات آثا رلنین

جلد ۱۶ صفحه ۳۴، تاکید و مطالب درون پراشتز از لنین است) اکنون اولین جنبه " استدلالات " آقای تقوایی را در نظر بگیریم. وی مینویسد: "حتی امروز، سه سال بعد از یورش وسیع رژیم به جنبش کارگری و بازس گرفتن کلیه دستاوردهای قیام، هنوز یورش بورژوازی نتوانسته است که ایسده شوراها و خواست اعمال اراده شورایی را از ذهن کارگران بزداید. هنوز هر گاه که کارگران برای تحقق خواست معینی بیامی خیزند، مخالفت سوراها موجود و تشکیل سوراها ی کارگری یکی از انگیزه ها و خواسته های آنان را تشکیل میدهد و رژیم جمهوری اسلامی هنوز ناگزیر است که در مقاله با جنبش کارگری، سیاست سرکوب خود را با تأیید لفظی شوراها و سخن گفتن از مکان و مرتبت والای آنها در اسلام همراه کند" (نشره کمونیست شماره ۱۱ تاکدها از ماست). آنا نویسنده از عبارات خود سردر میآورد؟ وی میگوید رژیم " کلیه دستاوردهای قیام" را از کارگران س گرفته و یورش وسیعی بدانان نموده است، اما از آنجا که نتوانسته "ایده شوراها و خواست اعمال اراده شورایی" را از ذهن کارگران بزداید، س زمینها جاد شوراها وجود دارد!! اما مگر شوراها محمول اعتلای جنبش انقلابی توده‌ای نیستند پس چگونه در وضعیت تعرض رژیم میتوان نه ایجاد شوراها مادرت کرد؟ نویسنده در پاسخ خواهد گفت: آخرایده سوراها و خواست اعمال اراده شورایی در میان کارگران وجود دارد. اما مگر ایده شوراها و خواست اعمال اراده شورایی برای س ندادن دستاوردهای قیام کافی بود که برای بوجود آوردن شوراها کافی باشد؟! آیا مگر "ایده اعتصاب عمومی و قیام و خواست سرنگونی رژیم" در ذهن کارگران وجود ندارد س حرا کارگران را دعوت به قیام با اعتصاب عمومی ننمائیم؟! حقیقت اینست که برای طرح شعار ایجاد شوراها در لحظه کنونی، توجه به "ایده" و "خواست" کارگران کفایت نمیکند، ملاک تنها سطح جنس واقعی توده‌ای است. متاسفانه، نویسنده با تفکر آنا رشیستی خود ویژگی وضعیت جنبش کارگری را در لحظه کنونی نمیتواند در نظر گیرد و از اینرو

با اشاره سه "ایده" و "خواست" از روی آن مسجهد و در این تناقض گیر میکند که چگونه "ایده شوراها و خواست اعمال آن" برای جلوگیری از پس گرفتن "کلیه دستاوردهای قیام" (که شوراها نیز از جمله آنان بودند) البته با امید آنکه نویسنده نیز با ما موافق باشد) کافی نبود اما سوراها بوجود آوردن آنها کفایت میکند. و اما نویسنده برای "محکم" کردن استدلال خود به "تأیید لفظی شوراها" از جناب رژیم اشاره میکند. وی قادر به درک این موضوع نیست که تأیید رژیم از شوراهای اسلامی کارخانجات "لفظی" نیست بلکه بسیار واقعی است زیرا این "شوراها" سیادت رژیم را در واحدهای تولید تضمین میکنند. رژیم با طرح "شوراها" برای "در مقابل خواست شوراها کارگران عقب نشینی نکرده است بلکه تعرض نموده است و در حقیقت با بازی "سرکوب کلیه دستاوردهای قیام" طرح شوراها را برای سوراها حق مشورت بحای شوراها توده‌ای کارگری بر پایه کنترل کارگری است. اما نویسنده که از لحاظ بینشی درباره حطت، عملکرد و نحوه پیدایش شوراها با سردمداران جمهوری اسلامی قریبتهای دارد، طرح شعار شوراها را تأیید لفظی (واقعی اش را اتحاد مبارزان انجام میدهد) شوراها از جانب رژیم قلمداد میکند. اینست حکیده استدلال نخستین نویسنده. و اما استدلال دوم. وی مینویسد: "بنا بر این بجات میتوان گفت که مبارزات جاری کارگری، علیرغم شکل تدافعی و کارخانه‌ای آن، دارای ستانسیلها و قابلیت‌های بالایی است که در صورت برطرف شدن نقاط ضعف آن، میتواند به سرعت و وسیعا شکلی سراسری و سیاسی خود بگیرد. یکی از این نقاط ضعف، فقدان جنان تشکلهائی است که خود را در چهار حوب مبارزات صنفی و اقتصادی کارگری محدود نکرده و از هم اکنون نیست، روحیه، نا رضایتی و خواسته‌های سیاسی توده‌های کارگری و ستانسیل سیاسی مبارزات آنها در سسیرد وظائف خود بحساب آورند... آبا به جز شوراها کارگری، تشکیل دیگری میتواند به این ضرورت پاسخ بدهد؟" (کلیات آثا رلنین

نقها در تقاضای

را مترادفا تسلط " میانه‌روها " در حکومت قلمداد میکند. ثانیاً فراموش میکند که روحانیت حاکم در حفظ تسلط خود متکی بر " امت حزب‌الله " است و همین " امت حزب‌الله " است که همواره و بویژه در مقاطع حساس باستی نقض کلیدی در کنترل اوضاع به نفع روحانیت حاکم و نظام " ولایت فقیه " ابفا کند . ثالثاً - روحانیت حاکم تنها به قیمت تخفیف فشار سیاسی بورژوازی و تسد اوم خلع بدسیاسی آن ، تن به انعطاف‌هایی در عرصه اقتصاد داده است . ایمن انعطافها بیش از آنکه مبین تحقق برخی از اجزای برنامه اصلاحاتیی بورژوازی باشد منعکس‌کننده مانورها^۱ است که روحانیت حاکم به ناگزیر در جهت تحکیم پایه‌های قدرت " ولایت فقیه " و تمرکز آن در دست خود بدان دست میزنند .

امایی نامه بودن توهمات لیبرالی منتهی به استحاله رژیم جمهوری اسلامی ، مبین ناتوانی مطلق رژیم در اقدام به فرم است ؟! زمین نیروهای سیاسی مخالف رژیم فقها ، محاهدین برجسته‌ترین و قاطع ترین پاسخ مثبت را به این سؤال ارائه شده‌اند . آنان حنان از نانوائی مطلق رژیم در اعمال فرم سخن میگویند که گویا در صورت بذرتی امکان انعطافها^۲ از جانب فقها در زمینه بشششرد ساتیای خود در هر سراطی و با هر هدی - سروهای انقلابی ملزم به نسل ورسکنگی و بی اعتباری سیاسی خود خواهند بود . حقیقت این است که محاهدین جهت حفظ " نیهای آلبرنا تیو " ممکن و دمکراتیک " محسوره حلسب حمایت‌بخشانی از نیروهای امربا - لستی و " اقشار متوسط بورژوازی " و کسب اعتبار از طریق تعیین زمان برای سرنگونی رژیم در کوتاه مدت هستند و این با بذرتی امکان توسط رژیم به فرمبای سرمایه دارانه (ولسو زنگراگی و حزتی) مناسب دارد . زیرا اولاً رژیم با سوسل به انگونه فرمها مادر خواهد بود حتی از محمصس و سرمایه داران مقیم خارج را بخود جلب کند و این به معنای آن است که محاهدین برای جلب حمایت این نیرو که سرط لازم " وفاق همگانی " علیه رژیم خمینی میباید محسور به رقابت با

قدرتی هستند که هزار بار در جلب این نیروها محیز تراست زیرا قدرت اصلی و شاهرگهای اقتصاد جامعه را در اختیار دارد . ثانیاً در رقابت برای جلب خرده بورژوازی جدید و جلوگیری از انفعال آن ، محاهدین ملزم به تقویت لائیسزم و اتخاذ روش بیگیری بورژوا - دمکراتیک حدائی دین از دولت هستند . حال آنکه تعیین استراتژی ایحاد دولت " جمهوری دمکراتیک اسلامی " با این امر ماسیت دارد . در جامعه ای که تسلط دولت مذهبی بر جامعه ، خود بزرگترین عامل روبگردانی مردم به ویژه لایه‌های خرده بورژوازی جدید از مذهب شده است ، محاهدین بلحفاظ نانوائی در مرز بندی با حکومت مذهب بر جامعه و تبلیغ حدائی دین از دولت به مثابه اهرم سیج کننده توده‌ای ، بدیپتی است که با به‌های خود را در میان نخنی از جامعه و بویژه این لایه‌ها از دست بدهند . ثالثاً افزایش ولونایز سوان رژیم جمهوری اسلامی در بسیر ساست فرم به نفع سورژوازی به معنای بی اعتبار شدن ساست تعیین زمان برای سرنگونی رژیم در کوتاه مدت است و این ضربه ای جدی به " حسیت " نیهای " آلبرنا تیو " محسوب میشود . رابعاً بذرتی هرگونه نفی ساست رژیم منتهی به خروج ارا نروای سیاسی و برقراری ارباط نسبا دول امربالستی بمعنای نضعف حمایتی سن المللی نیروهای امربالستی از " آلبرنا تیو " سواای ملی مقاومت " است . خامباً - خرش دول امربالستی و " اقشار متوسط " به سمت ساست " استحاله تدریجی " رژیم بمعنای آن است که محاهدین نتوانند صرفاً بر نیروی مسلح خود ، حمایت بخنی از ارتسان و سروهای سن المللی جهت تصرف قدرت حساب کنند ؛ بلکه باید بجای تاکید بر " وفاق همگانی " ، از ساست کمونسستی منتهی سر تعمسقی سکار طبقاتی سیروی نموده و بدین منظور سارهای دمکراسی انقلابی را برای ندارک قسام انقلابی توده‌ای اخذ کنند . امری که با ساست لیبرال دمکراتیک محاهدین خوانائی ندارد . این ساست دلائلی که سبب سراساز زدن محاهدین از ساخت هرگونه توسل به فرم توسط رژیم میگردد .

برخی فرمهای جزئی در حل بحران حکومتی و تامین نظم و امنیت برای سرمایه و تحکیم حاکمیت خود بر جامعه ، چیزی جز ظفره رفتن از سازماندهی اعتراضات جاری توده‌ها و اتخاذ تاکتیک اصولی متناسب با این شرایط نیست . در این شرایط وظیفه انقلابیون عبارت از توضیح هرچه بیشتر ماهیت زیگزاگها و تلاشهای نوین رژیم در جلب حمایت " اقشار متوسط " در داخل و حمایتی بین المللی در خارج است . گذشته از چگونگی بشششرد سیاستهای جاری رژیم در عرصه اقتصاد ، بخوبی آشکار است که در رابطه با بحران عمومی سیاسی ، توده‌های مکرر فقها در اعمال قهر خن وبی امان در جامعه هیچگونه تاثیر قابل توجهی در وجه انقلابی توده‌ها و انزجار آنان از جنبش حکومتی نخواهد گذارد . بی‌تفاوتی مردم در قبال این اقدامات و سیاستها مبین بی نتیجه بودن تقلاهای فقها در تخفیف ناراضستی عمومی علیه خود و تحدید بحران سراسری جامعه میباشد . اقدامات کنونی فقها که استکباری حتی سنا فقه سعه بسا کرده است ، بسان حدت و عمق بحران در میان لائیه‌ها و چه در سراسر جامعه است . خطری که مشاهده آن فقها راه تکابوشی حنین واداسته است . اگر انقلابیون و بویژه کمونسستها از این بحران در جهت تعمیق و گسترش اعتراضات توده‌ای علیه قدرت سیاسی حاکم و سازماندهی مبارزات جاری آنان و بسبب دشواریها و خواستهای بی واسطه‌شان با خواست عمومی سرنگونی رژیم فقها که خطر آرمدمحددا انقلابی توده‌ها را برای رژیم فعلیت میدهد ، استفاده نکنند ، زمینه را برای رشد توهمات لیبرالی ضد انقلابی بساز خواهند گذاشت . بسبب سازماندهی توده‌های انقلابی علیه رژیم فقها در جهت ندارک قسام انقلابی توده‌ای نمیتوانند جز از طریق تبلیغ ضرورت تعمیق مبارزه علیه رژیم که از اعتقاد به ضرورت تعمیق سکار طبقاتی علیه نظام مسلط ناتمی میشود ، افتای توهم لیبرالی " وفاق همگانی " علیه خمینی وهمحسین امکان استحاله رژیم ، ضرورت سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی با تاکید بر حدائی بیگیری دین از دولت و نرویح سارهای دمکراسی انقلابی انجام بدسرد □

هدف حزب توده . . .

طبقاتی را به جلو سوق میدهد؟ تا هنگامی که سرمایه بعنوان رابطه اجتماعی تنظیم کننده مناسبات اجتماعی باقی مانده باشد، قانون کار، قانون کار دستمزدی باقی میماند. هیچ نوع "شارکتی" محتوای آنرا از ارتجاعی متریقی بدل نمیکند. در چنین شرایطی سخن گفتن، به سبک حزب توده، از "قانون کار مترقی" خاک در چشم کارگران پاشیدن است. دعوت به مشارکت کارگران و سرمایه داران در تنظیم قانون کار، بعنوان ایده آل کارگران و ستاورد انقلاب سپمن، دعوت به آنست که کارگران بیای سند جابل و از خود سیگانگی شان امضاء بگذارند و آن را افتخار خود بدانند این امر مشارکت کارگران در تصمیماتی است که از پیش سلطه سرمایه داران را پیش فرض داشته و تنها قصد آن دارد که کارگران را در نتیجه و حاصل آن مسئول جلوه دهند.

آیا سوزواری با "شارکت" مخالف است؟ طبیعی است که سرمایه دار "عاقل"، در شرایط جرخش عادی تولید و تما حارزش اضافی، هرگز میل ندارد هیچ مداخله ای در امور از جانب "غیر" را بپذیرد. مداخله یا شراکت از نظر او تنها وقتی سودمند است که در جهت حفظ منافع او بکار رود و خطرا دفع کند. بنابراین در شرایط متعارف امور او هرگز حاضر نیست که شراکت کارگران در اداره امور با برنامهریزی تولید را بپذیرد. اما در شرایط بحران، زمانی که شیرازه امور دستخوش تکانهای شدیدی شده است و زمین زیر پای آنها سست شده، سرمایه داران با کمال میل حاضرند تا کارگران را در نتایج زیان و بحران شریک کنند تا با اینکار از یک طرف انرژی کارگران را از جهت گیری سوی رینه کنی مناسبات مالکیت و سلطه سرمایه منحرف کرده و از جانب دیگر خود توده تولید کننده را نیز بمتابیه مسئولین بحران درگیر کنند. وضعیت کنونی سوزواری امپریالیستی که چند سال است در بحران مزمن دست و پا میزند بهترین نمونه این مدعا است. امروزه آنان در کشورهای متعددی اروپائی برنامه های دورود را ز فروش سهام کارخانجات به کارگران را دنبال

میکند (بویژه در انگلستان و سوئد) تا از یکطرف ته مانده یس اندازهای کارگران و خرده بورژواها را بصورت سهام شرکتی بسیار پراکنده وسی نفوذ زیر کنترل سرمایه بزرگ در آورند و با سرمایه ای، به نسبت کوچکتر از پیش انبوهی عظیم از سرمایه خرد و پراکنده را تحت پوشش در آورند و از جانب دیگر کارگران را در ضرر ناشی از بحران که در آن به سرمایه مشارکت دهند. این امر مانع از تجمع و تمرکز چشم کارگران بر علیه سرمایه داران نمائیه عاملین این بحران (وانگلهای زائیدی که جز تغذیه از تولید نقش دیگری در پیرویه تولید ندارند و تمامی بدل به طبقه ای زائد شده اند) نگردد و عکس بخشی از آنان، کارگران سهامدار رادرمقام "سرمایه دار" مسئول و شریک حله میدهد. این دهرز دادن انرژی کارگران، پراکنده تر کردن صفوف آنان در شرایط بحران و کند کردن روند کسب آگاهی طبقاتی آنان نقش بسیار مهمی ایفا میکند. کارگران شریک و سهامدار خود را بخشی از نظام در حال بحران می بینند و اعمال آرده انقلابی بر علیه آن را اقدام علیه خود تصور میکنند. اس بهترین رمنه عینی رشد خرافات خرده بورژواشی است. این تسمه ای است که ادامه کنترل اشرافیت کارگری بر توده عقب مانده، کارگران را تسهیل میکند.

بنابراین طرح مشارکت، در شرایط بحران مورد پذیرش و استقبال بورژوازی قرار میگیرد و آنان این "شراکت" را حتی تا مرحله ادغام سرمایه ای با لاسبرند بورژوازی اصولاً از هر اقدامی که در آن موجودیت متمایز کارگران بمتابیه بک طبقه تحت الشعاع قرار گیرد خرسند است. طرح مشارکت و "شوراهای اشتراکی" نیز دقیقاً همین را تبلیغ میکند: همکاری طبقات و نه مبارزه آنها. کمونیستها جز این می اندیشند. تا زمانی که زمان تعرض به مناسبات حاکم فرا نرسیده است، آنان با صدای بلند اعلام میدارند که مصلحت در چهارچوب واقعیت کنونی اقداماتی راحت و تسویق کرد کله مبارزه طبقاتی را هر چه تیزتر کند. آنها مبارزه برای دستمزد بیشتر، مبارزه برای شرایط کار انسانی تر

و... خلاصه مبارزه برای خواسته های اتحادیه ای را، بمتابیه غایت امر و ایده آل کارگران بلکه بمتابیه گامی جهت پیشبرد امر شکل صنفی - سیاسی طبقه کارگری تقویت امرفشده تر کردن صفوف کارگران و تسویق اقدامات مستقل آنان، میدانند. چنین است که وقتی نقش طبقه کارگر در برخورد سه تولید و برنامه ریزی آن در شرایط فعلی یعنی شرایط سلطه سرمایه بر کار، مطرح میشود، آنان راه حل پرولتری غلبه بر بحران را پیشنهاد میکنند. آنان با دست گذاردن بر روی این حقیقت که سوزواری مسئول این بحران است و سازماندهی بورژوازی کسار ابزاری است که باز تولید نکست و بدستی سرمایه داری بحران را از طریق آن انجام میگیرد، راهی را پیشنهاد میکنند تا از طریق آن آلترناتیو کارگری سازماندهی نوین جامعه و تولید در عمل مطرح شده و مکتب پرورش نطفه های اقتصاد و جامعه نوین، مکتب پرورش کادرهای سازنده جامعه نوین گردد. آنان کنترل کارگری بر تولید را پیشنهاد میکنند و میکوشند تا این ایده همه گیر شود حتی عقب مانده ترین بخشهای کارگران به تحریر خود و سازماندهی نوین در این سازماندهی نوین به نقش انگلی کارفرمایان سرمایه بخش از پیش پی برده و گام به گام به لزوم از میان برداشتن نظم سرمایه داری و درک وجود توانائی انجام این مهم در کارگران، متقاعد شوند. کنترل کارگری، یعنی دادن حق و توانایی به هیئت های نمایندگان کارگران در هر آنچه که به راه اندازی و گردش تولید مربوط میشود، در شرایط بحران نظام، اقدامی زودرس نیست. این اقدام مالکیت خصوصی بیرونی را تسلیب نمیکند و آنرا به تملک جامعه در نمی آورد اما با اعطای حق و توانایی نوین به کارگران، نظم عادی حرض سرمایه را مختل میکند. این اقدام اراده کارگران را در مقابل اراده سرمایه داران، در حیطه اقتصاد و تولید، قرار میدهد: حفظ اسرار معاملاتی در جرخش امور و رقابت سرمایه ها، نقشی حیاتی ایفا میکند، کنترل کارگری با الفاء آن به هر چه بقیه در صفحه ۲۸

هدف حزب توده ...

مرج ضربه میزند، اعتبارات بانکی شریان تنظیم امور اقتصاد مباحثند، بورژوازی نحوه تنظیم این اعتبارات را از حشم اغیار سنها می کند، کنترل کارگری کارمندان بانک را به اعمال بازرسی، تفتیش دفاتر و اعلان عمومی صورت حسابها در سطح جامعه، فرا میخواند و... در یک کلام کنترل کارگری سوسیالیسم نیست اما در خدمت تحکیم سرمایه داری نیز قرار ندارد. کنترل کارگری گامی است انتقالی که از مبارز طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران آغاز میکند و به سمت سازماندهی سلطه کار بر سرمایه حرکت می کند. مکتب کنترل کارگری مکتب تشکیلات و آموزش توده پرولتاریا برای مبارزه در راه دگرگونی ساختار تولید در کارخانه و هرواحد تولیدی است. اقدامات کنترل کارگری اقداماتی هستند که امکان پرورش کادرهای آینده را در اولین شکل بیسان اراده کارگران در سازماندهی تولید، میدهند. برقراری کنترل کارگری بمعنای برقراری حاکمیت دوگانه در سطح واحد تولیدی است. مالکیت و مدیریت ناشی از آن در دست سرمایه داران با قسسی میماند اما توده تولید کننده در نحوه برنامه ریزی و اداره فرآیند تولید حق بازرسی و و توتو می یابند. توده تولید کننده بر علیه هی رارشی سرمایه در تولید سازمان می یابد و در مصاف با آن گام به گام به سازماندهی سوسیالیستی تولید نزدیک میشود.

کنترل کارگری، اقدامی نیست که از خارج و بطور مصنوعی بر طبقه کارگر تحمیل یا پیشنهاد شود. هنگامی که بحران حادی اقتصاد را در می نوردد و عجز سرمایه داران در مهار آن آشکار میشود، ائتلاف محصولات و نیروهای تولیدی هر لحظه لزوم خروج از بحران را گوشزد میکند. در چنین شرایطی نقش طبقه سرمایه دار به مثابه طبقه ای که دیگر در روند تولید نقشی ایفا نمیکند و تنها از محصول تولیدی سود ارتزاق میکنند با وضوح آشکار می گردد. به همراه آن سلسله مراتب اجتماعی کار در سطح واحد تولید (کارگاه یا کارخانه) نیز در برابر دیدگان کارگران و دیگر دست اندرکاران فن تولید، نه به مثابه

سازمان ضروری برای گرداندن تولید (آنچنان که در شرایط عادی نمایانند) مینماید بلکه چونان هیولائی برای خفه کردن تولید عقلانی و مسرگرداندن تحقق امسال سرمایه داران در جیت سود و بقیمت قربانی کردن اشتغال و نتجتا سطح زندگی کارگران جلوه می کند. در چنین شرایطی دخالت کارگران تنها راه جلوگیری از فلاکت، بازگشت به قهقرا و حفظ اشتغال، مطرح میشود. توده کارگران به سوی اقدام مستقل رانده میشوند. عناصر آگاه میبایست ایسن گرایش خود بخودی را زیر شعار روبرنا مه کنترل کارگری جهت داده و غریزه طبقاتی توده کارگران را در جهت اقدام مستقل آگاهانه سوق دهند. زمینه عینی برای فراگیر شدن شعار فوق کلامهیا است و اقدامات بسرعت حامه عمل خواهند یوتید. گشایش حسابهای سود و زیان به همه کارگران نشان خواهد داد که چگونه موتور تولید برای سود، خسارت و زیان ناشی از بحران را با اخراج کارگران، خواباندن تولید، کاهش دستمزد و... بر توده کارگران سرشکن مکرده است. تجدید سازماندهی از حذف بوروکراسی و کاهش هزینه با لاسری به حداقل ممکن، تنظیم عقلانی حقوق مدیریت و بویژه پادشاهای کلان آنان و بازگرداندن آن برای سروسامان دادن به وضع مواد اولیه و تجدید ماشین آلات و... در یک کلام با حرکت در جهت تنظیم مجدد خط تولید بر اساس پیشنهادات مبتکرانه کارگران و متخصصین انقلابی آغاز می گردد. اولین گامهایی است که کارگران برای غلبه بر بحران و رکود تولید پیشنهاد خواهند کرد.

بدین ترتیب آشکار است که برخلاف "مشارکت" که همکاری کارگران و سرمایه داران برای گرداندن تولید و خروج از بحران را موعظه میکند و بر آشتی و صلح طبقاتی به مثابه شرط طبیعی "موفقیت تکیه دارد، کنترل کارگری اقدام مبتکرانه توده کارگران را در برابر سازماندهی استثمارگران در تولید قرار میدهد و بر تعمیق مساززه طبقاتی و تعمیق آگاهی طبقاتی کارگران در روند مساززه برای کنترل تولید تاکید دارد. مشارکت بر لزوم آشتی طبقاتی و کنترل کارگری بر حق و توتو

و بازرسی نمایندگان کارگران برای مهار بحران و بهبود وضعیت تولید و معیشت کارگران تکیه میکنند. بلحاظ تاریخی زمانی که سوسیالیسم برای اولین بار برای مبارزه با فلاکت و برون رفت از بحران، کنترل کارگری را پیشنهاد کرد، منشیویسم کنترل عمومی" با استراک مساعی کارگران، دولت و کارفرمایان را مطرح کرد. ایسن پیشنهاد (که مورد مسخره لنین قرار گرفت. او به طبعه آنها "طرح شیوخ آمیز وزرای محترم منشیوک" مینامید) نام روسی "حق مشارکت" توده ایهاست. هر دو طرح بر حسن نیت و همکاری دولت و سرمایه داران از سوئی و عدم امکان حل بحران بدون مداخله آنان باور دارند. هر دو نقش مستکرانه و خلاق تولید کنندگان در گرداندن تولید را منکر میشوند و همکاری کارگران و سرمایه داران برای خروج از بحران را احتیاج ناپذیر فرض میکنند.

چنین است که وقتی نقش کارگران در سازماندهی تولید و برنا مه ریزی آن طرح نمگردد، کنترل کارگری و مشارکت دو نقطه مقابل استراتژی مبارزه کارگران را نشان میزند. کنترل کارگری بی اعتمادی به سرمایه داران و دولست آنان را می آموزد و مبارزتریمن کارگران را به پیش میراند، مشارکت خود را با عقب مانده ترین کارگران که زیر آوار خرافات خرده بورژواشی سست به حسن نیت کارفرمائی که "برایش کار ایجاد کرده" قرار دارند، تطبیق میدهد.

ممکن است "واقع بینان" بگویند که حق مشارکت برای کارگران هم امروز امکان طرح و تحقق دارد اما کنترل کارگری را شرطی باید که تنها درآینده ای نامعلوم فراهم میشوند. در پاسخ باید گفت که این سوء تفاهمی بیش نیست که یکبار دیگر نشان میدهد که طراحان این "انتقاد" خود نیز در زمره آنانند که به حسن نیت و تفاهم سرمایه داران "خوش طنت" باور دارند. کفتم که هیچ سرمایه داری در شرایط عادی تولید حاضر نیست کوچکترین متناز "اضافی" به کارگران بدهد که این یعنی کاهش سود خالص او. حق مشارکت در اداره تولید، اگرچه مصامحات با

گزارشی از چیت سازی

بعلت خصوصیات فنی این رشته و هم بعلت فقدان حداقل وسایل حفاظتی و بهداشتی، کار در شرایط بسیار سختی انجام میگردد - بویژه در قسمت بافندگی - بطوریکه اکثریت کارگران قدیمی کارخانه از بیماریهای نظیر سل، رماتیسم، آسم، واریس و ضعف اعصاب و... رنج می برند - برای اطلاع از امکانات ایمنی و بهداشتی یک نمونه کافیسیت و آن اینکه حتی از دادن ماسکهای پنبهای به کارگران خودداری می شود و هم چنین توزیع شیر بسیار نامطلوب است - بهمان میزان که شرایط کار سخت میباشد، میزان دستمزد پائین است، تا آنجا که دستمزد کارگران با سابقه - مثلاً ۲۸ سال - بسختی به ۱۶۸ تومان در روز می رسد -

وضعیت مبارزاتی کارگران: کارگران بدلیل مختلف دارای پتانسیل مبارزاتی بسیار بالائی هستند - در سال ۵۴ کارگران کارخانه برای اضافه دستمزد به یک اعتصاب با شکوه ۲۱ روزه دست زدند، که گرچه با دخالت شدید نیروهای پلیس، ساواک و حتی ارتش سرکوب گردید، لکن خاطره با شکوه آن هنوز هم در آن هان کارگران باقیست - در طول انقلاب غیرمفقدان تشکیلات منظم و منسجم و همچنین فقدان رهبری کارگری، کارگران دست بیک اعتصاب طولانی زدند - لیکن بعلت فقدان عنصر رهبری پرولتاریائی و هم چنین پائین بودن سطح آگاهی کارگران این حرکتهای خود بخودی نتوانست به نتیجه مطلوبی برسد و با تسلط شوروی اسلامی و سپس انجمن اسلامی، حرکتها متوقف شد -

رابطه موجود بین مدیریت و انجمن و شورای اسلامی: گرچه در این کارخانه نظیر اکثر کارخانجات تضاد هائی میان انجمن و شورا و مدیریت وجود دارد، لکن بدلیل انزوای شدید این دو نهاد (انجمن و شورا) و هم چنین سوابق بسیار سیاه اکثریت اعضاء فعلی این دو نهاد، مدیریت در مجموع بر جو موجود سوار است - در مرداد ماه مدیریت کارخانه بنام "صدیقی" با تمام اختلاس دستگیر شد - اما انجمن و شورا کوچکترین اقدامی نکردند - همچنین در رگیبهای موجود بین خود اعضاء انجمن اسلامی بصورت حادی درآمده است، تا آنجا که جریان انتخاب "شورای مدیریت" انجمن اسلامی که قرار بود در تاریخ ۲۰/۶/۶۳ انجام شود، در آخرین لحظات بدستور وزارت کشور متوقف شد -

موضع کارگران نسبت به شورا و انجمن اسلامی: بلافاصله بعد از تشکیل شورا (و سپس انجمن اسلامی) پروسه ایزوله شدن این دو نهاد از طرف کارگران آغاز میگردد، بویژه بعد از استعفاء و یا اخراج چند عنصر صادق که در آنها عضویت داشتند، کارگران کاملاً رها و مقابله شورا و انجمن قرار گرفتند - کارگران در حال حاضر جز تمسخر اعضاء

انجمن و شورا، برخورد دیگری با آنها ندارند -

برخورد کارگران با مسایل سیاسی - اجتماعی: تقریباً تمامی کارگران از مخالفان سرسخت رژیم می باشند و در کمتر صحبت و یا بحثی از دادن فحش و ناسزا بمران رژیم خودداری می کنند - مراسم سخنرانی که تا کنون از جانب رژیم برای کارگران ترتیب داده شده با عدم شرکت کارگران مواجه شده اند - در هفته جنگ کارگران انجام حتی یک دقیقه اضافه کاری خود - داری کردند و حتی بطور انفرادی به کم کاری دست زدند - در بخشهای کارگران رژیم بعنوان حامی سرمایه داران و تجار بزرگ معرفی میشود و آنرا با رژیم شاه مقایسه می کنند - (برای مثال، کارگری ابراز عقیده میکند که شاه لااقل برای گول زدن هم که شده بود، از کارگران بعنوان کارگران شریف نام می برد ولی خمینی ما را بی اصل و ریشه می داند و بمبدأ حق تعالی پاسبان می دهد) - لیکن این مخالفتها بطور پراکنده است -

تشکل های موجود در کارخانه: در حال حاضر، شرکت تعاونی مصرف، تعاونی مسکن و صندوق قرض الحسنه وجود دارد که البته دارای کارکرد و کیفیت پائینی می باشند - برای نمونه شرکت تعاونی مصرف بیشتر به عرضه اجناس بنجل و موجود در بازار قناعت می کنند -

خواسته های کارگران: خواسته مشخص و محوری کارگران این کارخانه، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است و تمامی بحثها و حتی شوخیها حول این محور دور میزند - اما بعلت فقدان سازماندهی، اعتراضات و مذاکرات با مدیریت و وزارت کار از مجرای متصدیان و سرپرستان قسمتها می گردد که طبعاً نتیجه ای نیز بدنبال ندارند - تا بحال پیشنهادات زیادی از طرف وزارت کار داده شده که بعلت ارتجاعی و ضد کارگری بودن آنها، توسط تمام کارگران رد شده است - کارگران خواهان تعیین نماینده از جانب خود، بالا بردن ضریب سنگینی کار و میزان سابقه هستند که با مخالفت رژیم روبرو شده است - در حال حاضر هر مسالهای پنجگونی (شوخی یا جدی) با این مساله کشیده می شود - برای مثال زمانی که اطلاعاتها و بخشنامهها بر در و دیوار زده میشود کارگران به مسخره از هم می پرسند چی شده؟ طرح طبقه بندی پیاده شده؟ و سپس جواب میدهند، نه! فعلاً که سوار شده - یا زمانیکه اطلاعاتی سپاه پاسداران مبنی بر اعزام و اطلب به جبهه پخش میشود نه تنها کارگران بطور یکپارچه از اسم نویسی خود - داری مینمایند حتی به مسخره میگویند، "توی جبهه که طرح طبقه بندی پیاده نمیشود که ما برویم!"

(به نقل از گزارشات ارسال نشریه "بیک کارگران" وابسته بسازمان - ۲۵/۷/۶۳)

مسئله مسکن

و ...

هستند با بدبیرای کاهش فشار هزینه مسکن کارخانه را بعنوان میدان مناسب این مبارزه برگزینند، این امر بمعنی تحمیل هزینه بیشتر هزینه مسکن بر سرمایه داران و دولت است - پرداخت هزینه مسکن توسط کارخانه را رویا دولت برای تادیه بخشی از احاره بها، وام مسکن، اختصاص خانه ها با احاره ارزان به کارگران توسط دولت یا سرمایه دار میتواند در خدمت این هدف باشد - بسیج کارگران حول مسئله مسکن میتواند یکی از محورهای مطالباتی باشد که با اتکال بدان میتوان تشکیلهای کارگری را سازمان داد، تعاونی مسکن کارخانه بعنوان مثال میتواند بعنوان یک تشکل علنی در خدمت مبارزه کارگران برای مسئله مسکن باشد -

اقتدار متوسط جدید و کارمندان نیز از هر لحاظ در زیر فشار سحران مسکن دچار مصائب شدیدی شده اند، در میان کارمندان نیز میتوان مبارزه برای مسکن را با هدف تحمیل بخشی از احاره ها به دولت سازمان داد - در این زمینه بوسیله تشکلهای مسکن کارمندی حائز اهمیت بسیار است - کارمندان نیز مانند کارگران با سدا طرق گوناگون برای کاهش هزینه مسکن که در حکم مبارزه برای افزایش حقوق است مبارزه کنند - طرح درخواست کمک مسکن و یا خانه های دولتی با احاره ارزان، از جمله این درخواستها میتواند باشد -

سازماندهی مطالبات و اعتراضات نوده ها بمرامون مسئله مسکن عرصه مهمی در کارزار بر علیه رژیم حنا بیتکا رفقا است - برستراس مبارزه و از طریق کساری سازمانگرا بد تشکیلهای کارگری و توده را ایجاد نمود و قوام داد، فقهای تشکیک هر چه بیشتر سحران هند نطفه ضعف خود را در حوزه سحران مسکن به سپانه های واهی برده سوشی کنند - رفعا لین و سازمانگران حشرا انقلابی است که با انرژی فزونیتری ماسک فریب را از چهره کرسد آنها در سده و با توضیح ماهیت سحران سحران آنرا به کانونی برای اتحاد و ارتقاء مبارزه کارگران و زحمتکشان بدل سازند □

نقدی بر پینش . . .

ساخته شده اند و هر آئینه نخواهند سر سارهای دوران انقلابی (نظیر کنترل کارگری) جهت متحد کردن توده ها با فشاری نمایند، حارهای جز قبول انزوی نکوهمند ندارند. از اینرو، آقای تقوایی برای تبدیل وضعیت تدافعی جنبش کارگری به وضعیت تعرضی و "محدودنماندن در چهارحوب مبارزات صنفی و اقتصادی کارگری" به اسرار نامناسبی متوسل شده است، نه بدلیل اینکه این اسرار خود راه چهارحوب مبارزات صنفی و اقتصادی کارگری محدود میکند بلکه بدلیل آنکه استفاد از این اسرار به تمایلات خیرخواهانه و آرزوهای ایشان سستی ندارد، و تابع شرایط معینی از رشد جنبش نوده ای کارگری است. و اما استدلال سوم با شاه ست احتیاجات آقبای نقوایی، وی مسوسد: "باید از هم اکنون برای ایجاد آن ارگانهای نوده ای که ساد سمثابه اسرار قیام و ارگان جمهوری مسعزاز قام، عمل کند مسارره کرد و آن شکلیاتی را که باید با اوگیری مبارزات نوده ای به حسن ارگانهای تبدیل سونسد، باید گذاری کرد." اهمانجا، تاکسد ولی از سوسده اس) سن "سوراهائی" که تراراست درلحظه حاضر باید گذاری بقیه در صفحه ۳۱

جمهوری اسلامی اند که با تغییر شرایط، وظایف و شیوه های سرکوب را اتخاذ میکنند و با شوراهای معمرالقذافی هستند که در لبی اسرار حکومتی محسوب مسوند و در کتاب سبزچیره "همه فن حرف" اسراستان ترسیم سده، با این تذکر که این "سوراه" نه ساختمان قدرت دولتی بلکه اسرار اجرائی آسند. آبا سوراهای کارگری سمثابه ساد قدرت دولتی مسنواشد در فقسدان شرایط اعتلای جنبش انقلابی و وضعیت قدرت دوگانه سوجود آسندا سدارک سدوران تعرض را تسهیل کنند؟ حیسر، زیرا در آن صورت این "سوراه" دیگر ساد قدرت دولتی سستند از اینرو "سوراهائی" هستند که باید تحت تابعیت قدرت دولتی موحود ترارگیرند و هر آئینه سواهم به این "سوراه" تحت شرایط مذکور حصلت نوده ای محسم (نوده ها سبزمسورت محفی مسارزه نمکنند) در آن صورت ساد هرچه سسنر ابده آلبای قدرت شورائی رادرانظار نوده کارگران به سازش کنم و با آنکه برای حفظ ابده آلبای شورائی مسور حواسم سود، این باصطلاح "سوراه" را به مجامع کوچکی از روستفکران و کارگران بسشرو سسدل مساشم، که در آن صورت کارنگا توری از سوراه های کارگری را سواهم دانست که مصنوعا

گوید؟ (همانجا- تاکیدات از ماست) در جای دیگر نویسنده به سوراه ها سمثابه "شکلیاتی که از قابلیت انعطاف بالائی برخوردار بوده مسنواشد همراه با تغییر شرایط، وظایف و شیوه مبارزه متناسب با آنرا اتخاذ کنند" اشاره میکند. بدینسان معلوم مسود که نویسنده مطلقا هیچ ابده معینسی از سوراهای کارگری ندارد و مساسفانه در توهم عقب مانده ترین توده های کارگر درباره سوراه با عنوان ارگان زلاتینی فاقد هویت و وظیفه معین تاریخی و در عین حال در برگیرنده کلیه درخواستهای صنفی و سیاسی طبقه سربک است. سورا با عنوان ظرفی برای کلیه درخواستها و چهره ای یابدار و تمامیت گرا رویوش ظاهری است برای انکار وظیفه سوزه تاریخی سورا با عنوان سابه قدرت دولتی و اعمال کنترل کارگری. سورا "ارگانی معطف" نسبت که با تغییر شرایط، وظایف و شیوه مبارزه متناسب با آنرا اتخاذ کند، سورا ارگان شرایط انقلابی است، سورا با ساد قدرت دولتی است. آن شورائی که ساد "تغییر شرایط، وظایف و شیوه مبارزه متناسب با آنرا اتخاذ میکند، سوراه" اسلامی سمثابه ساروی سبادت دولت

هدف حزب توده . . .

سرمایه داری است، گرچه به چهارحوب سرمایه داری تولید تعرض نمیکند و مطبع و آرام در شرایط سلطه سرمایه و گردن نهادن به آن در جستجوی اتحاد کارگری سرمایه دار است اما علیرغم تمامی اینها سرمایه داران حریص هرگز در شرایطی که مبارزات کارگری نازل بوده و تولید کمایش بطور متعاقب جریان داشته باشد، حاضر به قبول کارگران در کنار خود و "سروگوش آب دادن" آنها در اداره امور نیستند. تنها در شرایط اوگیری بحران و مبارزات کارگریست که آنان یک گام عقب می نشینند تا با اعطای امتیاز کارگران را از بسشروی در مسیر مستقیم بازدارند. تنها در چنین شرایطی است که منشوسم مسنواشد منادی آشتی طبقات باشد و با کسف زدنهای سرمایه داران روبرو شود، در غیر

ان بصورت حتی این بردگان مطبع نیز سمثابه کفار و دشمنان "نظم و خانواده" تکفیر مسود. بنا بر این طرح و امکان تحقق حق مشارکت شرایط بحرانی نظام سرمایه داری را بسشرو ص دارد. بهمان سان بدسپی است که کنترل کارگری نیز تنها در شرایط حارنی و جنبشهای آشکار نوده کارگران مسنواشد. تفاسوت میان این دو برنامه عمل برای تولید، در بیش زمینه مادی طرح آنها نیست، این نقطه اشتراک آنهاست. تفاوت در آنجاست که سکی فاست و هدف رادر چهار حوب نظام و از طریق همکاری ساد سرمایه داران محدود میکنند و از اسنسر و به مسئله قدرت سیاسی نزدیک مسبتود و دومی بمعنای وجود ساد قدرت دوگانه در سطح اقتصاد است که مسنواشد در حالت ثبات دراز مدت ترارگیرد. کنترل کارگری گرچه مالکیت خصوصی را نقض

نقدی بر پینش ...

شوند، نه ابزار قیام هستند، نه ارگان جمهوری منبعث از قیام و همان طوریکه آقای نتوانتی پذیرفته است، این "شوراها" محصول موقعیت انقلابی نیز نیستند، اما ارگان موسس، ارگانهای آتی میباشند. اگر ما هدین از انقلاب بهمن و تسلط روحانیت حاکم، ضرورت تشکیل شورای ملی مقاومت (یا دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی) را جهت خالی نمودن مسند حکومت در فردای سقوط رژیم نتیجه گیری نمودند، پوپولیزم آنها رشیستی نیز در جهت سازمان دادن "آلترناتیو" خود، "شورای موسس" شوراها را شکل میدهد تا نتکند مسند رهبری شوراها در فاسر دای سرنگونی رژیم خالی بماند! اما سرنوشت چنین شورائی بعنوان ارگان موسس، چنانکه توضیح دادیم، از پیش رویش است. شوراها را دسته ای روشنفکر پوپولیسیت آنها رشیست بجای جنبش انقلابی توده ای کارگری نمیتوانند پایه گذاری

هدف حزب توده ...

داری خواهد شد و از نفس خواهد افتاد. این درسی است که از تجربه انقلاب بهمن نیز میتوان گرفت. اما سراسری شدن کنترل کارگری، یعنی تکامل قدرت دوگانه درواحدکارخانه، در سطح اقتصاد ملی، بدون تعیین تکلیف با مسئله قدرت سیاسی ممکن نیست چه هیج دولت حافظ مالکیت بورژوائی اجازه چنین تکوین و تشییتی را نخواهد داد. بنا بر این مسئله کنترل کارگری از جها رجوب مناسبات موجود ما بین طبقات فراتر می رود و در تکامل خود میبایست با یک انقلاب بیوند خورد. این تفاوت اساسی سراجم طرح کنترل کارگری و حق مشارکت است. اولی برنامهریزی در تولید را به مسئله قدرت پیوند میزند و در خدمت سیاسی کردن مسارزه اقتصادی کارگران قرار میگیرد، دومی مسئله را به خود حقوق صنفی خلاصه کرده و خاتمه میدهد. بس روشن است که اختلاف در پیش زمینه طرح این برنامه ها نبود. بلکه در سمت و سوئی است که بخود میگیرند. تفاوت میان استراتژی رفرم و استراتژی انقلاب است. ترویج ایده کنترل کارگری و

نمایند. نفس اقدام به چنین پایه گذاری مؤید بیگانگی این روشنفکران با کار در میان طبقه است. برآستی این شورای موسس تا فرار رسیدن اعتلای انقلابی توده ای، چه وظایفی را در برابر خود قرار خواهد داد، ترکیب آن چگونه است و شیوههای مبارزه آن کدامند؟ اگر حزب کمونیست کومله پاسخ به این پرسشها را در برابر خود قرار دهد، چاره ای بجز دومسیری را که کمینترن برای "شوراها" منوعا برپا شده ترسیم نموده، در برابر خود نخواهد یافت. هر آئینه، تاکید حزب کمونیست کومله را بر "جمع عمومی منظم کارگران" بعنوان اهرم مورد اتکای "شوراها" موسس کنونی، مد نظر قرار دهیم، در آن صورت روشن خواهد شد که آنها مسیر بدترین حالت یعنی مسیر بسازش کشاندن ابده آلمهای قدرت شورائی را در مقابل انظار اکثریست مردم در پیش گرفته اند. این موضوعی است که در مقاله دیگری بطور جداگانه به آن خواهیم پرداخت. □

هم و حزب تجارب جنبش کارگری سالها ۶۰ - ۵۸ در این زمینه، از وظایف بشروان کارگری است. کارهای جنبش طبقه کارگر میبایست اهمیت ترویج این ابده را در شرایطی مانند امروز که امکان طرح آن بمشابه یک دستورالعمل برای سازماندهی سلاوا سده شوراها ی کنترل موجود نیست، درک کنند. تنویق استکارات توده ای در این زمینه در آگاه کردن توده های کارگری به قدرت عظمی که در طبقه شان نهفته است نقش سزائی دارد. افشای ندانم کاربهای کارفرمایان، نشان دادن رابطه اخراجی و حفظ سود سرما به داران، هزینه گزاف بوروکراسی و خسارات ناشی از بی توجهی به توصیه های کارگران اهل فن... همه میبایست در خدمت ترویج این ایده قرار بگیرند، تا در زمانی که جنبش کارگری وارد حالت تعرضی شود عنصر ذهنی برای دست زدن به اقدامات کنترل درآمده ترین شکل خود باشد و سرمایه داران نتوانند با طرحهای از قبیل " طرح مشارکت " و " شوراها ی مشورتی " اشتراکی، در مقابل اقدامات مستقل کارگران در اعمال کنترل کارگری و برپائی شورا های کنترل کارگری، سنگ اندازی کنند. □

رژیم در باقلاق ...

محدود رژیم نیز است. اگرچه فقها میکوشند چنین وانمود کنند که عدم انجام یک حمله بزرگ و تعیین کننده بخاطر جلوگیری از تلفات سنگین برای هردو طرف است و ترجیح میدهند بسا کمترین تلفات کار صدام را بسازند، اما این بلوف دیگر رنگ و لعاب سابق خود را از دست داده است. و عملیات صمک نشان داد که در همین ابعاد کوچک هم رژیم قادر به دستاوردهای قابل توجه نیست. وی گمان به دنبال بیان این عملیات محدود و موفقیت نا چیز حاصل از آن، دوباره همان دور فرسایشی چند ماهه اخیر در جبهه ها حاکم خواهد شد. و رژیم فا ز جدید تعرض دیپلما تیک خود را که به قصد سرنگونی صدام سازمان خواهد داد، آغاز مینماید. منتها این با برخلاف انتظار فقها، دست دیپلما تها - بشان خالی است و موضعی از گذشته ضعیفتر! زیرا نشان داده اند که چون کارائی نظامی تعیین کننده ای ندارند، خطر بالفعلی نیستند که نیروهای ذینفع در منطقه بخاطر مهار این خطر با حزم یوشی از صدام به سازش با ملایان دست زنند!

بنا بر این بر اساس همه داده ها و برآوردهای عینی، جنگ ایران و عراق هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی به سن سست خنمگسری رسیده است. و خروج از با تلاقی که فقها خود برای خسود فراهم کرده اند، هرچه مشکلتر گشته است. این حقیقتی است که دیگر امروزه به روشنی میتوان آن را دید. و البته خود دولت مردان جمهوری اسلامی بشناز هر شیروی دیگری از این حقیقت آگاهند! همانطور که گفته شد دوستان نزدیک آنان نیز سقوط صدام را دیگر حدی نمیکردند و بنا بر این رژیم تنها و منزوی است. با اینهمه حنا بتکاران حاکم در میهن ما چشمان خود را بسته و به قیمت اتلاف هزاران نیروی انسانی و آواره کردن صدها هزار از مردم و به قیمت ویرانی و فلاکت اقتصادی و فشار به کارگران و زحمتکشان همچنان جز به سقوط صدام به هیچ حیزرفایت تمیدهند و دیوانه وار شعار جنگ جنگ تابیروزی سرداده ویی آنکه ذره ای به منافع مردم مس

شهادت رفیق حسین قاضی

طبق اطلاع واصله، روز ۱۳ آبان ۶۳ حاکمان جنایتکار جمهوری اسلامی، رفیق حسین قاضی (رفیق بهرام) کمونیست ثابت قدم را که در صف اول کادرهای قدیمی و رزمنده جنبش کمونیستی میهن ما قرار داشت به جوخه های اعدام سپردند.

رفیق حسین قاضی که در زمره کادرهای برجسته و موسس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بود، بیش از یکسال در زیر وحشیانه ترین شکنجه های جلادان جمهوری اسلامی قرار داشت لیکن با مقاومت طولانی و پهلوانانه اش پیروزه در شکنان سفک را در برابر ارباب استوارش به خاک مالید و آخرین فصل زندگی پر بارش را که تمام وقف مبارزه انقلابی و کمونیستی نموده بود با حماسه ای پرشکوه به پایان آورد. یاد پرغورش جاودانه باد!

ما در آینده نزدیک زندگینامه رفیق شهید ما را در ارگان سراسری سازمان درج خواهیم کرد.

راهپیمائی مردم بر وجود در اعتراض به پاسداران

حدود ۲ ماه قبل دست کمینه چی های بوجود که با قاچاقچیان مواد مخدر سر و سری داشتند و خود از عوامل پخش و فروش مواد مخدر بودند، برای مردم باز میشود. بهمین خاطر مردم اعتراضات خود را در هر جمعی شکل افشاگری ابراز می کردند. تا اینکه روز بروز اعتراضات مردم شدت بیشتری می گیرد. سپاه پاسداران ناچار می شود، قبل از اینکه مردم اقدامی بکنند، رئیس کمیته و معاونش را دستگیر کرده و چند نفر دیگر از کمیته چی ها را در ارتباط با مسائل مربوط به قاچاق و مواد مخدر زندانی نماید. سپاه از مردم معترض می خواهد که آرامش خود را حفظ کنند و اگر شکایتی دارند، بیایند و شکایت خود را تسلیم دادگاه نمایند. مردم که همه شاکسی و معترض بودند، در دسته های ۵-۴ نفری برای شکایت حرکت می کنند. در مجموع شکایت حدود ۶۰۰-۵۰۰ نفر جمع می شوند، که کم کم تعدادشان به ۱۵۰۰-۱۰۰۰ نفر می رسد. جمعیت

بطور خود بخودی به حرکت درمی آیند و این حرکت شکل تظاهرات بخود میگیرد. در همین تظاهرات شعار مرگ بر کمیته - چی داده میشود و بعد به شعار مرگ بر "جمهور" (جمهور اسم معاون کمیته می باشد) و در ادامه بشعار "مرگ بر رئیس جمهور" یعنی رئیس کمیته و کم کم بشعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر خمینی تبدیل میشود. این تظاهرات تا ظهر آن روز ادامه می یابد. نیروهای مسلح از آزادحام جمعیت وحشت کرده و خود را کنار می کشند. تا اینکه راهپیمائی خاتمه می یابد. مردم با یکدیگر برای تجمع و راهپیمائی در محل دیگری برای ساعت ۲ بعد از ظهر قرار می گذارند، اما پاسداران که در این فاصله نیروهای کمکی از شهرهای مجاور گرد آورده و در همه جای شهر مستقر شده بودند، مانع جمع شدن مردم می شوند و اجازه حرکت مجدد را ب مردم نمیدهند. بعد از آن بمدت چند روز تظاهرات موضعی در شهر بوجود آمده می یابد. از آن تاریخ به بعد در کمیته ها بسته می باشد.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

استرداد پناهندگان ایرانی

توسط دولت ترکیه

مدت دو ماه است که دولت ترکیه از پی بردن و بند های خود با رژیم فقها اقدام به دستگیری پناهندگان ایرانی و استرداد آنها به دولت ایران می نماید. کودتاچیان حاکم بر ترکیه یکسال پیش نیز به اقدامات مشابهی بر علیه پناهندگان ایرانی دست زدند و بیش از ۶۰ نفر از شهرهای وان و حق کاری به ایران برگرداندند که برخی از آنها به اسارت پاسداران درآمدند و برخی دیگر حین فرار کشته شدند. اما فشار سازمانهای مترقی ایرانی و افکار عمومی بین المللی دولت نظامی را وادار به عقب نشینی نمود. نظامیان ترکیه اکنون به حيله جدیدی متوسل شده اند. آنها پناهندگان ایرانی را قبل از ورود به شهرهای ترکیه دستگیر نموده و پس از آزار و شکنجه به دولت ایران تحویل می دهند. تا بدین ترتیب جنایت آنها پوشیده نماند. مواردی گزارش شده که پناهندگان دستگیر شده توسط ارتش ترکیه يك هفته تمام توسط جلادان شکنجه شدند. بر اساس قوانین بین المللی مربوط به پناهندگان هرگاه پناهنده ای بطور غیر قانونی وارد خاک کشوری شده و اعلام پناهنده گی نماید کشور اخیر حق استرداد پناهنده را ندارد. اما اعمال ضد انسانی و وحشیانه نظامیان ترکیه را محکوم نموده و از همه سازمانها مترقی ایرانی و خارجی دعوت می کنیم که با همکاری و اتحاد عمل بدفاع از حقوق مسلم پناهندگان ایرانی برخیزند.

آدرس در خارج از کشور:

فرانسه

ALIZADI
B. P. 195

75564 PARIS-CEDEX 12

FRANCE

آلمان

postfach 650226

1. BERLIN 65

W. GERMANY

مابرای تداوم مبارزه

اتحادی خود به کمک

مالی شما نیاز مندیم

ککهای مالی و وجوه نثریات را به حساب زیر واریز کرده و رسید بانکی آن را بعد از فوق در فرانس ارسال کنید

CRÉDIT LYONNAIS

HASSAN 808 439 56 R
PARIS (FRANCE)

رژیم در با تلاق

نابودی توده ها است. تنفس بلیدی که زندگی سوز است! و تاریخ، جانوران لحن زی فراوان دیده است که عاقبت خود در لجن خود خفه شده اند. و بی گمان آینده رژیم خمینی نیز چنین است!

بیانندیشند، در با تلاق خود دست و پا میزنند. چرا؟ زیرا بقای جانورانی چون خمینی و یارانش در گرو مرگ و